

مسائل بین المللی

مجله تفویک و اطلاعاتی

شماره ۴ (۷۶)

مهر - آبان سال ۱۳۵۴

مجله "مسائل بین المللی" که هر در ماه یکبار انتشار می یابد، به تفریح مسائل تفویک و سیاسی جنبش جهانی کارگری اختصاص دارد.

مفردجات این مجله از میان مقالات مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" که نشریه تفویک و اطلاعاتی احزاب سوسیالیست و کارگری و منمکی کننده نظریات و اندیشه های آنست، انتخاب و ترجمه می شود.

در این شماره منتخبی از مقالات شماره های ۷ و ۸ (ژوئیه - اوت) سال ۱۹۶۵ مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" بیاب رسیده است.

شماره حساب بانکی جدید مجله
"مسائل بین المللی":

Berlin
Deutsche
Außenhandelsbank A. G.
Konto-Nr. 9608-3131-0010

خوانندگان عزیز!

این نشانی با ما مکاتبه کنید:

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

Druckerei des Verlages " Rudé Právo "
P R A H A

فهرست مقالات این شماره :

صفحه	موضوع	عنوان
۱۵ - ۲	دین محمد کونایف عضو هیئت تحریریه اتحاد شوروی	از عقب ماندگی قرون به سوسیالیسم پیشرفته
۲۵ - ۱۶	هیئت تحریریه	با بقا و گرو متحدین آن
۲۹ - ۲۶	هیئت تحریریه	پروزی در ویتمام و اهمیت بین المللی آن
۳۵ - ۳۰	هنلا گادینو عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان صدر کمیته زنان بلغارستان	وضع زنان معیاری ترقی اجتماعی است
۴۵ - ۳۶	کارلوش کشتا عضو کمیسیون سیاسی کمیته حزب کمونیست پرتغال	نبرد اساسی در رشته اقتصاد
۵۲ - ۴۶	فرانسیسکو بالاکاس عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست فیلیپین	گرایش بسوی تغییر و تحول در فیلیپین
۵۷ - ۵۳	یان براوسکی	موفقیت های کاهش تشنج و مانورهای مخالفان آن
۶۰ - ۵۸	واسیلیما نیشا نیرولوسا عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان	پس از پایان گرفتن کار مخفی
۶۳ - ۶۱		برخی اطلاعات درباره احزاب کمونیست و کارگری

از عقب ماندگی قرون به سوسیالیسم پیشرفته

دین محمد کونایف

عضو هیئت تحریریه
اتحاد شوروی

دین محمد کونایف
عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست گراختستان

با اکثر بزرگ دوران نوجوانی در تاریخ جهان آغاز شد . این انقلاب با افکندن سرنوشت تمدن
جامعه بشری برای سوسیالیسم مخلص جهانی و بدون بازگشت با قاطعیت به مبارزات دنیا که
در کشور ما با پایان داد و بدهد بد ساختن استوار و رو به شرق جامعه را بر پایه اصول کمونیستی پی ریزی
کرد .

خوشبختانه آسیای میانه و گراختستان از این نقطه نظر در این جریان مستثنی نبودند . بهنگام
روند تاریخ بدین قرار بود که تمام جهان شاهد درخشندترین و هیجان انگیزترین راهی باشند که خلقهای
این منطقه در اثر بدوش خلق کبیر روس طی مدت کوتاهی بهمینند . این مدت صورت بند بهای مختلف
اجتماعی را شامل میشد . بهین سبب این سالها از لحاظ اهمیت اجتماعی و سیاسی خود بمعنی
واقعی کلمه برابریا یک قرن است . گام نهادن در این راه انقلابی بهزمتکشان یک منطقه در افتاد
امپراتوری سابق روسیه تزاری امکان داد طی مدت کوتاهی تراز زندگی یک نسل از جنبه تیره و تبار
رژیم ملوک الطوائفی (فئودالیسم) بهجامعه پیشرفته سوسیالیستی برسند .

سالهای پر جوش و خروش انقلاب مسائل فزاینده فراوانی را مطرح کرد که سرنوشت مردم شرق
شوروی وابسته بهحل آنها میشد . یکی از مسائل این بود که زحمتکشان این نواحی باکی خواهند
بود : با پیرولتاریا ی روسیه یا فئودالیهای " خودی " که رنگارنگ ترین مرتجعین اروپا و آسیا را پشت سر
خود داشتند ؟ آیا پس از انجام وظایف انقلاب و موزکاتیک ضد فئودالی ممکن است بدون گذراندن
مرحله سرمایه داری بهحل مساوی انقلاب سوسیالیستی پرداخت ؟ کدام راه پیشرفت سوسیالیستی
بیشتر جوابگوی مصالح خلقها است : راه سابق ماندن در چهارچوب یک کشور یا داخل شدن در
اتحاد دولتی جمهوری های سوسیالیستی ؟ بعد ها هم مسئله بزرگیهای ساختن سوسیالیسم و گذار
به مرحله ایجاد پایه های مادی - فنی کمونیسم در یک کشور کثیرالطنه بهتر آمد .

تمام ویابری از این مسائل برای خلق های کوازمست استعمار رهاشی می یابند و به راه ترقی اجتماعی
گام می نهند مطرح شده و بار دیگر مطرح خواهد شد . در جهان تجربه های فراوانی گرد آمده که از این
موفقیت ها و ناکامی ها شکست ها بهنگام حل معضلات پیشرفت کشورها می است که در گذشته عقب ماند بود مانند
طولانی ترین و بنظر ما موفقیت آمیزترین تجربه را برای نخستین بار در تاریخ جهان خلقهای شرق
شوروی بدست آوردند . ما در نتیجه تجربه حالانته تنها از مسائل اولیه بلکه از معضلات بعدی هم گه
کشورهای در حال رشد باید حل کرد و موازینش را بردارند با غیرهم . از آنجا که مغرب ما با در نظر گرفتن
ویژگیهای تمام مراحل تاریخی وارد عمل میشد و محتایک بررسی تاریخی کامل و بیگانه با توجه به نمونه

کاراخستان و شرح اینکه چگونه تمام این مسافله بنزنج در چهارچوب نخستین کشورکثیرالطلب
سوسیالیستی حل و فصل میشد، جایگاه خواهد بود.

۱

بزرگترین مسئله ای که بلافاصله در شرایط جدید پیش آمد مسئله نجات ماباوروسیه انقلابی
(و بعد ها با دیگر جمهوری های شوروی) بود. چنانکه مبداء امپراتوری روسیه پلنگ کشورکثیرالطلب
بود. بهتر ازینجا از اهالی آنرا مردم مستعد بدستگفت می دادند. ستم ملی و استعماری بویژه در
آسیای میانه و کاراخستان که پسرهای و روافتاده آن بودند حکمروا بود. تزاریسم حتی تمام
سرزمین اهالی بوی کاراخستان را نیز تصرف کرده و این منطقه سرزمین استبداد نامیده میشد.
امپریالیسم روسیه با تمام توان ممکن ضایعات بدشاهی - اربابیه - رعیتی را در نواحی شرقی کشور
حفظ میکرد. گله داری، کوچ نشینی و نیمه کوچ نشینی و کشاورزی عقب مانده، بروسائل کارساده
و ابتدائی متکی بود. بعنوان مثال در آن هنگام در کاراخستان (با محاسب آوردن دهکده های
روبر ها) ۳۱۸ هزار میش، ۴۴۹ هزار گاو و ۲۷۱ هزار شتر گاوچی - با ۱۵۰۰۰۰ سینه
کشاورزی را تشکیل میدادند. صنایع سنگین که فقط در برخی از نقاط وجود داشت مهارت از موسسات
بود که با استفاده از کار دستی و نیمه دستی از پیشرفت صنایع سنگین بخیرترتیب
حلولگیری بعمل می آمد. لنین نوشت: "امکان قارت دیگر خلقها و ستم روادار شدن بد آنها را که در
اقتصاد دیر استوار میماند، زیرا انقلاب استثمار نیمه فئودالی "افراد دیگر ملت ها" منبع درآمد است
نه پیشرفت ملی و تولیدی" (۱).

وضع باقیه قلمت کارگرفرونی العاده بد بود. روزگار ۱۹۱۴ تا ۱۶ ساعت بطول می انجامید.
دستور کارگران نظام برداختن میشد. بطور مثال در معدن زغال سنگ قاراقاند ا دستزد ها
و اهر و با سینه و کتیا میبرد اخذند. دستزد کارگران کاراخ از همه کم تر بود. بیولوتاریا و کاراخستان
اصولاً از جمیع حقوق اقتصادی و سیاسی محروم شده بود.

زحمتکاران کاراخستان و آسیای میانه در ضمن حال میدیدند که طبقه کارگر روسیه که در این نقاط
در وجهت تشکیل گردیده و وسیله بیوزاری " خودی " همانطور که روستائیان محلی از طرف فئودال
های " خودی " استثمار میشدند مورد استثمار قرار میگرفت. طبع سنگین که بهایزاد و نژاد آزاد و سر
خاسته بود در میان تزاریسم و خلق روس، صلح و استسکای قرار نمیدادند. بهترین فرزندان روسیه نیز
همواره از حقوق خلقها دستگیرند تا بیکرند و استثمار از تزاریسم را با قاطعیت محکوم
میکردند. گرتسن در مکتوبات انقلابی بزرگ روس نوشت: " روسیه را نباید بدولت آن بدین احساس
مسئولیت اشتباه کرد، کارگزارستانی وحشی تمام پسران بزرگ تمام روسیه نیست: آن روسیه دیکتاتوری
برادران خود بشناسد با غیر میگوید دست خود را بپسوی شمدار میزند. . . " (۲)

زحمتکاران کاراخستان بدولت انقلابی روس را با سخن مثبت دادند. هیچ واقعه انقلابی مهمی
در روسیه نمیگذشت که در ملت های دیگر ساکن روسیه تاثیر مستقیم نداشته باشد. در حقیقت از
انقلاب فوریه تا کنین بزرگ در آسیای میانه و کاراخستان یکی از نیرومندترین جنبش های آزاد بخش
ملی پیش از انقلاب در جریان بود که عصیان ضد استعماری سال ۱۹۱۶ آن بزرگترین پیمان نام بود
مردم کاراخستان مانند آلمان گدای یوانف طلبی (ملی بیگ) جان گدین - توکاتر بکین و یگران

شهری است.

طرح مسئله امکان گذار سریع از انقلاب دموکراتیک به انقلاب سوسیالیستی آنهم
برای نخستین بار در تاریخ جهان نیز بهین درجه بنزنج و پیچیده بود.

اندیشه امکان گذار خلقهای جداگانه به سوسیالیسم بدون گذار شدن مرحله سرمایه داری را
برای نخستین بار مارکس و انگلس بیان داشتند. این اندیشه را لنین تأیید پلنگتوری کامل بسط
و گسترش داد. اما شیات رسانند که امکان پیشروی خلقهای نواحی عقب مانده در راه انجام
بزرگترینهای عقب سوسیالیستی ناشی از یک سلسله شرایط است.

اول اینکه اندیشه شورای نمایندگان زحمتکاران کاملاً ساده و قابل درک است و میتواند از طرف
روستائیان که هنوز روایتی فئودالی و نیمه فئودالی بسر میبرد بطرز شایسته ارزیابی شود.
لنین یاد آور میشد که آنها قادرند این اندیشه را بخوبی فراگیرند و " در ضمن آنرا تحقق بخشند" (۱).
دوم اینکه خلقهای مناطق ملی اطراف واکناف روسیه که در گذشته عقب مانده بودند پیشروی
میتوانند از مرحله پیشرفت سرمایه داری رهایی یابند که بیولوتاریا انقلابی پیروزند طلبانی که
پیشرفته تر اند و دولت شوروی هرگونه کمک سیاسی، اقتصاد و فرهنگی بد آنها برسانند.

سوم اینکه در راه سوسیالیسم این خلقها مجبورند از مراحل مختلفی بگذرند که ضمیمه و غفلت
آنها به سطح پیشرفت اجتماعی - اقتصادی هر یک بطور جداگانه بستگی دارد. اهمیت فراوان
نوعه و ویژگی آنها و تطبیق ماهرانه اصول مشترک در گرسا بهای اجتماعی بشرايط مشخص
زندگی اطمینان ملی اطراف روسیه از اینجا سرچشمه میگردد.

لنین یاد آور میشد که زندگی این مسئله را مدتی است مطرح ساخته که چگونه باید تا کنین
کمونیستی را در چنین مناطق عقب افتاده ای مانند ترکستان و شرق تطبیق کرد. بخاورتال اینجا، در
آبه ها و فاشلاق ها شوراهای روستائی و دهقانی و در برخی نقاط حتی شوراهای پایه ای هم در
ردیف شوراهای کارگران و سرایان پدید آمده است.

کمک طبقه کارگر طلبها پیشرفته کشورها که پیوستن خلقهای اطراف واکناف روسیه را با انقلاب
تسریع کرد، اهمیت فوق العاده ای در پیشرفت غیر سرمایه داری کاراخستان و آسیای میانه داشت.
از یک ها کاراخجا، ترکمن ها، تاجیک ها، و سر قیزها و تارمانها تنها یکتنی در راه خلقهای شوروی
و پیش از همه بک خلق بزرگ روس در فاصله کوتاهی بعلمت ها سوسیالیستی تبدیل شدند و روسیه
شکوفائی اقتصادی و سیاسی ای در اقتصاد و فرهنگ نائل گردیدند و تا سطح ملت ها پیشرفته معاصر
ترقی کردند.

ل. برژنئف در سخنرانی در باره " پنجاهمین سالگرد اتحاد جماهیر شوروی " یاد آور شد که
فروپختن دنیا کنین، در هم شکسته شدن نظام استعمار، برقراری دیکتاتوری بیولوتاریا و الکت
اجتماعی بروسائل تولید با مستقیمین مبارزه طبقاتی که به جنگ داخلی انجامید، همراه بود (۲).
استعمارگران و بیوزاری جهانی که از نیروی مردمی عقبی برخوردار نبودند جنگ را با تحمل کردند.
اطلا زحمتکاران روسیه بانسروی هم به هم بستگی بیولوتاریا که پرازا کنتر است حکام یافته بود بانسروها
متحد ضد انقلاب بمقابله برخاستند. پشتبانی مردم از دولت نافر قاطعی در نهایت
رساندن جنگ در کاراخستان و آسیای میانه داشت. اندام خرابکارانه ناسیونالیست ها که
میگوشیدند زیر شعار قلابی " ملت واحد ترک " مردم شرق را از راه راستین جسامت شوروی روسیه

۱ - لنین، مجموعه کامل آثار، (بزبان روسی) جلد ۴۱، ص ۲۴۴.
۲ - رجوع کنید به: ل. برژنئف، باخط مشی لنین، جلد ۴، ص ۱۱۷۴، ص ۴۳ - ۴۲.

۱ - لنین، مجموعه کامل آثار، (بزبان روسی) جلد ۲۶، ص ۳۱۸.
۲ - گرتسن، مجموعه آثار، جلد ۷، ص ۳۵۸، ص ۳۵۸.

جداسازند نتوانست مانع این پشیمانی شود . این سؤال بهتر میآید که بچه سبب باوجود انواع موانع و مشکلات اندیشه انتزاعی سوسیالیسم نپزیرتری توانست راه خود را بجا آورد استوار در این منطقه عقب افتاده و گشاید ؟ پیش از هر چیز به علت سیاست درست با همکاری روسیه و همزبانی نین که هشتاد سرف این بود که مناسبات برابر حقوق واقعی میان خلقهای کشورها و پیرو خلیفای مناطق ملی کسدر گذشتند شده و برقرار کنند . " اعلامیه حقوق خلقهای روسیه " (۱۵ نوامبر ۱۹۱۷) ، پیام دعوت " پیمان زحمتکشان مسلمان روسیه و شرق " (۳۰ دسامبر ۱۹۱۷) ، " اعلامیه حقوق زحمتکشان و خلقهای اشتراک شده " (۲۵ ژانویه ۱۹۱۸) و دیگر اسناد دولت شوروی که با بستن نین به تصویب رسید برابری و استقلال تمام خلقها ، حق آنان را در تعیین سرنوشت خود تاحد جدی و الهی تمام امتیازها و امتیازها و نیت های ملی و مذهبی را اعلام و عیناً تضمین میکردند .

نامه نین به کمونیستهای ترکستان که در نوامبر سال ۱۹۱۹ نوشته شد ، در آن وظائف حزب در شرق قید گردیده و سند و مخطوطات بر نامه است . او در این نامه تاکید میکند که " برتراری مناسبات درست با خلقهای ترکستان بدون اغراق میتوان گفت دارای . . . اهمیت عظیم تاریخی و جهانی است . برای تمام آسیا و برای تمام مستعمرات جهان ، برای هزارها میلیونها انسان مناسبات جمهوری شوروی کارگران - دهقانان نسبت به خلقهای ضعیفی که تا کنون بر آنان ستم کرده اند ، اهمیت علمی دارد " (۱) . این سخنان تا امروز هم اهمیت فوق العاده خود را حفظ کرده است .

در پیام دولت شوروی " پیمان زحمتکشان مسلمان روسیه و شرق " که از نظر اهمیت خود هم عیناً انتزاعی تصور بود گفته میشد : " از این به بعد مستندات و احادیث ، مومناطی و فرهنگی شما آزاد و مصون است . زندگی ملی خودتان را آزاد و بدون مانع سوسامان بدهید . این حق شماست . بدانید که حقوق شما و حقوق تمام خلقهای روسیه با تمام قدرت و نیروی انقلاب و کارگانهای آن یعنی شوراها و نمایندگان کارگران ، سربازان و دهقانان حفظ و حراست میشود " (۲) . نخستین گامهای ساختن جامعه در دوران صلح پس از پایان جنگ نشان داد که مسائل اقتصاد فرهنگی و اجتماعی را در چهارچوب یک اتحاد واحد و ملی با موفقیت بیشتری میتوان حل کرد تا در جمهوریهای و جزا و متفرقه . این واقعیت به تصمیم دولتها و جمهوریها برای وحدت انجام میدهد ، ایجاد اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در سال ۱۹۲۲ پیروزی بزرگ انتزاعی سوسیالیسم نپزیرتری ، نشانه سیاست برانده حزب کمونیست اتحاد شوروی ، تصویب کننده پروان اعلامی اقتصاد فرهنگی تمام جهان نیز بر آورد و موجب استقامت اجتماعی داخلی و خارجی نخستین کشور کارگری - دهقانی جهان را فراهم ساخت .

بدین ترتیب تجزیه و تحلیل رویدادهای کارا خاستن آسیای میانه در نخستین سالهای پس از اکتبر نشان میدهد نتیجه گمراهی برسم که امروز هم برای بسیاری از کشورها مسئله روز است . یکی از مباحث ترین حاصل این نتیجه گمراهی انتقال اتحاد توده های زحمتکشان غیرولتاریا طبقه کارگران انقلابی (از جمله با کارگران دیگر ملت ها) در سرنوشت مبارزه آزاد به پیش طری و انقلاب سوسیالیستی است . اتحاد با طبقه کارگری روسیه به خلقهای کارا خاستن آسیای میانه امکان داد مراحل انقلاب پیروز و دموکراتیک و سوسیالیستی را به پیروزی رساند . تبادل و گذار یکی از مراحل به مرحله دیگر باشد تصحیح کرد بدو این نتیجه خود به تثبیت و پیشرفت خود انقلاب سوسیالیستی در روسیه کمک کرد .

۱

حل مسئله ملی با پیروزی انقلاب و تشکیل اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی وارد مرحله عمل گردید . تاریخ جهان تا آنروز شاهد پیدایش کشورهای کثیرالمله متعدد بود که همه آنها در پیرامون زود در نتیجه وجود تضاد های ناشی از عدم برابری ملت ها و نوج و آزار و استیصال خلقهای زود سست از هم جدا شده و بودند . پیشرفت همه جانبه ملت های برابر در زمینه های سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی لازم حل واقعی مسئله ملی است . مساعی حزب کمونیست و دولت شوروی نیز بهر از تشکیل اتحاد جماهیر شوروی در جهت تسریع چنین پیشرفتی تمرکز یافته بود .

خلقهای آسیای میانه ابتدا در ترکیب جمهوری واحد ترکستان که از یکجا ، تاجیک ها ، ترکمن ها و قزاقها و بخشی از کازاخها را شامل میکردید بجز که اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی پیوسته بودند ولی این خلقها تا حدود قابل توجهی نه فقط از لحاظ زبان و ادب و رسوم ملی بلکه از لحاظ سطح پیشرفت اجتماعی - اقتصادی از یکدیگر متمایز بودند . در جریان ساختن سوسیالیسم در قباصل هر یک از این خلقها علاوه بر مسائل مشترک ، مسائل ویژه و خاص خودشان نیز مطرح میشد .

برای نخستین بار در تاریخ کشورها از لحاظ تفاوتها در خلقهای آسیای میانه چند جمهوری بسا حقوق برابر تشکیل گردید . جمهوریهای ازبکستان ، ترکمنستان ، تاجیکستان و قزاقستان پیوسته آمدند . ایجاد جمهوری کارا خاستن نیز در این هنگام بود . این امر برهان قاطع حل مسئله ملی در مصلحت در یک منطقه وسیع و یکی از درخشانترین شواهد پیگیری حزب کمونیست در تحقق اصول برنامه آن در موضوع حق تعیین سرنوشت ملت ها بود .

اماد برای برقراری مناسبات استوار و دوستی و همکاری میان خلق ها هنوز لازم بود نابرابری واقعی آنان در اقتصاد و فرهنگ مرتفع شود . نین راه حل علمی این مسئله را بطور مشخص نشان داد : " . . . انتزاعی سوسیالیسم ملت ستگر و با اصطلاح ملت " بزرگ " . . . نه تنها باید در مراعات ظاهری برابری ملت ها ناما یان کرد بلکه در آن نابرابری هم جلوه گرشود که از طرف ملت ستگر و ولت بزرگ ، جبران نابرابری واقعی را بکنند که در زندگی بوجود میآید " (۱) . تمام فعالیت حزب ما در مرحله گذار خلقهای نواحی عقب مانده به سوسیالیسم بدون ملی کردن دوره سرمایه داری با این اندیشه نین ارتباط ناگسستی داشت .

حزب در درجه اول ضرورت اتحاد تمام اجتهای - اقتصادی را در نظر داشت که به برطرف کردن عدم برابری اقتصادی سابق کمک کرد و موافق و بگریها مصالح و منافع مشترک خلقهای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی مطابقت داشته باشد . نظام شوروی نه فقط اقتصاد پس انداز عقب مانده بلکه نامعقول ترین شکل پخش و توزیع نیروها تولیدی را هم از نظر زمینه باور برد . در سال ۱۹۱۳ بهر از ۷۵٪ محصولات صنعتی کشور تنها در چهار ناحیه مرکزی روسیه تولید میشد . در همین حال در آسیای میانه و کارا خاستن وزن مخصوص محصولات صنعتی فقط به ۱٪ میرسید .

حزب ما همزمان با تغییر رویسازای مناسبات اجتماعی و ایجاد پایه های مادی - فنی نظام اجتماعی نو در دوران صنعتی و اجتماعی کردن کشاورزی و زمین سازمان دادن انقلاب فرهنگی در اتحاد شوروی از سوی پیشرفت سریع تر مناطق ملی عقب مانده سابق بطور پیگیری و در انحراف پیروی میکرد تا بدین ترتیب سرعت رشد اقتصاد و فرهنگ آنها بالا ترازد متوسط این رشد در تمام کشور

۱ - نین ، مجموعه کامل آثار ، (بزبان روسی) جلد ۲۹ ، ص ۳۰۴
 ۲ - " پروادا " ۵ دسامبر (۲۲ نوامبر) سال ۱۹۱۷ .

باشد . این موضوع از جمله در نهضت های مربوط به تدوین نخستین برنامه پنجساله که در سال [۱۹۲۷] از طرف بنایزدهمین کنگره حزب به تصویب رسید و همچنین در رفتارهای حزب در باره برنامه های پنجساله بعدی گنجانده شده بود .

جریان صنعتی کردن و اجتماعی کردن کشاورزی و انقلاب فرهنگی در جمهوری های آسیای میانه و کارآخستان با موفقیت جامعه عمل میبویشد . در همان دوران پیش از جنگ این جمهوریها بمنطق صنعتی - کشاورزی مبدل گردیدند . زندگی این اندیشه لنین را تأیید کرده تولید سوسیالیستی زیربنایی است که روی آن با وجود سازمان دموکراتیک دولتی " از میان برداشتن مناطق کوچکترین برادرهای ملی و کوچکترین بی اعتماد ملی عملاً امکان پذیر میگردد و نیز بدین ملاحظه سریع ملت ها متحقق می باید . . . " (۱)

وزن مخصوص صنایع در اقتصاد کارآخستان در سال ۱۹۲۰ ، ۶۰٪ در مقابل ۶۳٪ در سال ۱۹۲۰ بود . این بدان معنی بود که طبقه آهنین بودن نابرابری واقعی خلقهای استتک سابق در کارآخستان بطور عمده معلق گردیده است . کارگران رانه تمام خلقهای کشور کثیرالمله ما در درجه اول خلق بزرگ روسیه و پیشرفت صنعتی کارآخستان نقره صافی ایفا کرد . زحمتکاران مسکو و لنیننگراد سمرقند ، جمهوری راجبیده داشتند . کارگران معادن نفت خاسته قارا قاندا و کارگران نفت باکو و گروزنی در سهره برداری از معادن نفت منطقه اورال - اینسک مارباری کردند . از تمام نقاط کشور وسایف لازم برای ایجاد بناها و موسسات جدید و متعدد در کارآخستان فرستاد میشد .

پیشرفت صنعتی کشور را جلب گروه های انبوه زحمتکاران کارآخستان بکاروشکلی کابرد زلسی طبقه کارگرو روشنفکران در رشته های دانش و فن همراه بود . کارگران ، مهندسان و تکنیسین های مسکو ، لنیننگراد ، خارکف ، دنپاس ، باکو ، سوردلوبک و دیگر مراکز صنعتی تجار ، معلومات و مخابرات خویش را به کارگران و کارهای آموختند . بسیاری از کارگران کارآخستان تخصص و تکمیل پیشه و حرفه خود را بلاواسطه در موسسات قدراسیون روسیه ، اوکراین و دیگر جمهوریهای شوروی بدست مس آوردند . ایجاد و پیشرفت طبقه کارگر در کارآخستان بهترین نتیجه ساختن سوسیالیسم در کشور بود . تغییرات خاصی در کشاورزی جمهوری های آسیای میانه کارآخستان روی داد . میلیونها نفر از روستائیان فقیر را از انقلاب صاحب زمین شدن و این امر اهمیت اقتصادی و سیاسی فراوانی بویژه برای ازبکستان و قرقیزستان داشت . بعد ها هرگاه با نقشه تعاونی (کتوراتیو) لنین و طبقه ویزگیهای هر صرحل در طبقه تاریخی به موازات یکدیگر انجام میشد . یکی اتحاد دهقانان منفرد در گلنگها و دیگری رهاکردن کوچ نشینی . بطور جمعی و امکان دسته جمعی در نقاط مسکونی ، پیشرفت سریع صنایع نقش بزرگی در دگر سازی سوسیالیستی کشاورزی ایفا کرد . کمک مالی رافض دولت و ایجاد سوخوزها ، مراکز ماشین های مختلف ، کشاورزی و تراکتور و تشکیل و تکمیل انواع گوناگون تعاونی ها نیز در این رهگذر سهم بزرگی بعهده داشتند . کمونیست ها برای سازمان دادن روستائیان فقیر و بزرگموسسات ساختن دهقانان متوسط الحال ، منفرد کردن کولای ها و جنگ ها و سهر انحلال آنان بمنزله یک طبقه بواسطه اجتماعی کردن سراسری اقتصاد روستای کارها پیش انجام دادند . از جمله پیش از ۲ هزار کمونیست روستایی پیش از ۳۰ هزار کومسول برای تشکیل کردن دهقانان زحمتکار کارآخستان در کارهای سازمانی و سیاسی شرکت جستند . کمیته مرکزی حزب تعداد ازادان از کمونیست ها و کارگران با تجربه حزب را از مراکز صنعتی بگنجانان فرستاد .

اتحاد طبقه کارگرو روستائیان گلخوزی در جریان انجام دگرگونیها یعنی سوسیالیستی استحکام بیشتری یافت . بیش از یک میلیون واحد اقتصادی از انفرادی روستایی جمهوری در گلخوزها متحد شد و سهره و سوسیالیسم گام نهادند . پیروزی نظام گلخوزی و تثبیت تناسبات نوین تولید در روستاها وضع زندگی روستائیان را از بیخ و بن عوض کرد . ملت اجتماعی که بوجود آورنده استشارائسان از انسان بودند بکنی مرتفع گردیدند .

تجربهارخی این واقعیت را تأیید کرد که قانونی در عام ساختن سوسیالیسم و کمونیسم انقلاب فرهنگی است . یکی از مهمترین هدفهای این انقلاب برقرار آوردن آب و رسوم و فرهنگ سوسیالیستی است .

الفان بنسواد ب معیاس کلی در نخستین سالهای حکومت شوروی فعلاً نه از کارگردید و در آستانه سال ۱۹۲۰ در جمهوریهای آسیای میانه و کارآخستان تحصیلات ابتدائی اجباری همگانی بمرحله اجراء آمد . دهها موسسه آموزشی عالی و داور بحر فاع ان گشایش یافت . بتدریج روشنفکران فلس شوروی که با اندیشه های مارکسیسم - لنینیسم و اصول انترنا سیونالیسم بین الملل پرورش یافته بودند بوجود آمد و متشکل شدند . فرهنگ کارآخها ، انکبا ، تاجیکها ، ترکمن ها ، قرقیزها و دیگر خلقها که از لحاظ شکل ملی و از لحاظ خصوص سوسیالیستی بود پیشرفت شکوفائی یافت . سوسیالیسم نه فقط امکانات وسیعی برای دسترس توده ها از زحمتکار به ارزشها بمعنوی فراهم ساخت بلکه آنها را بآفرینندگان بلاواسطه فرهنگ مبدل کرد .

ل . برنوف در سخنرانی بناسبت صدمین سالروز تولد او . لنین گفت : " برنامه لنینیسم ساختن سوسیالیسم نمونه بزرگ و در عینی جامع و واقع بینانه بعمل مسائلی است که دارای اهمیت جهانی و تاریخی میباشد . این برنامه تمام سواخ ساختن جامعه نیا پیشرفت نیروهای تولیدی در گرامزی تناسبات اجتماعی و تجدید ساختن جهان بمعنوی انسانها را شامل میگردد " (۱) . اصالت این برنامه و استواری نتایج بدست آمده از آن در سالهای جنگ کمونیستی ، یعنی هنگامیکه مردم شوروی و تمام ملت ها در خلقهای آن بدفاع از آزادی و استقلال مبین سوسیالیستی خود برخاستند و سهپنجین کنند ای در پیروزی تاریخی بر فاشیسم آراشگردند بناهایت رسید . کارآخستان در سالهای جنگ صد ها هزار سرباز به جبهه های جنگ گسیل داشت . دوسوم اعضای حزب کمونیست و کومسول جمهوری در صفوف ارتش شوروی می جنگیدند .

واحد ها دارتشی که در کارآخستان تشکیل شد در نقاط تری نبرد ها شرکت کردند . از آنجمله بود ۱۶ واحین لشکر پیاده با (هشتین لشکر گارد) تحت فرماندهی می . و . بانظیف که در نبردهای اطراف مسکو و آتاکر ای جادوانی برای خود بدست آورد . قهرمانی های جادوان ۲۸ قهرمانان این لشکرها و همیشه در تاریخ قهرمانی های مردم شوروی ثبت گردیده است .

پیش از . . . ه ن ازاهالی کارآخستان بدیاریات عنوان قهرمان اتحاد شوروی مظهر گردیده اند . پیروزی مردم شوروی بر فاشیسم آلمان پیروزی وحدت معنوی - سیاسی مردم شوروی ، مبین برتری شوروی ، انترناسیونالیسم برتری میانگردد و ستی خلل ناپذیر خلقهای اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی است . این واقعیت که فاشیسم یادوستی فاشیسم نفرتناست میان طبقه های سوسیالیستی نفاق افکنده خود با بزرگترین اصولی حل سوسیالیستی مسئله ملی در دست سیاست ملی لنینی و استواری کشور کثیرالمله شوروی را بناهایت رساند .

۱ - ل . برنوف . باطل مشی لنینی ، جلد ۲ ، مسکو ، ۱۹۷۰ ، ص ۵۶۵ .

۱ - لنین ، مجموعه کامل آثار ، (بزبان روسی) ، جلد ۳۰ ، ص ۲۲ .

ثنا خلیفای کشور ما در اثر تجربه های چندین ساله زندگی خود بدین نکته یقین حاصل گردید
که وسعت آبان دریا که اتحادیه چه در هر حال از آن در بر دارد وجه امکانات گسترده ای بسیاری
آینده ای که مخصوص نمایان است بر وی آشکار میگشاید .

تجربه همدیگر نشان داد که پیشرفت صنایع ملی و اجتماعی نیز همانطور که پیشرفت اجتماعی
سوسیالیستی با ویژگی داران مراحل گوناگونی است ، مرحله های مختلفی را پشت سر میگذارد .
با گرا بیاد با همی سوسیالیسم ساختمان جامعه پیشرفته سوسیالیستی را درین دارد ، حاصل
سوسیالیستی مسئله ملی و زمین بر عدم برابری ملت ها هم پیشرفت ملیات ملی سوسیالیستی
در عقب و نزدیک هر چه پیشرفت ملت ها را درین خواهد داشت .

این مرحله سوسیالیسم پیشرفته نیز همانگونه صنایع تولیدی و رفاهین عینی اقتصاد و براداری است
که مرحله پیشین سوسیالیسم ، اما در همین حال همانند او که در گزارتر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد
شوروی به هیئت وجهی ازین گنگره حزب گفته شده ، اینند ، در اتحاد جماهیر شوروی سطح بسیار عالی
تری از پیشرفت اقتصاد ، صنایع اجتماعی سوسیالیستی ، فرهنگ و آگاهی توده ها دارند و
مردم بدست آمده است .

اول اینکه اقتصاد تمام اتحاد شوروی اینک به سطح عالی ارتقا یافته است . اینک ، ادارای
مجمعی از اقتصاد ملی بهم پیوسته ایم که اقتصاد ملی جمهوریها بر اساس ریخ برنامه واحد مشترک
بسرود تمام کشور و هر یک از جمهوریها با وجود گانه پیشرفت میکنند . پیشرفت روابط اقتصاد ، مهمترین
عامل نزدیک ملیت ها در آینده مبدل شده است .
دوم اینکه آشتی ناپذیری طبقاتی ملی ناپدید شده است . تمام جامعه با او یک دست و یک کار
و هر خلق و ملتی در آن ساختار اجتماعی واحدی است که عبارتست از باقی بقا کارگر ، دهقانان ، کسبوری
و روشنفکران زحمتکش .

سوم اینکه پیشرفته جامعه کشور در چارچوب ناگسستی حاکمیت شوروی و حاکمیت ملی جمهوری
ها بر پایه اصول مرکزیت و موکراتیک و فدرالیسم سوسیالیستی ، در موکراسی سوسیالیستی شوروی تأمین
گردیده است . ویژگی های سیاسی و قضائی حل این مسائل مسئله در جمهوریها این گوناگون مانع
و حد تسلط ناپدید بلکه بدین کمک میکند .

چهارم اینکه شرایط ضروری برای شرکت فعال زحمتکشان تمام ملت ها در پیشرفت علم و فن و
فرهنگ ، برود آورده شده است . شکوفایی نزدیک و فضای متقابل فرهنگ ملت ها و خلق همسایگی
سوسیالیستی از خصائص زندگی معنوی کشور است .

پنجم اینکه با ساختمان سوسیالیسم پیشرفته ایدئولوژی مارکسیسم لنینیسم ، انترناسیونالیسم
سوسیالیستی و دوستی ملت ها و خلقها تثبیت گردید ، پروسه های تبادل ارزشها ، مادی و معنوی و
کادرها شدت یافته اند ، در تأثیر متقابل و شکست بین المللی گرفتن وضع زندگی خلقها به شکلهای
گوناگون تشدید میگردد . زحمتکشان هر جمهوری اینک جمعیت کثیرالمله ایست که خصوصیات ملی
آنها با ویژگیها و آداب و آیین و خصوصیات سوسیالیستی مشترک برای سراسر شوروی در هم
میآیزد .

ساختمان و تکامل جامعه پیشرفته سوسیالیستی با تعبیرات عظیم کمی و کیفی نسبت به مرحله
پیشین سوسیالیسم مشخص میگردد . این پروسه در کشور کثیرالمله علاوه بر اینها دارای ویژگیهای
مخصوص خواهد داشت .

صنایع تولیدی بر پایه رشد برتوان نیروهای تولیدی پیشرفت بیشتری یافت و این امر در افزایش
چشمگیری سطح اجتماعی شدن تولید در هر دو نوع مالکیت سوسیالیستی و در نزد یکی در هر دو نوع
مالکیت نمایان میگردد . این جریان با تعبیرات فزاینده در ترکیب طبقاتی ساکنان اتحاد جماهیر
شوروی همراه است . تعداد کارگران و کارمندان از ۲۵۰۰۰۰ در سال ۱۹۳۹ به ۲۲۶۰۰۰ در سال
۱۹۷۰ بالغ گردید ، اینک پروسه اجتماعی صنایع سوسیالیسم در نیز نمایان میگردد و شود . چشمگیری
سکونت اهالی از روستاها به شهر و همچنین به نواحی تازه آباد شده و تأسیسات جدید در برقرار شدن
سطح پیشرفت اقتصاد و جمهوریها ، همه بنیاد ل کادرها به تقیاس وسیع میان جمهوری ها انجامید .
در نتیجه اهالی هر یک از جمهوری ها از طبیعت های مختلفی تشکیل شد و این امر ویژه در کارخانستان
با ویژگیهای چشم میخورد .

با بقا کارگری و عده تولیدی است و در سیستم صنایع سوسیالیستی نقش اصلی را بر عهده
دارد . نزدیک طبقات کارگر ، روستائیان کسبوری و روشنفکران بر پایه ترقی علمی و فنی نزدیک شدن
در نوع مالکیت سوسیالیستی به وقوع می پیوندد و این پدیده یکی از مهمترین شرایط گرا به جامعه
کمونیستی بدون طبقات است . در موکراسی سوسیالیستی پیشرفت همه جانبه دارد . رفاه و ترقی
مندی مردم بطوری مستمر ارتقا پیدا میکند . درآمد واقعی اهالی در سال ۱۹۷۳ نسبت به سال ۱۹۲۰
۵۰٪ بار افزایش نشان میدهد .

همه این موفقیت های کشور روسیه پیشرفته و یکجا نتیجه اراده واحد و مساعی واحد جمعیت کثیرالمله
اتحاد است . زندگی اقتصاد هر یک از جمهوریها شوروی تابع یک برنامه واحد و یک سیاست سراسری
کشور است . این برنامه با توجه به ویژگیهای اوضاع و احوال هر محل و مصالح و موانع تمام جامعه
تأثیر میگذرد . اقتصاد جمهوریها با هم به بخش آراگانی یک واحد یکپارچه با تاجر و انزوا بیگانه نیست
و بدین شرایط بسیار نزدیک و تأثیر متقابل با اقتصاد کل کشور قادر به پیشرفت موزون و یاری نیست .
ارتزایی مادی که زحمتکشان یک جمهوری در دسترس تمام جمهوری های برادری و

همه مردم شوروی قرار میگیرد . به همین سبب همگان در پیشرفت موفقیت آمیز اقتصاد هر یک از جمهوری
ها کاملاً ذینفع اند . این موضوع در تمام جریان آباد کردن اراضی بکر و بارگرا از خاستان که بهتر از ۲۰
سال پیش آغاز گردید با ثبات رسیده ، مختصر و مفید آید و نتیجه برجسته کار خاستان نوبت نوبت نسی
که بسزین ها با برآمده اند شایسته به آنانکه در گذشته از نوبت احتیاج و بیای خزانگی و بیکی طایفه ای
روسیه تزاری در این مناطق سکنی میگردیدند دارند و اراضی مستعمره گذشته نپروازان استقلال
نگرد . اینها سازندگان اقتصاد سوسیالیستی بودند که مجیزه نوبتترین وسایل تکنیکی اند ، پسران
و دختران مین شوروی با آگاهی در سطح عالی بسزین ها آمده اند که تا حالا دست نخورده مانده
و کشتن آبروی احیان این اراضی و بازگرداندن آنها به زندگی اتحاد امکان بگوشند . محاسن بسزین های

بکر و بیروید اندازی در تاریخ کشاورزی جهان بشمار ضرورت ۲۲ میلیون هکتار اراضی که در گذشته
خالی از سکنه بودند (۲۵ میلیون هکتار از این اراضی در کار خاستان است) در کونترین مدت به
آبادانی زندگی رسیدند . زحمتکشان کار خاستان بیاد دارند که در آن دوران رشد فوق العاده تمام
اقتصاد و فرهنگ جمهوری سوسیالیستی ما زمان حسی آنرا رفیق برزف بنصده داشت .
قابل کشت و زرع کردن اراضی با برامری نبود که تنها از لحاظ اقتصاد میسر باشد . این اقدام
باید بگرنیرو عظیم اتحاد خلق ناپذیر طبقه کارگر و دهقانان کسبوری و نیروی دستی بزرگ و کلک متقابل
خلقهای برادری و اتحاد جماهیر شوروی را آشکار ساخت و مکتب واقعی تربیت انترناسیونالیستی و کارگر بد
ل . برزف در دست نرانی خود در اوقات (۱۵ اوت سال ۱۹۷۳) تأکید کرد که : قابل کشت و زرع

کردن در اراضی باقی‌مانده بی‌برگه مردم شوروی بود. (۱) قابل کشت ساختن اراضی باقی‌مانده در دوران ساختن سوسیالیسم پیشرفته نه تنها برای مردم کارخانستان بلکه برای تمام مردم شوروی در همان‌ترین نمونه وحدت عملت‌های سوسیالیستی در آن رسیدن به یک هدف واحد بود.

۴

وظیفه پرولتاریت ایجاد زیربنای مادی و فنی کومنیسم پیشرفت روزافزون مناسبت‌های را شوروی می‌سازد. تجربه جامعه بشری امروز نیز مانند گذشته باید بگوشانند که خصلت روابط اقتصادی می‌تواند با چنان‌طور مصلحتی بر مبنای سیاست میان آنها می‌بخشد.

در جهان فراوانند کشورهای که در قرن بیستم با این ضرورت روبرو شده‌اند که تقریباً همان مسائل اجتماعی - اقتصاد و بحران کنند که آسیای میانه و کارخانستان در گذشته با آنها روبرو گردیدند. پیشرفت سریع اقتصاد و فرهنگ کشورهای عقب مانده آن کشورها از دست استعمارهای یافته از جمله این مسائل است. بسیاری از این کشورهای نظیر جمهوری‌های شرق شوروی تابع تابعی غنی در اختیار دارند و ولی این امر متعجبانه مشکلات آنها را آسان‌تر کرده بلکه بالعکس آنها را بیشتر متراخت و زسرا وجود همین منابع قابل و کوشش انحصارهای امپریالیستی را برای حفظ این کشورهای در آبروه نفوذ و تأثیرت خویش‌ترشدید می‌کند. آنها فقط در مسائلی اخیر موفق شدند منابع طبیعی خود را از وابستگی به بیگانگان بکشند. ولی امروزه آنها با وظیفه به‌فراخ غلبه بر عقب ماندگی و مالک شدن واقعی (نه تنها سیاسی و قضایی بلکه اقتصادی) منابع طبیعی خود روبرو هستند تا بتوانند از آنها بسود مردم بهره برداری کنند. جلب کارشناسان و متخصصین کشورهای در حال رشد به کشورهای پیشرفته سرمایه داری، افزایش تصنیف و پیش‌ازحد به این ابزار آلات و کالا های مصرفی کشورهای در حال رشد وارد میکنند و وسائل متعدد در کشف و استخراج امپریالیستی مانع انجام وظایف و حل مسائلی هستند که در بالا با آنها اشاره کردیم. یکسلسله مشکلات همین هم وجود دارد ناشی از اینکه پیشرفت و تکامل تکنیک‌های معاصر متولید مغان وسیع و هم پیوندی انترناسیونالیستی نیازمند است.

خلقایی آسیای میانه شوروی و کارخانستان مراحل تمام این معضلات را در تحکیم اتحاد خویشا باقی کارگرد یک جمهوری‌های اتحاد جماهیر شوروی و در اتحاد ملت‌های سوسیالیستی یافته‌اند. نتایج بدست آمده از پیشرفت کوشی کارخانستان کوشش این راه را تأیید میکند. اراضی که در زمانی کاملاً متروک و بی‌معامل افتاده بود در امروز مرکز بزرگ اقتصادی مبدل شده‌اند. از ثروت‌های با یان‌ناپذیر نیروی زمین و اعطای آن اینک بسود مردم استفاده میشود. محصولات صنایع جمهوری که امروزه ششای فراوانی را در بر میگیرد ۱۹۶۰ با این میزان محصولی است که در سال ۱۹۱۴ در اراضی آن تولید میگردد و ۲۵ بار از میزان تولید پیش از جنگ (در سال ۱۹۱۴) بیشتر است. در کارخانستان امروز در کمتر از ۳۰ روزها مقدار فراوردی‌های صنعتی تولید میشود که در تمام سال ۱۹۵۰ تولید شده بود. تنها در جریان انجام برنامه پنج‌ساله هشتم (۱۹۷۰-۱۹۶۶) در کارخانستان ۱۵ شهر نو و دین ایجاد گردیده‌است که بعداً نیز به یک از آنها طبق معمول بسا ایجاد کارخانه‌ها و سایر بزرگ و فوکل آسا، ساختن آنها (کابل)، خطوط حمل و نقل و بهره برداری از معادن مختلف ارتباط دارد.

۱ - ل. برژنف، مسائل سیاست ارضی حزب کومنیست اتحاد شوروی و آباد کردن اراضی باقی‌مانده کارخانستان، مسکو، ۱۹۷۴، ص ۳۳۳.

کارخانستان در تقسیم کار هم‌چنان بر تمام اتحاد شوروی مقام شایسته‌ای برادر است و این تقسیم کار به‌هیچوجه تنها به عهد داریون نفوذ تهیه کننده مواد خام بران و یک نقطه کشور محدود نمی‌گردد. در اینجا رشته‌های صنایع گوناگونی با سرعت روزافزون در حال پیشرفت است که نیاز به تخصص در سطح عالی دارد. در رشته‌های سازی جمهوری افزایش متوسط سالانه فراوردی‌ها در جریان پنج ساله جاری رقم ۱۶٪ را نشان میدهد. تولید نیروی برق در سال ۱۹۷۴ نسبت به سال ۱۹۷۰، ۴۰٪ افزایش داشت. صنعت شیمی با سرعت بسیار زیاد در حال پیشرفت است. تولید کسود شیمیایی طی چهار سال ۲۷٪ برابریافته شده‌است.

ترقی عظیم صنایع کارخانستان با تعمیرات کیفی عمیق در ساختار آن و تکمیل تکنولوژی تولید تمام بوده و از آن نیرو گرفته‌است.

جمهوری مالازحاط سرعت تجدید ذخایر (فوند های) تولیدی یکی از مقاصد اول کشور را بخود اختصاص داده‌است. پیش‌ازد سوم تمام ذخایر صنایع پر از سال ۱۹۶۵ بوجود آمده‌است. ذخایر اساسی رشته‌هایی که ثمرات فنی اقتصاد کشور را تعیین میکنند باید اکثر سرعت تجدید می‌شوند. کارخانستان در اجرای موفقیت‌آمیز و کامل قراردادی بهیست و چهارمین کنگره حزب کومنیست اتحاد شوروی در درجه اول نیروی برق، صنایع فلزساز، رنگین، صنایع سوخت و شیمیایی، صنایع سازی و صنایع میک و فزانی خود را با سرعت هر چه بیشتر تکامل بخشیده و پیشرفت میدهد. هم اکنون محصولات صنعتی با مارک کارخانستان در ۲۰ کشور جهان و در درجه اول در کشورهای عضو شورای تعاون اقتصادی مشترک شناخته شده‌است.

پیشرفت ترقی فنی با گام‌های هرچه واضح‌تر در کشاورزی جمهوری نفوذ میکند. موفقیت‌های کشاورزی جمهوری، به‌ویژه پر از پنوم مارس (۱۹۶۵) که مرکز حزب کومنیست اتحاد شوروی کسبه بمنزله سرآغاز مرحله کیفی نوی در پیشرفت اقتصاد روستاهای تمام کشور شهرت یافته، مهم و قابل توجه بوده‌است. اجرای قراردادی پنوم با معاصر بهیست و چهارمین کنگره حزب و پشتیبانی گرانقدر و کفعلی ککمیته مرکزی حزب، نیروی سیاسی آن و شخص رفیق برژنف بطور مداوم نسبت به جمهوری اعمال میدارند کارخانستان را به پایگاه عظیم غله در شرق کشور و به منطقه و اداری بسیار پیشرفته‌ای مبدل کرده‌اند و تمام اینها بنوع خود به اعطای هم‌چنان به اقتصاد و طوف فرهنگ آن انجامیده‌است. میزان محصول تولید شده در جمهوری در سال ۱۹۶۵-۱۹۶۶ به ۲۵۰۴ میلیون تن در سالهای ۱۹۷۳-۱۹۷۴ بالغ گردید. این رقم بیشتر از زمانی است که در رهنمودهای بهیست و چهارمین کنگره حزب کومنیست اتحاد شوروی برای اوایل برنامه پنج‌ساله نهم پیش‌بینی شده‌است. بسیاری از رشته‌های دیگر کشاورزی کارخانستان نیز موفقیت‌های بزرگی بدست آورده‌اند.

موفقیت‌های بی‌چون و چارای جمهوری در انجام وظایفی که بهیست و چهارمین کنگره حزب کومنیست اتحاد شوروی مقرر داشته تنها با وجود زیربنای مادی و فنی پیشرفته تشبیه و توصیف نمیشود. این موفقیت‌ها در همین حال در نتیجه آنست که جمهوری تعداد کافی متخصصان و کارشناسان با معلومات عالی برای تمام رشته‌های اقتصادی (۹۷۳ هزار نفر) و گروه‌های کثیری افراد دانشمند (بیش از ۳۰ هزار نفر) در اختیار دارد.

دانش پژوهش‌هایی که آگاه می‌علوم و صد‌ها دانشکده علمی - پژوهشی کارخانستان به‌معمول می‌آورند در نتیجه وجود عوامل نامبرده فوق‌العاده وسیع یعنی از نتایج در تافتای کیهانی است.

آنچه در باره کاخستان در موضوع مربوط به پیشرفت تولید و ترقی در رشته علوم و فنون گفته شد در مورد جمهوریهای آسیای میانه یعنی ازبکستان، قرقیزستان، ترکمنستان و تاجیکستان هم کلاماً صادق است. بطور مثال ازبکستان به جمهوریهای صنایع نیرومند تبدیل گردیده است که به جز از صد رشته صنعتی را با ۱۲۰ موسسه بزرگ صنعتی در بر میگیرد که همه با وسایل مدرن مجهز گردیده اند. در همین حال ازبکستان جمهوری با کلهوزهای بزرگ مکانیزه و سوخوزهای است که اقتصادشان سال بسال استوارتر میگردد.

نقش اقتصاد سوسیالیستی در تحکیم هر چه بیشتر ارتباطاتقابل و تاثیر متقابل ملت های شوروی و تعمیق خصال مشترک کمونیستی در آنها با اهم افزاینده خواهد یافت. این امر ناشی از پیشرفت اقتصاد معاصر است که اجتماعی کردن هر چه بیشتر تولید بقیا سر تمام کشورهای میزان بالا تری را ایجاد میکند.

پیشرفت هر چه بیشتر و نزدیک و فانی متقابل فرهنگهای ملی سوسیالیستی و استحکام مساعی انترناسیونالیستی آن از مهمترین خصوصیات پیشرفت اجتماع در مرحله کنونی است. اشکال گوناگون راپیاده متقابل و خلایق میان فرهنگ های برادر خلقها با یکدیگر و روز بروز غنی تر و گوناگون تر میشود با این - امر برای خود هرگز در خوادند که کار باخلاقیت سوسیالیست ها در بزرگ جمهوریهای شوروی به خصوص آشنا هستند و بهترین آثار نویسندگان مشهور کشورهای بزرگان مادری خود مطالعه میکنند. بسیاری از آثار نویسندگان و شاعران کاخستان هم بنوع خود به زبانهای مختلف از آنها در جوامع هیرش شوروی برگردانده شده است.

نمازینی به پت زبان مشترک برای همکاری و معاشرت میان افراد ملت های مختلف در جریان مبارزه در راه آزادی و زحمتکشان از سمت طبقاتی وطن و ایجاد اقتصاد و فرهنگ واحد سوسیالیستی پدید آمده و فراپز یافت. تمام ملت ها و خلقهای کشورهای بدین منظور زبان شوروی را در اولیایانه بر گزیدند. این زبان بوسیله ارتباط متقابل و وحدت خلقهای شوروی و آشنائی با بهترین دست آورد های فرهنگ مین و ما و سایر جبهان مه دل شده است.

پدایش جمعیت جدید و تاریخی در سیمای خلق شوروی یکی از نتایج عمده مبارزه مشترک زحمتکشان کشورهای راه ساختان سوسیالیسم و کمونیسم است. خلق واحد شوروی بر پایه مالکیت اجتماعی بروسایل تولید، وحدت زندگی اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، ایدئولوژی مارکسیستی - لنینیستی و مصالح و آرمانهای طبقه کارگر پدید آمده و تشکیل یافت.

خلق شوروی مظهر صفا مشترکی است که ویژه تمام خلقهای شوروی و هر یک از آنها بطور جداگانه است. ارتباط متقابل ارگانیک هر آنچه ملی و بین المللی است با زبان خود را در این پدیده می یابد. بروسه بین المللی شدن زندگی خلقهای شوروی بر پایه وحدت اقتصاد و اجتماعی جامعه شوروی هر چه بیشتر شده پدید میگردد و خصائص انترناسیونالیستی و مشترک خلقهای شوروی تکامل پیدا میکند.

مردم شوروی با ناسیونالیسم و شوینیسم و نفرت و انزوا طلبی و نسیبت به خلقهای دیگر بیگانه اند و آنچه پدیدمانا هنجاری نا بپرست برتری ملی و انزوا جوش و محدودیت رهایی یافته اند. صداقت و وفاداری بکمونیسم، مین پرستی سوسیالیستی و انترناسیونالیسم، فعالیت فد پد در کار و مبارزه اجتماعی و سیاسی، ناسازگاری با استعمار و استبداد و همه اخلاقیات ملی و نژادی و همبستگی با ملاتی با زحمتکشان تمام کشورهای، اینها همه از صفات و خصایل پاک انسان شوروی اند.

تجربهای که در بالا از آن سخن رفت حاوی دروسی است که فقط ارزش تئوریک بلکه ارزش عملی بلا واسطه خود را حفظ کرده اند. در همین حال در سعه ای وجود دارد که در سهای دیگر هم از آن مشتق شده اند. این درسها درست از آنکه حل مسئله ملی تنهادر شرایط امکان پذیر است که وظایف عمده اجتماعی ساختن سوسیالیسم باشد. و این مسئله تحت رهبری حزب طبقه کارگر حل میشود. این نتیجه گیری مهم مارکسیسم - لنینیسم اینکد را نتیجه تجربه صد هاسیون انسان تایید گردیده است.

اهمیت اصول لنینی حل مسئله ملی جهانشمول است. نیروهای پیشرو کشورهای که بر امر ساختن اجتماعی و ترقی کام نیاده اند این اصول را رهنمون خود قرار داده اند. ناپندگان بسیاری از کشورهای آسیای میانه و قریب از رسموزیم بین المللی آلمان (سال ۱۹۹۹) که بعد مین سال تولید لنینیسم اختصاص یافته بود، در باره گرانقدرترین ضمون اجتماعی و سیاسی، تازگی و اهمیت کارشنایذیری این اندیشهها سخن گفتند.

بسیست و پنجمین کنگره فنی حزب کمونیست اتحاد شوروی در قریب سال ۱۹۷۶ آغاز میگردد خواهد کرد. این کنگره وظایف ساختن پیگیرینان مادی و فنی کمونیسم و تمام جوانب ترقی اجتماعی کشورهای را معین خواهد ساخت. مشی دایمی حزب ما با خاطر شکوفائی هر چه بیشتر طست های سوسیالیستی و نزدیک یکی هر چه بیشتر آنها نیز در کار کنگره منعکس خواهد شد. این بروسه مین و پیگیر محور اصلی پیشرفت مناسب ملی در اتحاد جماهیر شوروی است.

تمام مسائل پیشرفت مناسب ملی را حزب کمونیست اتحاد شوروی از موضع انترناسیونالیسم پرولتری و سوسیالیستی حل میکند. غنی ترین تجربهای خلقهای آسیای میانه و کاخستان که در راه گذار از عقبماندگی قرن به قله های پیشروترین و عادلانه ترین جوامع بدست آمده شاهد درخشان این مدعا است. تاریخ باور انگارناپذیری بر مملی بودن تمام هدفهایی که حزب در جریان پیشرفت مداوم جامعه ما بسوی کمونیسم معین کرده گواهی میدهد.

طبقه کارگر و متحدین آن

هیئت نهمبره مجله "سائل صلح و سوسیالیسم" مسئله متحدین طبقه کارگر در مرحله کنونی مبارزه انقلابی را برای مباحثه میان مارکسیست ها مطرح میکند. این مسئله در تاکتیک و استراتژی مارکسیستی - لنینیستی یکی از مسائل مهم و مرکزی بشمار میرود. این مسئله برای همه احزاب کمونیست در هر شرایطی کسه فعالیت میکند مطرح است و در کشورهای سوسیالیستی، کشورهای سرمایه داری رشد یافته و کشورهای در حال توسعه، به سته به ویژگیهای مرحله رشد سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و آنان شکلهای خاصی بخود میگیرد.

در تظاهرات که از طرف انستیتوی جنین کارگری بین المللی فرهنگستان علوم اتحاد شوروی تهیه شده و آنها را منتشر میکنیم مسئله متحدین طبقه کارگر را بطبیقات با شرایط و کارهای جداگانه از جنبه های طبقه کارگری در کشورهای سرمایه داری رشد یافته بررسی میشود.

هیئت نهمبره از خوانندگان دعوت میکند در مباحثه مربوط به سائلی که در تظاهرات آن اشاره شده و همچنین مسائل مربوط به موقعیت و نقش طبقه کارگر متحدین آن در کشورهای سوسیالیستی و کشورهای در حال رشد، شرکت نمایند.

لنین ضمن تعیین موقعیت مسائل مربوط به متحدین طبقه کارگر و تئوری مارکسیسم - لنینیسم خاطر نشان نمود که طبقه کارگر فقط در شرایطی میتواند رسالت تاریخی جهانی خود را اجرا نماید که از تمام امکانات حقی کوچکترین امکان برای بدست آوردن متحد توده ای، یاری، یاری و احتیاط و کاردانی استفاده نماید. کسی که این مطالب را در نظر نگذرد از مارکسیسم - لنینیسم علمی معاصر بازرگی حقیقی که زهره نفعی به است." (۱)

طرح وصل مارکسیستی - لنینیستی مسئله متحدین طبقه کارگر برای تجزیه و تحلیل بعد از این مسئله در انطباق با دوران ما، بعد از اساسی تئوریک و متدولوژیک این مسئله میباشد. این مسئله بر حسب نوع و درجه تکامل ساختار اقتصادی و سیاسی و اجتماعی کشورهای مختلف، موقعیت جغرافیایی و مناطق طبقه کارگر، طبقات غیر پرولتری و کشورهای اجتماعی و خصوصیات و ذاتی که در هر یک پرولتاریا در مراحل گوناگون رشد مبارزه طبقاتی و انقلاب قرار گرفته و نیز ویژگیهای محیط شخصی در این بآن کشور دقیق و مشخص میشود. بدین ترتیب مسئله متحدین طبقه کارگر همیشه دارای محتوی مشخص تاریخی با اصطلاحی دقیق است که بر حسب شرایط شخصی تاریخی و اجتماعی باتوجه به خصوصیات مرحله مبارزه انقلابی و نیروهای متحرک آن نسبت بدان باید برخورد متفاوتی داشت.

تشدد بد بحران عمومی سرمایه داری در سالیهای ۲۰۰۰ حد توانائی تاریخی نظام بهره کشی را بنحویر جسته ای نشان میدهد. در برابر طبقه کارگر همانند نیروی عمده و ترقیات اجتماعی نه تنها این

مسئله قرار گرفته است که راه برطرف ساختن بحران عمیق اقتصاد و اجتماعی و سیاسی را مشخص سازد بلکه حل این مسئله را هم بنفع زحمتکشان تامین نماید.

از آنجا است که ارزیابی برهمنی علمی در باره نیروها و اجتماعی و سیاسی که قادرند در مبارزه با خطر تحولات اجتماعی عمیق فعالانه شرکت نمایند، اهمیت ویژه ای کسب میکند. مهمترین بخش این ارزیابی عبارت از روشن ساختن شرایط جینی اجتماعی گسترش اتحادها و طبقاتی و سیاسی است که بپروا طبقه کارگر در هر دوره آن بوجود میآید و میتواند بوجود آید.

مهمترین نکته در طرح متدولوژیک علمی مسئله عبارت است از بررسی آن در ارتباط با ناگسستن با پروسه هائی که در داخل خود طبقه کارگر میگذرد. زیرا این طبقه دسته اصلی بهم پیوستگی نسام نیروها و انقلابی و دموکراتیک است. سیر تکامل جینی نتیجه گیریهای مارکسیستی - لنینیستی درباره نقش فزاینده طبقه کارگر را تایید نمود. پرولتاریا ضمن تاثیر شدن بر حیات اجتماعی، خود نیز تغییر مییابد. در پروسه رشد پرولتاریا نه تفاوت خلعت کار و مهارت حرفه ای قشرها و گروههای جداگانه آن، بلکه صفات کلی که کارگران مزد ویران را به واحد اجتماعی و در طبقه متحد میسازد، اهمیت هر چه بیشتر کسب میکند. این صفات کلی عبارتند از پیوستگی کارگران در سیستم تاریخی معین تولید اجتماعی، در مساملت با ابزار تولید، و نقش در سازمان اجتماعی کار و البته نتیجه شیوه و میزان دریافت آن سهمی از ثروت اجتماعی که آنها را اختیار دارند (۲).

در شرایط انقلاب علمی و فنی برای تشکیل رد های جدید طبقه کارگر وظایف مانند نوسازی ساختار اقتصادی و تغییر تکنولوژی تولید و توسعه در مدتات اهمیت ویژه ای کسب میکند. این مسائل در مسقط و گسترش صفوف طبقه کارگر نقش شایان توجهی ایفا میکنند. وزن مخصوص طبقه کارگر در میان اهالی شاغل همچنان رو با افزایش است (۳).

رفیق لئونید المیچ برزف ضمن سخنرانی خود در پاریس در همین کنگره اتحادیه های شوروی چنین خاطر نشان کرد: "صفوف طبقه کارگر جهانی به پشروترین طبقه انقلابی معاصر است و نقش آن مانند نیروی عمده تولید کننده و سیاسی و اجتماعی و رایانده نیز در سراسر جهان افزوده خواهد شد. طبرقم نظریات عدل روز و مارکسیستی که گویا انقلاب علمی و فنی بحد و کردن طبقه کارگر حقیقی زمین بسردن آن منجر خواهد شد، واقعیات جینی کاملاً برخلاف جینی نظریاتی گواهی میدهد. ترقیا تعلیمی و فنی همیشه موجب رشد طبقه کارگر را فراهم میکند. این رشد از جمله حساب باید این حرفه های جدیدی است که تولید معاصر ایجاد میکند" (۴).

مباحثاتی بپروا این موضوعات اجتماعی طبقه کارگر در شرایط انقلاب علمی و فنی بین مارکسیست ها در جریان است. عمومی ترین نتیجه گیری که از این مباحثات حاصل میشود عبارت از آنستکه اهمیت طبقه کارگر بنا بر آنکه لنین "نیروی محرکه تئوری (انتلکتوئل) و مکتوبی و مجری علمی" گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم است در جهان معاصر نه تنها کاستن میشود بلکه افزایش مییابد. سطح مهارت حرفه ای و آموزش عمومی طبقه کارگر بالا رفته و در آن از نظریات علمی مارکسیستی - لنینیستی کسه

۱ - رجوع کنید به لنین، مجموعه آثار، جلد ۳۱، ص ۱۵۰.

۲ - رجوع کنید به آثار مربوط به ساختار کارمزد و نیروی و نیروی مخصوصه طبقه کارگر در تمام کارگران مزد و راجع به افراد ای که قابلیت کار کردن دارند. بپاروشان مراجعه شود به مشربیات استیتوژیک نیش بین المللی کارگر و آکادمی علوم اتحاد جماهیر شوروی. طبقه کارگر نیروی رهبر پروسه انقلابی جهانی" و دانشکده: و. و. گلازدا، ص ۲۰۰، کالکین، ت. نیوئیف، مسکو، ۱۹۷۳، صفحات ۱-۲۷۵.

۳ - ل. برزف: باخا، مشی لنینی، جلد ۴۸-۴۸۵.

با زتاب و بیانگرمناغ است معیتشده است . تشکل برپولناربا بیزمان غیر قابل قیاسی باگذر ششسه بدرجات عالی تر رسیده و اشکال مبارزات اقتصاد یوسپاسی واید نیولویک آن تکمیل شده است . منافع وهدفهای سیاسی واجتماعی طبقهکارگر برخطوط اساسی ومده باعمیقترین واساسی ترین هدفها ومنافع کلیهزمنگمشکان مطالبات میکند . هیچ پایه دیگرنامه تااین درجه متشکل ونیرومند نیست . همه این عوامل طبقهکارگروا بمنحوان دشمن عمده وسلطه انحصارات وتلفیق دهنده وحقک هاوشعالات امواج ناهمگون مبارزات ضد انحصاری وبعنوان بیانگردهفهای عمومی ترقیات اجتماعی به پیش میکند .

طبقهکارگرنهتنویزترین اوسیدن بحاکمیت استعداد وقابلیت خود را برای ایفای نقشهرسوی در مبارزه بخاطر ترقیات اجتماعی ، این برین منافع واقعی گروههای اجتماعی وطبقات ، در نظر گرفتن این منافع ودفاع از آنها وپیهم پیوستگی متحدین خود رشد میدهد وتکامل می بخشد . بدین ترتیب برای وحدت موثر همه نیروهای مبارز در راه صلح ودموکراسی وترقیات اجتماعی پیرامون پرولتاریا شرایط مقدماشی مبنی وذهنی بیشتری فراهم میآید .

درین حال جنبش کارگری درسیاسی وایزکوشورهای سرمایه داری همچنان درحالت تفرقه وجدائی است . او طرح مسئله مربوط به متحدین طبقهکارگربه این مطلب نیز باید توجه شود . رشته مسائل دیگرگونه به بررسی جامع نیازمند است ، مسائلی استعریوط به تجزیه وتحلیل آن محیط اجتماعی که طبقهکارگرو کشورهای سرمایه داری رشد یافته ومرحله کنونی مبارزات عمومی درموکراتیک و ضد انحصارات متحدین خود را با مشخصات وضع عینی وظرفیت انقلابی آنان درآن محیط پیدا میکند . بنظر ما بحث پیرامون این مسائل ، توجه خاصی باید مبذول شود .

بنظر ما این محیط اجتماعی از نقطه نظر طبقاتی در درجه اول عبارت از مجموعه طبقات وگروههای اجتماعی است که بنین دو طبقه اصلی جامعه سرمایه داری یعنی طبقهکارگران و طبقه سرمایه داران در مواضع بینابینی قرار دارند . این مجموعه که "اقتصادنامه" نامیده میشود ندرسیار متنوع است . به عقیده ما این مجموعه هم شامل خرده بورژوازی روستاها و شهرها و هم بخشی از زمینگشکان مزدور است که در تولید و مکانیسم اداره امورا اجتماعی وسیاسی در جامعه سرمایه داری مواضع متوسطی دارند . رشد سرمایه داری در وقتی - انحصاری بخورد اوم این گروههای میانیه را با اینکه مابانی اقتصاد ی موجود بستانان متنوع است بوجود میآورد .

گرایش مستحیل شدن گروههای میانگرا در خصوصیات مناسبات تولید ی سرمایه داری است و مارکس آنرا خاطرنشان ساخته مانی در همان اخیر با زتاب خود را به نحوی برجسته درگاه فرساید شمار پروتستانیان منحل یافته است . این گروهها در حالیکه درکشورهایی که از لحاظ میزان رشد سرمایه داری در مراحل اولیه ومتوسط هستند تاکنون هم هنوز یکی از مهمترین گروههای اجتماعی را تشکیل میدهند ولی درکشورهای صنعتی رشد یافته سرمایه داری تعدادشان نسبت به اهالی شافل بنا بر متوسط از یک درصد در (بریتانیا کجیر) تا قریب ۱۹ درصد در (ژاپن) درنوسا است .

رشد مناسبات سرمایه داری بمنابودی اقتصاد های کوچک روستائیان - مالک و در موارد بسیار اقتصاد های متوسط منجر میشود . درین حال در شرایط سلطه انحصارات درکشورهای فرمیرها و روستائیان آزادی عمل واستقلال گدشته خود را از دست میدهند .

صاحبان اقتصاد های کوچک متوسط برای اینکه بخواهند در برابر رقابت های شدید بورژوازیون پایدار بمانند ناگزیرند از رزق فراورده ها و خود را بحساب تشدید کار و جوشم پولی از زمین مادی پائین بیاورند .

درین حال صنعتی شدن تولیدات کشاورزی قشریندی روستائیان را فوق العاده تسریع میکند . روستائیان بطورید اوم وستمرخصوصیات گروه اجتماعی واحد ی را که در دوران سلطه مناسبات فئودالی شکل گرفته بود از دست میدهند . این پروسه درکشورهای پیشد باقیموجب تجزیه اهالی شاغل روستاها در تولیدات عکسکاری به سه بخش زمینداران بزرگ ، سرمایه داران مالکین خرید و متوسط مستقیم منجر گردید که این بخش از لحاظ موقعیت خود در تولید ونوع فعالیت وسطح زندگی قشرشان با صاحبان صنایع کوچک که در صنایع وادیره خدمات کار میکنند همچون باکارگروان کشاورزی که کار آنها متناسب با رشد نیروهای مولده در روستا به نزدیک شدن بکارگروشته های صنعتی گرایش پیدا میکند روز بروز کثرت می شود . قشریندی روستائیان در این سمت در یک رشته ازکشورهای که در آنها سرمایه داری متوسط است جبران دارد . مسئله متحدین در اقتصاد به عقیده ما قابل هر چه مسئله همکاری باکشاورزان خرده و پائین است که نمایندگان اقتضار متوسط درکشورهای هستند . بناسیاستگاه هر شد بد تعدا ووزن مخصوص روستائیان درکشورهای سرمایه داری رشد یافته این سؤال مطرح میشود : آیا در این کشورها راهحمت روستائیان مانند متحد طبقهکارگرا کاسته شده است ؟

بنظر میسرید که تنها با در نظر گرفتن روابط متقابل بخرنج عوامل کسی وکیفی که نشان دهنده مشخصات وضع عینی روستائیان باشد به این پرسش میتوان پاسخ درست داد . مارکس ولین بنحو قانع کننده ای خاطر نشان کرده اند که اگر قدرت انقلابی طبقه کارگرو اجتماعی تنها براساس تعدا و افراد آن در این پان کشور ارزیابی شود نادرست خواهد بود . این قدرت اجتماعی قبل از هر چیزی به مقام آنها در مناسبات تولید اجتماعی ، نقش آنها در اقتصاد کشور ، درجه تشکل ، آگاهی وسهارت در جلب علاقتند و حسن نظر دیگررده های زمینگشکان بسوی خود ضمیمه مشروط میباشد . اگر وضع روستائیان در سیستم سرمایه داری انحصاری از این نقطه نظر بررسی شود ، میتوان مشاهده نمود که روستائیان نخست آنکه رده کثیرالعدد زمینگشکان را تشکیل میدهند و تا آنکه در روی هم تشکل خواهند داد . دوم آنکه روستائیان که مانند طبقهکارگرا ایجاد کنندگان ثروت مادی جامعه هستند همچونان در اقتصاد جامعه بورژوازی نقش مهم حیاتی ایفا خواهند کرد . سوم آنکه سطح آگاهی بپیوستگی ویکارچینی آنان رشد مییابد ویکارهای روستائیان شدیدست روستائیان صاحب زمین خرده و متوسط طبقه ستم سرمایه انحصاری به عامل مهم زندگی سیاسی داخلی کشورهای سرمایه داری تبدیل شده است . بدین بخش بنظر ما از نشانی در مورد استحکام آنها در کارگران و دهقانان مانند یکی از شرایط کامیابی مبارزه علیه سلطه سرمایه داری امروز هم صدق میکند .

در مقابل سیاست انحصارها که موجب افلاس ورا بدین میلیونها روستایی از زمینها وکشاورزی میگردد و در همین حال پاره انداز اشکال کهنه زراعت را حفظ میکند ، طبقهکارگرا و خواستهای روستائیان در زمینه واگزار زمین پائینا یعنی در مورد شعار (زمین متعلق بکسانی است که آنرا کشت میزنند) و در مسئله اصلاحات ارضی را بدیگال حمایت میکنند واز تاجرات و مبارزات آنها علیه بحدالتی کامیسل و آشکار نسبت بروستائیان در زمینه تفهیم محمول ، بهمه اجتماعی ، حقوق بازنشستگی و شرایط عمومی زندگی روستائیان پشتیبانی میکند .

در نظر گرفتن گرایشهای عمومی سرمایه داری امکان میدهد که معنی تقاضیات وضع اقتصاد ی روستائیان بلکه درونای و درگونیهایی بنیادی در سیستم مناسبات تولید ی نیز آشکار گردد . بدین مناسبت تدوین برنامه ها و موثر ، درموکراتیک و ضد انحصاری که نوسازی بنیادی و مدورن کردن تولید کشاورزی در آنها منظر آورده باشد و ثبات بیشتری آن و تبدیل تولید کنندگان خرده کالای راه مشترک

کنندگان مساوی حقوق در پروسه برقراری سوسیالیسم در آینده تأمین کند ، اهمیت جدی کسب میکند .

قشرهای میانه شهری از نظر کمی پائینتر از قشرهای میانه روستایی هستند . سرمایه داری انحصاری دولتی صد ها هزار تن از خرد مالکین شهری را از پایه و اساس پیشین موجود بشماران محسوم میسازد . شیوه زندگی آنها را بر هم میزند ، آنان زبانهای مادری جدی وارد میکند ، و آنها را ناگزیر به تغییر حرفه میماند . آن صاحبان صنایع خرد به پانیز که موفقی میشوند ، استقلال خود را حفظ نمایند مجبور میشوند در شهرهای فراوانی را بر طرف سازند . سیست همه جانبه فرار از آنها با کسب سرمایه بزرگ ، موسسات کوچک که پیوسته در زمینه خدمات گسترش یافته اغلب موسسات کوچک را به یازده شرکتی عظیم تبدیل میکند . در یازگانی خرد و فزونی نیز به بد مشا بهی پیشین خورد و ولی حتی در آن کشورها تیکه پروسه پدید آید قطب های طبقاتی جامعه بسیار پیشرفت نموده با وجود گرایش عمومی کاهش وزن مخصوص این گروه ، شدت از مطلق آن طی ده سال اخیر نسبتاً ثابت مانده است (و در پاره ای از کشورها حتی افزایش یافته است) . یکی از قبایل ایران است که کاهش صاحبان صنایع کوچک در حیطه صنعتی و بازرگانی خرد فزونی با توسعه سریع دایره خدمات که سهم صاحبان صنایع کوچک در آن نسبتاً بسیار زیاد است جبران شده است .

فلت شان با توجه تیز آن در گذرگی بعد از رسالت تاریخی اجتماعی قشرهای میانه شهری ارتباط دارد . طی ده سال اخیر صفوف این اقلیت حساب کارمندان دولتی و تنگاهای خصوصی روشنفکران افزایش یافته است . در همین حال به فاصله ها اجتماعی میان گروههای مختلف کارمندان افزون شده است . بخش فوقانی آنها به تدریج طبقه حاکمی پیوند و بخش پایینی که اکثریت توده آنان را در بر میگیرد طبقه یگرفته عوام اجتماعی هر چه بیشتر با کارگران صنعتی نزدیک میشوند . بخش میانه آنها بیاد هسته ویژه قشرهای جدید متوسط را بوجود آورده است . بدیهه وجود کثرت افراد کارآمد کسبه بسیاری از حرفه های گانگوری متوسط کارمندان کسب میکند موجب از دست رفتن منزلت و حیثیت اجتماعی گذشته آنها میگردد . با بهای بخترت شدن در دستگاه اداره شرکت کارمندان متوسط در انتخاب تصمصم محدود میشود و کار آنها رفته رفته بصورت تابع و رسیده و خطر بیگاری شدن آنها افزون میشود .

تجزیه و قطب بندی در کارمندان بخشی از پروسه کلی قشر بندی روشنفکران بر حسب عوام طبقاتی است . روشنفکران همان قشر اجتماعی اند که ویژگیهای آن در واقعاً با قشران آنها را متحد کرده است . در واقع به پدید آید سرمایه داری انحصاری روشنفکران گروه قلبی را تشکیل میدهد و آنند که با سابقه حاکم یعنی طبقه ای که آن خد متصرفند و پیش از همه بدان وابسته بودند ، پیوند نزدیکی داشتند . اما حتی در آن شرایط روشنفکران از لحاظ طبقاتی همگون نبودند (۱) . با تکیه بر یسودن روشنفکران بیگارا از نیوه ترین گروههای اجتماعی جامعه سرمایه داری نا همگونی طبقاتی آنان آشکارتر و بدیهه میگردد .

این پروسه از روی نمونه تحول اجتماعی گروهی از افراد که " حرفه آزاد " دارند بخوبی مسلطاً میشود . سرمایه داری کردن فرآورد های معنوی و دایره خدمات منجر به از دست رفتن بختراطلی روشنفکران - دارندگان پیشین حرفه آزاد (حقوقدانان ، پزشکان ، معلمان روزنامه نگاران) و مواضع اجتماعی پیشین آنها میگردد و آنان را به کارمندان مزد بگیر تبدیل میکند که بخشی از آنها به قشر های جدید متوسط میگردد و بخش دیگری گروهی هم مرتباً طبقه کارگر تبدیل میشوند . متخصصان دارای شغل آزاد ، کارفرمایان کوچک رشته فرآورد های معنوی و خدمات تسویع اتمت و آموزش به قشرهای

جدید به متوسط می پیوندند .

بخش اساسی روشنفکران بد رجعات بیشتری از کارمندان متوسط در نتیجه تنزل ارزش و اعتبار و اهمیت اجتماعی حرفه های ویژه روشنفکران در مضیقه قرار میگیرند در نتیجه مقدار زیاد آن از امتیازات مادری و امتیازات مربوط به اعتبار و موقعیت اجتماعی خود را از دست میدهند . روشنفکران هر چه بیشتر با خود سرزنش آزاره روانی (بیرونی و داخلی) و اصلاحات بی صلاحیت دستگاه دولت انحصاری بد محیط فعالیت خود رو بر میوشوند و بد وضع تحقیر آمیز و وابسته به انحصارات سرمایه داری قرار میگیرند . از این به بعد اختلاف بین روشنفکران و بیروزی هر چه بیشتر نمایانند اعتراضات جدی آنگاه نمایی از

فلت اخلاقی و یاد ریختن قوانین پروسه تاریخ بروز میکند . این اختلافات بخش اعظم گروههای کارگری را شامل میشود و با ارتقاء سطح آگاهی آنان نسبت به منافع اساسی و وظیفه اجتماعی خود تکیه با نیا زمندی های الیگارشلی دولتی و انحصاری در تضاد است بدیهه می آید . در نتیجه بختر باطل توجیهی از روشنفکران در صف متحدین طبقه کارگر در میآید .

بدین ترتیب از اهمیت قشرهای میانه شهرها روستاها با پیشرفت ها تیکه در ساختار آنها بدیهه میآید ، بدست میدهد . بدورگی قشرهای میانه در جامعه سرمایه داری همچنان گروههای انبوه اجتماعی را تشکیل داده و میدهند . در همین حال توجیه مخصوص طبقه کارگر برای همکاری با این قشرها به افزایش تعداد ، وزن مخصوص و نفوذ گروههای روشنفکران که به افشار متوسط میگردد مشروط میباشد . تا کسر میست دولتی انحصاری بر مواضع قشرهای متوسط متفاد است . عدم توافق کلا آشکار منافع قشرهای متوسط با سیاست سرمایه داری و تمام سیست دولت انحصاری و بختر بدیهه منقسی روز افزون این قشرها را نسبت به تمام سرمایه داری و انستیتوهای آن از قبیل تعیین میکند . در همین حال هنوز پند اهرامی در مورد امکانات " تنظم " دولت انحصاری و " دورنهای مساعد " برای صاحبان صنایع کوچک وجود دارد . این پند اهرامی تا چه حد اعتقاد (و در مواردی دشمنی علمی) نسبت به طبقه کارگر جنبش انقلابی کارگری که از خصوصیات بخشی از خرد و بیروزی است ، و در این قشر آرزوی " حکومت مقتدر " را بدیهه میآورد که بتواند آنها را قشر کارگران " صون " بدارد . در یک سلسله از کشورها گروههای منتقد روشنفکران هنوز هم مواضع محافظه کارانه آن دارند که با بهای پیوند های اجتماعی و روانی آنها با طبقه حاکم محدود و پختلبی وضع مادری نسبتاً بر فقا تکیاست . خصوصیت نسبت به سرمایه داری دولتی انحصاری با سابقه فردگرای گروههای روشنفکران و جوانان دانشجو را بر اساس روشیم و مبارزه انقلابی میکشاند .

در شرایط معینی گروههای شهری روشنفکران که جزو اقلیت میباشند (بیروزی متوسط و غیره) و منافع و منافع بیروزی انحصاری در تضاد قرار میگیرند میتوانند به متحدین بیرونی تبدیل شوند . اما در چنین مواردی با بهای عینی برای اقدامات مشترک طبقه کارگر آنها معمولاً بسیار محدود است . برای اتحاد قشرهای وسیع خلق بیرونی طبقه کارگر علاوه بر منافع اجتماعی و طبقاتی منافع عهودی های دیگری نیز که جنبه دموکراتیک عمومی دارند - یعنی علاقمندی به دموکراتیزه کردن سیستیم سیاسی ، سرنگونی رژیم های استکبر فاشیستی و ملیتاریستی ، جلوگیری از جنگ و استقرار صلح پایدار کشف میکنند .

جنبشهای دموکراتیک کهنیوهای گوناگون سیاسی و اجتماعی را بر پایه مشترک بودن منافع شخصی آنها و مستگیرهای ضد امپریالیستی و ضد اهرستیک متحد میسازند ، شکلیهای عقلی اقدامات مشترک ، طبقه کارگر بدیگر قشرهای اجتماعی میباشد . بیرونیها با بختر مستقیم مانند یک طبقه در این جنبش های مبارزه دموکراتیک بخورگی ، مبارزه ضد فاشیستی و ضد جنگ (شرکتی با بدیهه و با وسیله

پاره‌ای از گروه‌های خود (جنبش جوانان ، جنبش زنان) در آنها شرکت دارد و از این جنبش‌ها پشتیبانی میکند . مثلا لنین با توجه به مقایسه کیفیت به‌سختی و قانونی در میان گروه‌های مذهبی مشاهده می‌شود نوشت : " ما سوسیالیست‌ها موافق این جنبش پشتیبانی کنیم و خواستهای نامرئوس را فراموش نکنیم و روحانیون را با تمام برسانیم " (۱) .

در تمام کشورهای اروپا طبقه کارگر مکتوب‌پیشینا ده‌ای جامعی است که مضمون آنها می‌تواند جوانان و زنان و زحماتشان در هب‌ی از متحد سازد و برای شرکت فعال تمام قشرهای جامعه در مبارزه ضد انحصارها امکان‌ناقصی بوجود آورد .

بنابراین بررسی این مسئله که پیشرفت‌ها اجتماعی و سیاسی که در جامعه ایران دارد چگونه در مواضع و رفتار گروه‌های گوناگون ارتش‌ها تاثیر میکند سود مند و صلاح می‌باشد . ارتش پاندرگسان اجتماعی و تشبیبی در دست طبقه حاکم می‌باشد . علاوه بر این نیروهای مسلح هیئت در مواردی که سخن از ارتش‌ها می‌رود و حرفه‌ای در میان نیست گروه اجتماعی متشکل ویژه ارتش تشکیل می‌دهد که متعکس کننده ساختار اجتماعی و مستحکم‌ترین سیاسی کشور خود می‌باشد . و این مطلب تنها مربوط به ترکیب و خدمت و وظیفه در ارتش نبوده و شامل کار رتبه‌های ارتش و از آنجمله توده‌های وسیع کار رانسی آن می‌باشد . در مواردی که مقام و درجات اخیری توده وسیعی از ارتش‌ها را شامل می‌شود ، این حرفه اجتماعی جنبه اختصاصی داشتن به قشر متراخود را از دست می‌دهد و بطور عمده از افراد بی‌تشکیل می‌گردد که گمنام اجتماعی آنها از قشرهای میانه جامعه است ؛ و در نتیجه مواضع و نظریات خاص این قشرهای میانه در نظریات و رفتار کار رانسی ارتش تاثیر خود را باقی می‌گذارد . استواری اتحاد با قشرهای میانه جامعه ، برای گسترش داشته این اتحاد و با بخش‌هایی توجیهی از نیروهای مسلح امکان‌ناقص‌تری بوجود می‌آورد ؛ و از طرف دیگر همکاری با این بخش از نیروهای مسلح می‌تواند به بسط داشته اتحاد طبقه کارگرها قشرهای میانه جامعه مساعدت نماید .

در بررسی و تحلیل ترکیب و موقعیت متحدین طبقه کارگر در گرفتن خصوصیات عمومی ویژه مرحله مبارزه در مکزیک و هند انحصاری و نیز ویژگی‌های اقتصادی و اوضاع سیاسی داخلی و اوضاع بین المللی در هر لحظه معین حائز اهمیت است . تبادل نظر در این مورد که روند و خاتمه زده‌اشی در اوضاع بین المللی و شدت کنونی بدین معنی بحرانی و رکودهای سرمایه داری در مواضع سیاسی قشرهای میانه چه تاثیر می‌گذارد از رنگت سود مند می‌باشد . که در خاتمه با برتری به گسترش پایه‌های اجتماعی و تشدید مبارزات ضد انحصارها مساعدت میکند ، که در زمان خود به‌ویژه و به‌مقتضای گروهی بود که بخش از همه تحت تاثیر تبلیغات شوینستی و ملیت‌پرستی قرار می‌گرفت . و این امر از جمله موجب آن گردید که در نتیجه " جنگ سرد " این گروه به‌تصمیم تنگ‌گانه اجتماعی و استراتژیستیک امپریالیستی و مقابل نظامی و سیاسی امپریالیسم با کشورهای سوسیالیستی تبدیل شود . خسرد و به‌ویژه از این شاهانه تبلیغات آتش کومونسم و ضد شوروی بود و این امر همکاری طبقه کارگرها این گروه اجتماعی را دشوار می‌کرد .

گام‌هایی که در ارجا و برنامه صلح پیشنهاد شده در رنگره ۲۴ حزب کومونست اتحاد شوروی بدست‌آمده پاره‌ای از انواع و زراه این همکاری را از میان برداشته .

بدین معنی است که پروست‌محل پس‌یک‌لوی توده‌ها امری است بفرنج و در بریا . تسلط ایدئولوژی ملت‌گرایی و شوینستی بخورد و مانند همه قشرهای خود به‌ویژه از کشورهای عده سرمایه دار به‌بهبود و از این نرفته است . که فروخاد اوضاع بین المللی باشد همیشه‌ترین آن قشرهای تاثیر بخش‌گده

این آمد‌های احتمالی حادث شدن درگیری مستقیم سیاسی و نظامی دول دارای نظام‌های اجتماعی متفاوت و همچنین این درون‌ها هم‌سازد هم‌رستی مسالمت‌آمیز شوروی و چین دارند .

بحرانی که مراسر جهان سرمایه داری از فرار گرفته نیز به‌عقد پد تا اهرات با اقدامات ضد انحصاری کلمنیکند . بحران کومونویست‌پیشین وضع زندگی مادی توده‌های عده و زحماتشان گردیده برای قشرهای میانه جامعه نیز مشکلاتی بوجود آورده است . کاهش حجم فروش کالا‌های تولیدی و همچنین کاهش سفارشات برای تهیه کالا (که حتی شرکت‌های بزرگ از آن زیان می‌کنند) موجب ورشکستگی بسیاری از رنگ‌های کوچک گردیده است . برای رنگ‌های کوچک در رشته خدمات مانند سرپرست حمل و نقل ، صیانتخانه ، رستوران که سهم سرمایه داران کوچک در آنها تاکنون نسبتاً زیاد بوده نیز مشکلات فراوانی پدید آمده است . تدابیر فوق العاده به اصطلاح بحران زده‌ای که در موارد بسیاری با افزایش تعداد کارمندان اجرائی از رنگ‌های دولتی و لشکر اداری همراه است شامل نسبتاً کارمندان جزئی بلکه کارمندان متوسط نیز می‌شود . همکاری پر دامنه نخستین بار در سال‌های اخیر بطور جدی پاره‌ای از متخصصان و مدیران رنگ‌های تولیدی صنعتی را در بر گرفته است . کاهش اعتبارات دولت در زمینه نیازمندی‌های اجتماعی و فرهنگی برای بسیاری از کارکنان سابق که در رشته‌های غیر تولیدی ، بکارها ویژه روشنکاران مشغولند مشکلات زیادی تولید کرده است . نتیجه مستقیم همه این عوامل ناراضگی نسبت به مسائل حاکمه را به‌یمن اقتضای متوسط جامعه بخش از اینر بسط و گسترش می‌دهد .

این عدم رضایت درجه‌سیری بهتر خواهد رفت ؟

در کشورهاییکه دولتهای به‌ویژه - رفرومیستی بر سر کارند این باسایمانیهای اقتصادی می‌تواند بخشی از قشرهای میانه را به جناح راست و در برخی موارد حتی به جناح پشتیبان مستقیم نیروهای ارتجاعی و افراطی راست بکشاند . ولی بطور کلی خصلت درگونی در روحمیات سیاسی قشرهای میانه بدرجات زیادی بستگی به باضای موضوعی دارد که نیروهای و موزکاتیک و مترقی بدست آورده‌اند . اگر این نفوذ محدود کافی موثر باشد نفع‌نهی می‌توان از گرایش قشرهای میانه براسست جلوگیری نمود بلکه می‌توان شرکت آنها را در مبارزات ضد انحصارات افزایش داد .

برای از بین بردن این انقلابی متحدین طبقه کارگر علاوه بر عوامل عینی اجتماعی و اقتصادی درسیاسی که در بالا بررسی گردید عوامل ذهنی نیز اهمیت فراوان دارد . سطح آگاهی ، تشکل پذیری و یکپارچگی خود طبقه کارگر متحدین آن از رشته‌های ساطلی هستند که بنا را ماسایان بررسی همه جانبه می‌باشد .

عوامل بسیاری گواه آنستکه آگاهی سیاسی بسیاری از گروه‌های قشرهای میانه در حال رشد است . گروه‌های قابل ملاحظه‌ای از کارمندان و کارکنان بخش از پیش‌شده‌های مبارزه ویژه طبقه کارگر را بکار می‌گیرند ؛ معمول کردن " عددهای متغیر " دستمزدها ، حداقل تضمین شده دستمزدها ، تخفیف مقررات عومبارهای دستمزدها ، افزایش مقدار اصلی آن و حذف مزایاییکه تابع هد فبسی تشدید بد کار می‌باشد و جلوگیری از تخفیف نسبت به زحماتیکه در امور سیاسی فعالانه شرکت می‌کنند ضمیمه . مبارزه در راه این خواسته‌ها نسبتاً بطور عینی بلکه بطور ذهنی نیز شرکت کنندگان در این مبارزه را با موفقیت‌ها رزق نرند می‌کند .

کارمندان هر چه فعال‌تر در این برولتراری صنعتی حق تشکیل و شناسایی مجامع حرفه‌ای خود و حق فعالیت‌های سیاسی و حرفه‌ای در محل کار موفق نظارت بر شرایط کار را بدست می‌آورند . آنچنان در رنگ‌های صنعتی شیوه‌های مبارزات آزموده شده ، نوسهای گوناگون اعتصاب ، تحریم ، و تظاهرات گوناگون و غیره را بکار می‌برند . استفاده از تراکت ، بلندگو ، برگزاری جلسات و مجامع ملی بسیاری

برقراری ارتباط با محافل اجتماعی و کوشش برای جلب پشتیبانی و همبستگی از طرف وسعت‌گرایان قشرهای اهادالی بین‌انحصاریت پیدا کرده است . همه این اقدامات به برقرار شدن مناسبات همکاری با جنبش متشکل کارگری کمک میکند .

طبقه کارگران توسط قشرهای میانه به شیوه های مبارزه پرولتاریا فعالانه پشتیبانی میکند و از خواستهای ویژه این قشرها و نیز خواستهای عمومی آنها که از طرف گروههای دیگر در اجتماعات مطرح میشود (مبارزه علیه خطر بیکاری ، فشارهای مالیاتی و تنزل سطح زندگی) دفاع میکنند .

محتوی مشخص مسائل مربوط به متحدین طبقه کارگر بطوریکه در بالا خاطر نشان شد با خصوصیات و ذاتی که در مصراحت گوناگون مبارزه در برابر پرولتاریا قرار میگیرد و پیوند های مینیمم منافع طبقه کارگران با منافع گروههای اجتماعی غیر پرولتاری تعیین میشود . روشن است که گذار از مرحله سیاسی و موکراتیک و ضد انحصارات به مرحله مبارزه در راه تحولات سیاسی موجب تغییر ماهوی صورت بندی نیروهای طبقاتی میگردد و مسئله متحدین طبقه کارگر را از جهات بسیاری بصورت تازه از منظر مبارزه تجارب مبارزه طبقاتی پرولتاریا نشان میدهد که در مرحله مبارزه در راه تحولات سوسیالیستی مسئله حفظ پشتیبانی از طرف قشرهای میانه اهمیت شگرفی کسب میکند . لنین متذکر گردید که مسأله در برتری بنی سنت های عده گروه بندیهای نیروهای طبقاتی در دوران گذار از یک مرحله مبارزه مرحله دیگر و مهارت و رتبه‌بندی و تمیز دادن متحدین گذار از متحدین با هرجا و متحدین باقیست از قشرهای متزلزل و سازشکار اهمیت ویژه فراوانی دارد .

تعیین و تشخیص درست محتوی مبارزه ضد انحصارات تنها با در نظر گرفتن دورنمای سوسیالیستی امکان پذیر است . این سنگبدر استراتژیکی بهم پیوستگی بعدی نیروهای شرقی و موکراتیک گسترش و تعمیق پیوند با توده های غیر پرولتاریا و بالا بردن ظرفیت بیکارجوی آنان را برجسم میسرشد و تعمیق پیوندها تحولات اجتماعی ، سیاسی و اقتصاد در جامعه ، تا همین منتهاید . این بود بیکرشته آزمائلی که ما میخواستیم بنا به سیاست بررسی مسائل مربوط به متحدین طبقه کارگر در مرحله کنونی مبارزه موکراتیک و ضد انحصاری ایران بحث بپوشیم سطح سازمان .

پیروزی در ویتنام و اهمیت بین المللی آن

مردم ویتنام به پیروزی تاریخی دست یافتند . سالهای دراز محرومیت و از خودگذشتگی سی سال مبارزه قهرمانانه بر علیه امپریالیسم فرانسه و بدنبال آن امپریالیسم آمریکا و اعمال و بدست نشانندگان پشت سر نهاده شده است .

کمونیست ها و نیروهای مترقی ضد امپریالیستی سرسرح جهان در شادی پیروزی افتخار آمیز همین پرستان در لبر ویتنام جنوبی و همهمردم ویتنام خود را شریک میدانند . آنان این پیروزی را به نفع پیروزی سوسیالیسم ، استقلال ملی ، دموکراسی و صلح تلقی میکنند .

جنبش کمونیستی و کارگری کمک بهمازان ویتنام راهواره وظیفه بسیار مهم و حیاتی خود بشمار میآورد . در اسناد کنفرانس جهانی احزاب کمونیستی و کارگری سال ۱۹۶۹ خطاب به همه مردم جهان ، به همه مخالفان امپریالیسم گفته شده بود : " وحدت عمل و پشتیبانی همه جانبه از مردم قهرمان ویتنام هدفی است که در درجه اول اهمیت قرار دارد " (۱) . کنفرانس برنسه حل مسئله ویتنام جنوبی را کانون وقت از طرف کمیته مرکزی جبهه ملی آزاد ویتنام جنوبی ارائه شده بود پس چون و چرا مورد پشتیبانی قرار داد و شعار " استقلال ، آزادی و صلح برای ویتنام " را پذیرفت احزاب برادر پیروزی نهایی همین پرستان ویتنام را پیش بینی میکردند و این نکته را تاکید میکردند که این پیروزی " برای تحکیم مواضع خلقها در مبارزه بر علیه سیاست تحمیلی و خودکامگی امپریالیستی اهمیت اصولی خواهد داشت " (۲) .

زندگی درستی تجزیه و تحلیل عمیق رویداد های ویتنام و دورنمای مبارزه مرد پانکسور را که احزاب برادر بدست داده بودند با ثبات رسانند . در پروتاین ارزیابی ها است که میتوان گفت : آنچه در چهارده ۱۹۷۵ در ویتنام رویداد از نظر تاریخی منطقی است . سقوط و اضمحلال رژیم پوسیده ضد خلقی و خائنی که به سرنیزه بیگانگان و تروریسمی متکی بود و موافقتنامه های پاریس را با خونش پایمال میکرد اجتناب ناپذیر بود . اما پیروزی بدست آمد از اهمیت بسیار زیاد تری برخوردار است . ویتنام یکی از حلقه های زنجیر شکستهای سیستم امپریالیسم در جریان مقابله جهانی و سیستم است . ویتنام حلقه ای از زنجیر شکست های تاریخی جتناب ناپذیر استراتژی استعمار نو بر علیه جنم آزاد ملی است .

امپریالیسم با مدخله سلحانه کوشید یکی از رزهای مقدم سوسیالیسم را در آسیا زمین ببرد و راه صلح ، آزادی و ترقی را برون برد ویتنام و تمام خلقهای هند و چین ببندد ، به جنبش انقلابی در راه آزادی ملی ضربه وارد سازد و میزان استحکام همبستگی کشورهای سوسیالیستی و جمیع نیروهای ضد امپریالیستی را آزمایش کند .

۱ - کنفرانس جهانی احزاب کمونیستی و کارگری ، مسکو ۱۹۶۹ . پراگ ، اداره نشریات
* صلح و سوسیالیسم " ۱۹۶۹ ، ص ۲۲ (زبان روسی)

مقاصد اقتصادی و تجارتهای متعدد در امریکای سالها از بهر هر چه بیشتر آشکارا می شد . امکان استخراج نفت در سواحل ویتنام و وجود نیروی کار ارزان و فراوان عواملی است که تشدید فعالیت اقتصادی امریکای در ویتنام جنوبی روشن می سازد . آنها میگویند که ویتنام جنوبی را به منطقه فوق استعمار و استعماری مبدل کند .

تمام این نقشه ها با شکست کامل روبرو گردید . نه جنگ دراز مدت را دستمرازان فرانسه کسبه میکشیدند سلطه از دست رفته خود را بر سرزمین ویتنام برقرار سازند ، نه مدخله مستقیم ایالات متحد امریکای و حال ای امریکای در کشورهای دیگر و نه " ویتنامی کردن " کذافی جنگ ویا استراتژی نژاد پرستانه بدان هم انداختن آسیایی ها برای امریکالیسم موفقیتی بهار نیارند و نمیتوانست بهار آورد .

امریکالیسم امریکانند قدرتشماشین جنگی خود را بر علیه ویتنام بکار انداخت . طبق آمار رسمی امریکای تنها مخارج مستقیم ایالات متحده امریکای در جنگ ویتنام به ۱۶۱ میلیارد دلار بالغ گردید . هواپیماهای امریکای ۷ میلیون تن بمب ، بمب های ۵۰۰ هزار پونز و بمب های ۱۰۰ هزار تن مواد سمی گوناگون برای سرزمین ها پاشیدند . تعداد افراد اسیر و مریضان امریکای در ویتنام در پایان سال ۱۹۶۸ به ۸۵۰ هزار پونز رسید . تلفات تجار و کارگران امریکایی به بیش از ۵۶ هزار کشته و ۳۰۰ هزار زخمی بود و بیش از ۸ هزار هواپیما و موشک پرتاب شده اند .

بهروزی در ویتنام بیش از هجرت بیروزی قهرمانی و دلیری ، ای خود گذشتگی و مردانگی مردم ویتنام است که با الهام گرفتن از آرمانهای فرزندان بزرگ خود ، هوشی مینه توانستند مبارزه را با مهارت و دلسلی جبهه نظامی ، سیاسی و دیپلماتیک تلفیق کنند . این روحی کسانیکه موجه مشترکی با مارکسیسم ندارد اعتراف میکنند که هرگاه انقلابیون ویتنام از گسترده ترین پشتیبانی ها در میان نود و هاب هر خود را ازین بزرگ و اگر مبارزه آنان در روح و اندیشه همبهنانشان مثل اراده قوی ملی نبود تنها مبارزه مصلحانانه کارت ازین ترس می بردند . آزادی نهایی ویتنام جنوبی در نتیجه این عامل که هجوم و تعرض ارتش

آزاد بیشتر باعالی امانی ویتنام جنوبی بر علیه رژیم دست نشانده تئو و اربابان امریکاییش تلفیق میگردد پدید می آید . در عرصه جهانی شناسایی و دستموقت انقلابی جمهوری ویتنام جنوبی ازین جهت

جبهه کشورید تنها پیش از بهروزی به موفقیت منتهی برستان کند کرد و این هود و امانیت بین نظری در تاریخ جهان بشمار می آید . فعالیت های متحد و گوناگون دیپلماتیک این دولت و دولت جمهوری ویتنام نیز به این موفقیت یاری رساندند .

وحدت خلل ناپذیر شمال و جنوب و این واقعیت که همسین برستان ویتنام جنوبی در میسازاره رهایی بخش خود به دولت سوسیالیستی ویتنام در شمال متکی بودند نقش بزرگی در کسب بهروزی ایفا کرد . شعار تمام اهالی جمهوری ویتنام و موکراتیک ویتنام ساختمان سوسیالیسم در شمال و کمک بدو ریخ همسین برستان جنوب بود . " همه چیز برای جنوب ، همه چیز برای بهروزی " شعاری بود که به فرد

فرد اهالی الهام می بخشید . روشن است که تحقق چنین شعاری با صرف چندین روزی همراه بود . ولی مردم جمهوری ویتنام و موکراتیک ویتنام بر هر بن حزب پراقتضای زحمتکشان ویتنام از عهد و آن برآمدند و تمام سوسیالیستی پایگاه چنین بهروزی شد .

تا اینجا این حقیقت بزرگ را تأیید میکنند که در دوران مانه امریکالیسم بلکه سوسیالیسم در جریان تاریخ تأثیر طامع دارد و وسای نیروهای امریکالیسم و ارتجاع برای سرکوب جنبش خلقیسا در راه آزادی ملی و شرقی اجتماعی در آخرین تحلیل محکوم شکست است .

بهروزی در ویتنام نشانه بهروزی افتخار آمیز همبستگی موشوسلحشوران کشورهای سوسیالیستی

بلاتنت . پشتیبانی های ملی که خلق رزنده ویتنام از این کشورها و در وجه اول از اتحاد شوروی در بد بر همگان روشن است و همه بر آن اعتراف دارند . این پشتیبانی از ظاهره خلقیهای جهان هیچگاه سترده نمی شود . چنانکه در همان های شیرین که در همان جمهوری و موکراتیک ویتنام و حزب زحمتکشان ویتنام ، جبهه توده ای آزاد پیش ویتنام جنوبی و دولت انقلابی دولت جمهوری ویتنام جنوبی بناست ستمین سال بهروزی بر طرف ششم برای رهبران شوروی فرستاده اند تا کسب

گرد بد ، مردم ویتنام این موضوع را همیشه یاد میکنند که بهروزی ویتنام از کمک و پشتیبانی حامیان ، موشروهمعنا نبه اتحاد شوروی ، دیگر کشورهای سوسیالیستی و تمام بشریت شرقی جدا نشی ناپذیر است . مردم ویتنام در رهبران انگشور ایماز زحمتکش خود بناست این کمک و پشتیبانی آنرا

نشانه همبستگی طبقاتی میدانند که در مبارزه برای آینده ای بهتر آنها الهام می بخشد . هوشی مین رهبر مردم ویتنام بارها یاد آور میشد که منشأ تمام بهروزیها و موفقیت های مردم ویتنام انقلاب بزرگ سوسیالیستی اکثر بهروزی مردم شوروی در جنگ جهانی دوم است . او برای نقل سیمت جهانی سوسیالیسم که پیدایش و استواری آن در نتیجه سرکوب فاشیسم آلمان و امریکالیسم ژاپن امکان پذیر گردید ، ارج فراوان قائل بود .

بهروزی در ویتنام نیروی همبستگی و اهمیت اخلاقی - سیاسی فراوان همبستگی جوامع شرقی سراسر جهان با خلق رزنده آنرا تأیید نمود . نام رایج مردم وین و هانری مارتن را که نشانه مخالفت مردم فرانسه با " جنگ پلید " ویتنام است همه بخاطر دارند . مفاسد جنبش ضد جنگ در ایالات

متحده امریکای کاترینکی در بوستون بخش از مخالف حاکمه این کشور به نظریات واقع بینانانه تر نشاند . فرا موش خدنی نیست . جامع حامی جهانی همبستگی با ویتنام در دستکلم ، برلین و پاریس و بسیاری از اقدامات مشخص کمک و پشتیبانی از زمین برستان ویتنام در کار رود اد های تازگی در آمده اند . جنبش پشتیبانی از مبارزه قهرمانانه مردم ویتنام به توده ای ترین جنبش دوران مسا

میدل شد و تمام کشورهای اطراف و اکثاف کره زمین را فرا گرفت و حاصل مهمی در زندگی سیاسی شد . دولت کفرانس جهانی احزاب برادر در سال ۱۹۶۹ از مردم جهان بدین شکل بطور مشخص جامعه عمل پوشید . هسته اصلی این اقدامات و نیروی محرکه این کار سازمانی را در همه جای کونینست ها تشکیل میدادند . یازد بگر با شامت رسیده که هیچ جنبش اجتماعی که آرمانهای صلح و شرقی الهام

بخش آن باشد در جهان امروز بدون کونینست ها قیام بر علیه کونینستها سر نمیگردد . " هر قدر احزاب کونینستی و کارگری پرچم دفاع از آزادی خلقهارا با قاطعیت بیشتری برقرار رزنده با قاطعیت بیشتری در رهش پیش مبارزه بر علیه سیاست امریکالیستی تجار و زرا گیرند همانقدر در جنبش ضد امریکالیستی توده های مردمی گسترده تر موشتر تر خواهد بود " (۱) .

بدین ترتیب اینجا موفقیت آمیز مبارزه مسلحانه مردم ویتنام با زبانت تغییرات بنیادی در تمام جنبشها بود سوسیالیسم ، موکراتیک و آزادی ملی و شرقی اجتماعی است نتیجه خود موجب پیدایش تغییرات تازه ای در این جهت خواهد شد . اهمیت بین المللی بهروزی زمین برستان ویتنام هم بهتر از هر چیز با همسین سنجید میشود که برای جهان چه می آورد و دارد !

بهر وقت روند انقلابی جهانی تزلزل ناپذیر بی حق خلقهارا در مالک سر نوشت خویش بودن ، یعنی حق را که کونینست ها همواره از آن دفاع و پشتیبانی میکنند ، تأیید میکند . این خواست هسته اصلی هدف مبارزه مردم ویتنام ، کامیوج و لائوس را تشکیل میداد و همین خواست پایه مبارزات پیگیر بودند چنانچه ایست که خلقیهای بهتر از صد کشور آسیا ، آفریقا و امریکای لاتین بر علیه

۱ - " کفرانر جهانی احزاب کونینستی و کارگری - مسکو ، ۱۹۶۹ ، ص ۵۰ (بزبان روسی) .

امپریالیسم دنبال میکند . پیروزی سپه پرستان ویتنام و شکست مداخله سلحشانه نیرومند ترین کشور امپریالیستی جهان سپه مظلّم ملی در تشبیت حقی است که اصل لنینی تعیین سرنوشته خلقها را میسپیند .

آزادی کامل ویتنام ، علاوه بر این ، اهمیت فوق العاده ای برای امر ترقی اجتماعی در کشور های واقع در منطقه آزادی ملی و پیوسته در آسیای جنوب شرقی دارد . طی سی سال اخیر در جنوب جنگ خونین ویتنام ، بطوریکه رهبران آنکشور با رها ناکند کردند ، روند های انقلابی قطع نشد و دو انقلاب گسترش و تکامل پیدا میکرد ، یکی انقلاب آزاد بهختر ملی و سوسیالیستی در شمال و دیگری آزادی بهختر ملی و دموکراتیک در جنوب . همین امر حصلت توده ای ملی واقعی مبارزه سپه پرستان ویتنام را تعیین کرد . این نکته را استراتژی های امپریالیست ایتالیا متحد ه آمریکا که میگویند نسیب زندگیا امریکائی " قشر طفیلی بوجود میآوردند که ارتباط خود را با مردم کامل قطع کرده بود ، پیش بینی نکردند و نفی میدادند .

سرانجام جنگ ویتنام و ستاور گرانقدری در آن پیروسی های جنبش آزادی ملی است که اینک با ورود آنها مرحله نوین گذار از جنبش آزادی ملی به آزادی از اجتماعی مشخص میگردد . این نیز به خود حائل اهمیت است که پیروزی نهائی مردم ویتنام در شرایط کا هشر تشنج بین المللی که ارتباط نزدیک با موفقیت های تخریب صلح ایجاد شوری و کشورهای ارد و کسرویت دارد بدست آمده است . این پیروزی موجد است که محیط اجتماعی - سیاسی که بر اصول همزیستی مسالمت آمیز و اقدامات جمعی متحد خلقها بطور صلح استوار باشد بموقف مبارزه در راه استقلال و تشکل ملی کشورهایی که میخواهند در گزینش سرنوشته خویش آزاد باشند کسک میکند .

این بردن کانون جنگ در هند و چین شرایط مساعدی برای سالم تر کردن محیط بین المللی بوجود میآورد . آزادی سایگون بمعنی پیروزی سیاست همزیستی مسالمت آمیز و شکست مخالفان آمنت و نیروی کسانی را که در راه کا هشر تشنج و صلح مبارزه میکنند افزایش میدهد . تخریب و تحولات تاریخی هند و چین که شرایط تازه ای برای استحکام امنیت بخفاش تمام قاره آسیا ایجاد میکنند . سپه بزرگی در این مبارزه است .

امکان دارد و ساختن شکست به سیاست امپریالیستی که بر اعمال فشار و تازی بنیاد نهاده شده در سپه ویتنام است . مردم جهان این درس را بخوبی در خاطر خواهند داشت . این درس را در حداقل ها کسک امپریالیستی نیز دارند بتدریج درک میکنند ، اگرچه بین آنها اقشار اصلاح نشدنی " هم وجود دارد که تمایل دارند حساب و کتاب های سیاسی را بر نیروی نظامی بنا نهیند . با اظهار تمایل از اینکه مداخله نظامی در ویتنام گویا " بحد کفایت نبود " آنها بی میل نیستند با کوچکترین بهانه از نیروی خود را هم در این منطقه وهم در دیگر مناطق کره زمین بها زمانیند . علیا تسلحانه آمریکا بر علیه کامیون آزادی در اواسط ماه ۱۹۷۵ این نکته را به نیوتی می رساند که این پدیده متشابه پدیده سادمنیت و این افراد آماده اند در هر لحظه وارد عمل شوند .

اما بنیاد ر می رسد که در مناسبات بین المللی بتدریج ولی بطور یقین واقع بینی غلبه خواهد کرد . وضعی که در هند و چین پیش آمده نیز تاشرکی در این جریان ندارد . سپه پرستان ویتنام پیروزی را ساده و آسان بدست نمیآوردند . پیش از ۲ میلیون کشته و میلیونها ناقص و طویل ، بتم و آواره ، شهرهای ویران ، دشت ها و جنگلهای تپاه شده و آراضی زهر آلوده ، بهای گزافی است که مردم ویتنام در ازای این پیروزی پرداخته اند .

استواری ، قهرمانی و ایمان را سخ مردم ویتنام به پیروزی نهائی همواره سرشکی در مبارزه بر ضد امپریالیسم ، بطور حفظ صلح و آزادی خلقها را استوار و مستم خواهد بود .

اکنون در زندگی مردم ویتنام صفحه تازه ای بازشده است ، بطوریکه رهبران جمهوری دموکراتیک ویتنام در ولت انقلابی موقت جمهوری ویتنام در دستگیر هائی که ۱۰ ماهه بافتن آزادی کامل سپه در هانوی و سایگون (که اینک شهر محسوسی مین نامید میشود) تشکیل یافت تا کید کردند در مقابل مردم ویتنام اینک وظایفی بهمان اندازه عظیم ولی صلح آمیز و الهام بخش تر قرار گرفته است . فان بان و ونگ هسو پیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب زحمتکشان ویتنام و نخست وزیر جمهوری دموکراتیک ویتنام اشرا کرده که " اینک وضع جدید و و افک تازه بهسرفرت خیالی سریع کشور را ایجاد میکند که سپه ارزنده ای در ساختن سوسیالیسم در شمال داشته باشیم ، جمهوری دموکراتیک ویتنام را نیرومند کنیم و به ادای دین مقدس خود نسبت به مردم قهرمان ویتنام جنس ادا ه هم تا بدین ترتیب شایسته نام پایگاه انقلاب تمام کشور باشیم " . روزنامه " سایگون آزاد شده " در یکی از شماره های ماهه نوشت : " سیاست دولت انقلابی موقت در ویتنام جنس ... هدف ساختمان زندگی نو و ایجاد و تحکیم حکومتی راد نهان میکند که توده ای بوده و در خدمت مردم باشد " . اینک اقدامات عملی برای ایجاد مقدمات تحقق آرزوی بزرگ هوشی مین یعنی ساختمان ویتنام واحد ، مستقل ، دموکراتیک و شکوفان بدست مردم ویتنام ، انجام میشود .

احزاب کمونیست و کارگری و تمانه نیروهای شرقی جهان در این راه موفقیت های فراوان برای مردم ویتنام آرزو میکنند . نمایندگان احزاب کمونیست و کارگران اروپا و آمریکا و افریقا و آسیا ، اعضای شورای تحریر به مجله " مسائل صلح و سوسیالیسم " هم با شور و شوق با این اشتیاق آرزوی پیوندند . انجام موفقیت آمیز مردم ویتنام در محاسن فرور و خوشبختی بر ما نگیزد . ما برای سپه پرستان ویتنام جنسی تجدد به حمایت کشور برمیانی نو و دموکراتیک آرزو میکنیم . برای تمام مردم ویتنام ادامه راه موفقیت آمیز و در تنلی و صلح و ترقی اجتماعی می - لیمیم . میدانیم مردم ویتنام حالا در هر صلح نیز مانند زمان گذشته در رساله های جنگ میتوانند به پشتیبانی خلل ناپذیر و کسک موثر برادارانه کشورهای سوسیالیستی ، جنبش جهانی کمونیستی و کارگری ، جنبش آزادی بهختر ملی ویتنام نیروهای شرقی و ضد امپریالیست جهان اطمانان داشته باشند .

وضع زنان معیار ترقی اجتماعی است

هلنالا گابنیا

عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست
بلغارستان
صد رکنیته زنان بلغارستان

تصمیم سازمان ملل متعدد به اعلام سال ۱۹۷۵ سال زنان بمعنی اعتراف همگان به نفوس آنان در ترقی جامعه بشری است. هدف از این تصمیم تحکیم وحدت نیروهای ترقی گره زمین در مبارزه برای حقوق گسائی است که زندگی آفرین اند و پرورش نسل آینده بشر را بر عهده دارند. چه جز ولت ها، رجال سیاسی واجتماعی و سازمانهای بین المللی را وادار میکند به بحث و مذاکره و اخذ تصمیمات قطعی برای حل مسائل مربوط به وضع اجتماعی - اقتصادی و سیاسی - حقوقی زنان بهرود آند؟ شرح این مطلب را بهتر از هر چیز باید در افزایش فراوان فعالیت اجتماعی زنان طی سالهای اخیر در زندگی کشورهای جداگانه و سراسر جهان جستجو کرد. جامعه بشری بدون شرکت زنان که اینک به سوم پدیده آفرینندگان ارزشهای مادی و معنوی روی زمین را تشکیل میدهند بعمل معطلات اقتصادی واجتماعی که با آنها برپرواست قادر نیست. نقش آنان در پایداری واستقرار صلح نیز بسیار مهم است. مادران تشنه صلح اندو در راه آن مبارزه میکنند. و این امر همان اندازه طبیعی است که محبت مادران خود چه تمام کودکان روی زمین.

ولی وضع واقعی زنان در بسیاری از کشورهای جهان بهیچوجه با اعتراف همگان به این حقایق مطابقت نمیکند. صرفنظر از انجام یک سلسله اقدامات حقوقی بمنظور رفع تبعیضات جنسی، نابرابری واقعی زنان با مردان به منزله یکی از درد های درمان ناپذیر سرمایه داری بحال خود باقی است. مارکس نوشت: " ترقی اجتماعی را میتوان بنا به وضع اجتماعی جنس لطیف بدقت اندازه گرفت " (۱). مرد نابرابر در مقابل کارپسکان، تبعیض بهنگام پذیرفتن بکار و همچنین سبب وجود دردم بیشتر بیکاری میان زنان نسبت به مردان، واگذاری کارهای بانحصص ناچیز و کم مزد بزنان وضع نابرابر در خانواده و اینها فواید بسیار ناقلی از واقعیتی است که زنان را در کشورهای سرمایه داری وادار میسازد بهنگام ریزه برابری حقوق و آزادی واقعی میکند. راهنمای زنان در این مبارزه موقعیت وضع زن در سوسیالیسم است که هر نوع تبعیض و نابرابری را مردود میداند.

کشورهای سوسیالیستی طبعاً اندیشه سال بین المللی زن را تهنیت میگویند، آنها با تمام سیاست اجتماعی و اقدامات خوبتر درستی بنیادی موضع مارکسیسم - لنینیسم در "مسئله زن" را تأیید میکنند و اثبات میکنند که سوسیالیسم یگانه در زمانی تاریخی واقعی آزادی زنان و پیشرفت همه جانبه و موزون آنان است.

۱ - مارکس و انگلس، مجموعه آثار (بزبان روسی) جلد ۳۲، ص ۴۸۶.

جمهوری توده ای بلغارستان با جمع بندی پیشرفت سوسیالیستی سی ساله خویش کشفیات آن نه فقط بار شد سریع اقتصادی، دستاوردهای زندگی اجتماعی و موفقیتهای علمی و فرهنگی بلکه با موقعیت زنان که از لحاظ کیفی موقعیت نونهی است اندازه گیری میشود بحال بین المللی زن گام نهاد.

حزب کمونیست بلغارستان همواره بر این حکم مارکسیستی متکی بود که طبقه کارگر، در صورتیکه زنان را در گرد رما ریزه آزاد به بخش شرکت نکند، قادر به انجام رسالت تاریخی خویش یعنی رهائی خود و جامعه بشری از نوع سرمایه داری نخواهد بود. زنان بلغارستان برای پیروزی انقلاب سوسیالیستی خواه با اشتراک در جنبش آزاد بخش و خواه با پرورش نسل مبارزان انقلابی خدمات بزرگی انجام داده اند.

بهین سبب هم یکی از نخستین اقدامات انقلابی حقوقی حکومت خلق صد و فرمان برای برتری حقوق افراد هر دو جنس زن و مرد است که ۱۶ اکتبر ۱۹۴۴ یعنی فقط ۳۷ روز پس از بدست آوردن آزادی و جامعه عمل پوشید. در یگانه ماده این فرمان گفته میشود افراد هر دو جنس در تمام رشته های اقتصادی، دولتی، فرهنگی واجتماعی - سیاسی از حقوق برابر برخوردارند. این سند مختصر برای زنان بلغارستان اهمیت بسیار زیادی داشت. زیرا با آنان امکان داد فعالیت در ساختمان سوسیالیسم شرکت جویند. یک سلسله اقدامات و قوانین دیگر مانند قانون ازدواج سال ۱۹۴۵، قانون اساسی بنام دیمیتروف (سال ۱۹۴۷) و قانون اساسی جمهوری توده ای بلغارستان (سال ۱۹۷۱) برابری حقوق زنان را در کشور ما از نظر قضائی بطرق قطع تثبیت کردند. ولی میان برابری حقوق قضائی و واقعی راه دراز بود شوری قرار داد که میانیت و در جریان پیشرفت کلی جامعه سوسیالیستی ماطی شود. تحقق برابری واقعی بهتر از هر چیز با همساز شرایط اقتصادی معینی را برای جلب زنان به تولید اجتماعی بقیا گسترده لازم دارد. لنین تأکید میکرد که: " برای آزادی کامل زنان و برای برابری واقعی آنها با مردان، وجود اقتصاد اجتماعی ضروری است و زن هم باید در کار تولیدی همگانی شرکت کند " (۱).

اگر نهم سپتامبر ۱۹۴۴ روزی بود که راه نوبی بزرگی زنان بلغارستان گشود و آنان را برابری و مقام شایسته ای در جامعه بخشید، و بنوم تاریخی آوریل کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان (سال ۱۹۵۶) راجح میتوان نقطه چرخش در رسیدن زنان به برابری واقعی و اصل بشمار آورد.

تزارهای بنوم آوریل تسریع کننده نیرومند ترقی اجتماعی، تحقق ابتکار خلاق مردم بحقیاس گسترده و پیشرفت سریع نیروهای تولیدی اجتماعی بودند و جلب دسته جمعی زنان در تولید مادی و معنوی را امکان پذیر ساختند. از سال ۱۹۵۶ تا پایان سال ۱۹۷۲ تعداد زنان کارگر و کارمند دولت به برابر نیم افزایش یافته و از ۳۸۲ هزار به یک میلیون و سیصد و سی هفت هزار رسید. دست در سال ۱۹۷۳ زنان ۴۷٪ تمام کارگران و کارمندان و ۴۶٫۹٪ شاغلین در کشاورزی را تشکیل میدادند. از هر ۱۰۰ نفر زنی که به سن کار کردن رسیده و قادر به کارند ۶۸٪ زن بکار افتد اجتماعی اشتغال دارند و ۱۴٪ نفریقه تحصیل میکنند. زنان ۲۷٫۷٪ مهندسان، ۴۱٫۸٪ پزشکان، ۵۸٪ اقتصاد شناسان را تشکیل میدهند. برای مقایسه با آوریل میوشوم که در ایالات متحد امریکا فقط ۱٫۶٪ مهندسان و ۶٫۷٪ پزشکان را زنان تشکیل میدهند.

زن در کشور ما با استثنا کارهایی که برای تشد رستی و انجام وظیفه مادی وی زمان بخش اند

۱ - لنین، مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) جلد ۳۹، ص ۲۰۱.

هر کار دیگری را می‌تواند انجام دهد . بنفای و از همتای حرفه ای و دوشیزگان از جدول های ویژه بسر اساس ملی استفاده میشود که بدقت شرایط و مطالبات هنر عمو کار و راتعمین و توصیف کرده و نگار حرفه شایسته زنان را از لحاظ پزشکی ، اجتماعی - روانشناسی و سوسپولوژیک تعیین و نتایج می‌بخشد . بهبود مداوم محل و محیط کار و شرایط زندگی ، برقرار کردن رژیم کار مناسب برای کار توجیه به خواستهای زنان (نظیر کارهای موسمی ، کار نصف روزی و غیره) امکان میدهد که تعداد هر چه بیشتری از زنان به سنین مختلف بکار اجتماعی جلب شوند .

اما جامعه ما فقط خواستار رشد کمی و اشتراک زنان در تولید اجتماعی نیست . ما علاقمند به بهبود کیفی شرایط اجتماعی زنان هم هستیم زیرا با افزایش تربیتش کار آنان کمک خواهد کرد . بدقت جهت است که حزب کمونیست بلغارستان برای بالا بردن کارگزاران بهیت فراوان قائل است . تعداد زنانی که در تولید غیرمادی و همچنین در رشته‌های که ارتباط نزدیک با ترقی تکنیک دارند (مانند ماشین سازی ، صنایع الکترونیک و تولیدات شیمیایی) بکار مشغول اند در اسیل های اخیر با سرعت هر چه بیشتری افزایش مییابد . از کار آنها بهیچاس هر چه کمترند و ترد کارها را تولیدی می‌کنند و با توجه به مزایای استفاده میشود و این امر سطح تخصص حرفه ای زنان کارگزاران را افزایش داده و با افزایش چشمگیر دستمزدهای آنان می انجامد . در سال ۱۹۷۳ ، ۵۰۳٪ متخصصین با تخصصهای مختلف حرفه ای و ۳۸۸٪ متخصصین با تخصصهای عالی از زنان تشکیل میدادند . کار اجتماعی و تربیت محیط کار دسته جمعی دایره دانش آنان را توسعه میدهد ، به ارضای خواستها و دلسترگی های آنان کمک خارج از جابجوب کارهای خانه و خانواده است کمک و بدانان استقلال اقتصادی میدهد .

اینها همه یکجا شرایط مساعدی برای تکامل فکری حرفه ای و اخلاقی و گسترش آزادی فردی ایجاد میکنند . بهین سبب انگیزه اشتراک زنان بلغارستان در تولید اجتماعی بگرتنها اجسر و با دادر و فعال کارنموده خواست عمیق درونی سازنده جامعه نبودن را نیز شامل میگردد . در سال ۱۹۶۹ بررسی سوسپولوژیک پرداخته ای تحت عنوان " زن در زندگی اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی و در خانواده " بعمل آمد . در پاسخ این پرسش که آیا آنها مایل اند در صورت داشتن تابعین کامل مادی برای خود و خانواده شان با هم کار کنند ، زنان شوهر داری که بکارهای اجتماعی اشتغال دارند چنین گفتند :

- تا نیروی و امکان کار کردن در ام کار میکنم - ۵۶٪
- تا زمانی که برای بازنیسته شدن سابقه مدت کافی بیدانم کار خواهم کرد - ۲۹٪
- میخواهم کار کنم ولی نه تمام وقت و نه برای گرفتن حقوق تمام وقت - ۱۹٪
- همینکه بچه ها بزرگ شوند شروع بکار میکنم - ۱۶٪
- گاه که داری کار خواهم کرد - ۱۵٪
- تا وقتی که بچه دار نشده ام کار خواهم کرد - ۸٪
- کار نخواهم کرد - ۱۵٪

طبیق آمار بررسی سوسپولوژی دیگری که در سال ۱۹۷۳ انجام شد در مقابل این پرسش که : " اگر حقوق شوهرشمارد و برابرشود کار خود را رها خواهید کرد " ، ۶۶٪ از مخاطبین جواب دادند " خیر " این بدان معنی است که زنان بلغارستان مناسبت خود را به سیستم ارزشهای اجتماعی ازین حسن تغییر داده اند . کار برای آنها به مفهوم وضوم زندگی تبدیل شده و زندگی دیگری برای آنها قابل تصور نیست .

دسترسی زنان به فرهنگ سوسپالیستی و ارزشهای تمدن مل و جهانی از عوامل مهم آزادی زنان

است . ماهیت و زمانی را با خاطر داریم که پس از پیروزی انقلاب سوسپالیستی لازم بود بهیچاد یو کم سواد ی زنان میوه زنان روستا نشین را بر طرف ساخت . حال آن وضع را با امروز مقایسه میکنیم ؛ در سال تحصیلی ۲۴-۱۹۷۳ تنها ۱۹۷۳ تن دانشجو عالی دختران ۱۸۸۸۸۸ دانشجو را تشکیل میدادند . اما این فقط یک جنبه اشتراک زنان در امور فرهنگی است . زنان بلغارستان با فرا گرفتن معلومات عمیق ، خود درسک پیشرفت دهندگان قد را اول و برابرمقوق دانش ، ادب و هنر کشور ما درآمدند .

لنین معتقد بود که هرگاه زنان از دسترسی به سیستم اداره امور اجتماعی همانند مردان بسر خودر ازیاشند برابری اجتماعی کامل زنان را نمیتوان عملی کرد (۱) . امروز ۲۶۸۸٪ اعضای حزب کمونیست بلغارستان و ۵۰۶٪ اعضای اتحادیه کمونیستی جوانان در پیشرویی از زنان تشکیل میدهند . در ارگانهای یوناندهی محلی حکومت خلق ۳۷٪ و در مجلس خلق ۱۸۷٪ مجموع نمایندگان رازنان بوجود آورده اند . در حالی که در پارلمان فرانسه ۱۷٪ ، در پارلمان بلژیک ۲۸٪ و در پارلمان انگلستان فقط ۲۹٪ نمایندگان را زنان تشکیل میدهند .

در اسالیب ساختمان سوسپالیستی مناسبت میان اعضای خانواده بظور جدی تفسیر میگردد است . بر تعداد خانواده‌های که در آنها زنان تخصصات عالی تری از شوهران خود دارند افزوده میشود (نزدیک به ۱۴٪ از خانواده‌ها) . تعداد خانواده‌های همگی در آمد زنان برابر با مردان با احتی از آنها هم بیشتر است (۳۵۴٪ خانواده‌ها) نیز افزوده میگردد . بظوری این نکته قابل است که بخش مهمی از زنان در این قیبل خانواده‌ها سطح معلومات و تخصص خود را پس از آنکه شوهر اختیار کرده اند به کمک جد مادی و معنوی شوهر خود بالا برده اند . این امر گواه موفقیت‌های فراوان در بر طرف ساختن نابرابری سنتی و استواری مناسبت خانواده‌ها با کیفیت نوبین است که بر احترام متقابل و برابری کامل زن و شوهر بنا نهاده شده است .

دهمین کنگره حزب کمونیست بلغارستان ضروری دانست که " بر پایه نظریات علمی در باره مقام و نقش زن در جامعه سوسپالیستی ، شروع بانجام برنامه گسترده ای ، مشتمل بر اقداماتی شود که به ایجاد بهترین شرایط برای زنانی که وظیفه والای مادری را انجام میدهند کمک میکند ؛ برای اشتراک زنان در کار ، افزایش تخصص و رشد رومی آنان امکان فراهم می‌آورد و بزنان در تثبیت مقام خود در امر اداره امور اجتماع یاری میرسانند " (۲) .

برای تحقق این وظیفه حزبی مجمع کارگزاران عالی ، متخصصین ، رجال اجتماع و سیاستمداران بوجود آورده شد . این مجمع برابری کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان طرحی را تدارک میدهد که در آن بهترین شرایط ممکن برای آنکه زنان بتوانند نقش‌های اجتماعی خود یعنی وظیفه مادری و بانجام کار و فعالیت اجتماعی را بطور هماهنگ تطبیق کنند در نظر گرفته شده است . بخشی از این طرح در برنامه دسامبر ۱۹۷۲ حزب کمونیست بلغارستان یعنی برنامه بالا بردن سطح زندگی مردم گنجانده شده است . مواد گوناگون این طرح بشکل کارگتری در قرارهای عمومی سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان (۶ مارس ۱۹۷۳) درباره افزایش نقش زن در ساختمان جامعه پیشرفته سوسپالیستی متشکر گردیده است .

مضمون این اسناد نشان دهنده ویژگی بر اهیت و ممتاز برخورد جامعه سوسپالیستی به وضع حقوقی زنان است : توضیح اینکه تنها برابری آنان را در حقوق با مردان کافی نمیدانند . جامعه

۱ - رجوع کنید به مجموعه کامل آثار لنین ، جلد ۴۰ ، صفحات ۱۵۸-۱۵۷ .
۲ - دهمین کنگره حزب کمونیست بلغارستان (بزبان روسی) مسکو ، ۱۹۷۲ ، ص ۹۰ .

با توجه به نقش خاص زن که با وظایف مادی بستگی دارد و وظائف جدی تربیت کودکان و مبارز کردن افراد از هر لحاظ پرورش یافته را محسب آنان می نهد و همین سبب هم حقوق بیشتری نسبت به مردان بهمنزای و انجام امی و وظایف با آنان واگذار میکند .

به حجم این حقوق در بلغارستان بطور مستمر افزود میگردد . بطور مثال مرخصی در دوران بارداری و پس از آن که چهار پنج میا ششماه (بسته به اینکه نخستین یا دومین و سومین کودک بدنیا آمده باشد) طول میکشد وطن آن مدت حقوق کامل برداخت میشود . از اول نوامبر ۱۹۷۳ با مرخصی برای نگهداری و پرورش کودک به ترتیب باید شش و هفت میا هشت ماه اضافی تکمیل گردد . علی مدت این مرخصی مادر کودک حقوقی همیزان حداقل حقوق یعنی ۸۰ لوار دریافت میکند . علاوه بر این مادران مرخصی بدون حقوق تا رسیدن کودک بسه سالگی داد میشود و این مرخصی جزا در دوران خدمت بشمار میآید . این حقوق بطور کامل بر زنان روستایی نیز تعلق میگیرد . مادران که در آموزشگاههای عالی بمتخصصی مشغولند حق استفاده از کمک خرج و ۸۰ لوا حقوق ثابت دارند . هرگاه مادر جوانی نخواهد برای مدت درازی از کار خود دست بکشد و ترجیح دهد که پیش از پایان مرخصی تکمیلی با حقوق سرکار برگردد و علاوه بر حقوق ماهانه کمک خرجی همیزان نصف حداقل حقوق نیز دریافت خواهد کرد . حق کار زنانی که در آستانه نامزد شدن قرار دارند طبق قوانین ویزه حفظ میگردد . اگر چنین افرادی در کارهای تولیدی زبان بخشی مشغول بکار باشند پس از چهارمین ماه با دراری و مرخصی موارد از همان آغاز بارداری کار دیگری بآنها داده میشود . صورت کارهایی که برای تندرستی بطور غیرمادی زبان بختراست مرتباً وارسی شده و تکمیل میگردد . زنان زانیاسد پس از چهارمین ماه با بارداری و یا پیش از آنکه کودک به سن ۸ ماهگی برسد از کار بیکار گردد . در دوران مرخصی بعلت بارداری و یا مرخصی بدون حقوق همیستوان زنی را بیکار کرد و یا در شرایط قرارداد کاری که با او بسته شده تغییری بوجود آورد . آن ماده از مجموعه قوانین کار کشور ما که امتناع از انعقاد قرارداد کار با زنان را بعلت بارداری و غدن کرده از ستاورد های مهم قانونگذاری و قانون کار است . زنان در ایام سالخوردگی در شرایط بهتری از مردان بازنشسته میشوند . نسبت بدشواری و سنگینی کار در زنان کارگرد رسن ۵۰۰ ۵۰۰ سالگی با سابقه خدمت ۱۵ یا ۲۰ سال حسی دارند بازنشسته شوند . در این زمینه برای مادرانی که پنج کودک تا ۸ ساله و یا بیشتر از این سن تعداد داشته باشند امتیازهای بیشتری در نظر گرفته شده است .

شکستورده بنگاههای بهداشتی ویزه و رهاگان در حفظ تندرستی بزنان باری میسرانند . ۲۴۸ واحد بهداشتی ویزه کودکان شبرخوار در شهرها و ۲۰۶۶ واحد در روستاهای کشور تندرستی و بهداشت کودکان را نیز برقرار دارند . به تعداد کودکان کستانها بطور مداوم افزود میشود و به بهبود وضع آنها توجه بیشتری مبذول میگردد .

تحقیق تدابیر همایم اجتماعی نظیر حمل مشکل مسکن جوانان و خانوادههای کثیرالاولاد گسترش تولید لباس ابرازان بچگانه و مواد غذایی و ساختمان مجتمع های خدمات عمومی و غیره در بلغارستان کمک بزرگی بر زنان و خانواده ها است . ولی بنظر ما هر قدر هم این توجه از طرف اجتماع شریفش باشد برابر با اجتماعی زنان و مردان تا هنگامیکه در نخستین باخته اجتماع یعنی خانواده تحقیق نیافته و محیط اخلاقی لازم و تقسیم کار عادلانه میان اعضای آن برقرار نگردد به کامل نخواهد بود . در واقع سخن بر سر تشکیل خانواده و نویسموه سوسیالیستی است . اینکه آرمان و باید آل بدروماد و چیست ، سطح آگاهی آنان بمنزله اعضای جامعه سوسیالیستی از چه قرار است هیچ نوع مسائل علمی و فرهنگی علاقتمندند اهمیت فوق العاده ای کسب میکند . زیرا اینها همه اهمیت قاطع برای پرورش نسل جوان دارد .

تمام اینها اجزاء سیاستی هستند که هدف آن این است که وظایف اساسی توجه و مراقبت نسبت به نسل جوان را بتدریج جامعه عمده و ارگردد . بدین ترتیب بد و وابستگی موضع مادی خانواده بهترین پیشرفت جسمی و روحی کودکان تا مینمیرد و وظیفه بدروماد بطور کلی عبارت از تربیت پرورش منتهی فرزند نشان خواهد بود . این هم بنویسمود یکی دیگر از شرایط پیشرفت همه جانبه والدین ویزه مادران خواهد شد .

برنامه ای که حزب تهیه کرده ضامن انجام وظائف بشری است که بر مردمیم - شورای دولتی جمهوری بوده ای بلغارستان این برنامه را بمنزله پایه سیاست دولت در رشته اجتماعی بتصویب رساند . در سال جاری با توجه با مکاتبات کشورگامها تازه ای در راه تحقق این برنامه برداشته خواهد شد . بدین ترتیب حزب ما در ولایت بلغارستان بار دیگر بجهانمان نشان خواهند داد که کشور کوچکی که جندی پیش کشوری عقب مانده بود اگر در راه سوسیالیسم گامهای فاد راست در دوران تاریخی نسبت کوتاهی برای پیشرفت همه جانبه زنان کارهای انجام دهد که فنی تر نهی کشورها ی سرمایه دار و در طول تاریخ موجودیت خود نتوانسته اند انجام دهند . سخنانی که بلغارستان هنگام اعلا میه ای بمناسبت سال بین المللی زن در حضور همران دولتهای رفیق ژوئیک ، دبیپاول کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان و صد رشورای دولتی جمهوری خود ای بلغارستان هنگام اعلا میه ای سال بین المللی زن در حضور همران دولتهای ۳۵ کشور دیگر ایراد کرد (در دسامبر ۱۹۷۴) این اعلامیه به دبیپول سازمان ملل متحد داد شد (در ای کشور ضمیمی بود . رفیق ژوئیک گفت : " نظریات من و سیاستی که کشور ما از آن پیروی میکند بارخ و اندیشه این اعلامیه مطابقت میکنند . شورای دولتی و دولت جمهوری بوده ای بلغارستان بطور بیکیفر برنامه ای را بپای می کنند که هدف آن بر مراختن واقعی حقوق زنان و مردان ، پیشرفت همه گنگ زنان ، افزایش نفقاران در زندگی سیاسی ، در رشته ترقیات اقتصادی و اجتماعی کشور و در امر مین سعادت مادی و معنوی و فرهنگی مردم است " (۱) .

البته اگر بلغارستان در جرگه کشورهای ارد و گاه سوسیالیستی نبود ، اگر همکاری و کمک دیگر کشورهای سوسیالیستی ویزه کمکهای برادرانه ، همه جانبه بی شایسته اتحاد شوروی بزرگ و حزب کمونیست اتحاد شوروی اتکا نمیگردد پیشروی کشور ما در راه سوسیالیسم که موجبات حل سریع و گجای مسائل برابری اجتماعی و پیشرفت زنان بلغارستان را فراهم آورده ، امکان پذیر نبود . زنان بلغارستان تعلق خود را به جامعه ای که در آن احترام بیزن زحمتکش و کارگر ، مادر و گرداننده امور اجتماعی حکمران است ارج فراوان مینهند . آنان میگویند از بزرگان سال بین المللی زن برای ابراز همبستگی عمیق خود با زنان سرمایه جانی که در راه برابری حقوق و صلح و تسریفی اجتماع مبارز میباشند استفاده کنند . ما همین داریم که جامعه بشری با استفاده از نتایج این گفتگو و منابع مادی که در اختیار دارد و با اتکا بکارهای اینها آساند وست های بزرگ ، هم اکنون قادر است حلگلی معضلات اجتماعی صیهارخی را کفازادی و پیشرفت زنان را نیز شامل میشود ، آفا زکند .

نبرد اساسی در رشته اقتصاد

کارلوش کشتا

عضو کمیسیون سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست پرتغال

فائونمنسید ی

جریان انقلاب پرتغال این قانونمندی گلی را که از مشخصات روند انقلابی است تأیید میکند که: انقلاب به هر طریقی که پیشرفت کند، مسالمت آمیز یا غیر مسالمت آمیز، مسلحانه یا غیر مسلحانه، در دهر حال در مبارزه طبقاتی و در راه جلب توده های انقلاب سر میگذرد.

انقلاب پرتغال در شرایط احترام به آزادیهای فردی و وجود احزاب مختلف ضد فاشیست جریان دارد. اما در کشور درجهبندی های متعددی نبرد های شدیدی در گرفته است که بهر حال نه تنها نبرد درجهبندی اقتصادی است. علت این امر آنست که حاکمیت سیاسی و اقتصاد در پرتغال از ۱۹۷۴ تا چندین سال پیش بوجوب قرارهای دولت در دستهای مختلفی متمرکز گردیده بود. حاکمیت سیاسی در دست کسانی بود که میگویند پرتغال را به ترقی اجتماعی سوق دهند و حاکمیت اقتصادی در دست انحصارها. بحیثیت دیگر تضاد آشکار میان رهیتهای سیاسی و زیربنای اقتصادی پدید آمد. در همین حال کامل روشن است که طبقه ای که وضع حاکم در ساختار اقتصادی کشور دارد، پدید میآورد سلطه سیاسی خود را نیز برقرار میکند. معلوم است که وضع نمیتوانست مدت درازی بدین منوال باقی بماند: با انحصارها از حاکمیت سیاسی را بدست میگیرند و دیکتاتور جدیدی را یک کشور تحویل میکنند و بدولت دیکتاتورانه را در دست میگیرند و حاکمیت اقتصادی انحصارها به نبرد برخیزند و آنرا تا انحلال کامل این حاکمیت ادامه دهد. این تنها راه موجود است.

حزب ماد را برین توده پدید آورده که برقراری رژیم دموکراتیک را در کشور تا حد زیادی و وابسته به عمل درست مسائل اقتصادی است. این مسائل بدون انجام تداوم نیروی که به آرزوی طایفه انحصاریها و قدرت اقتصادی انحصارها را خنثی سازد غیر قابل حل است. این نظر لنینی که: "حاکمیت بورژوازی با آنچه در حقیقت انقلابی و در حقیقت دموکراتیک است سازگار نیست" (۱) در اوضاع و احوال پرتغال امروز نیز صادق است.

آزادی برای دموکونیستها تنها بمعنی حق بیان خواستها و آرزوهای خود، تشکیل سازمانهای خود و آزادی اجتماعات و غیره نیست. آزادی عبارتست از زندگی زحمتکشان بدون استعمار، بدون آنکه کسی برای دیگری کار کند. "دموکراسی برای همه" در جامعه ای که مالکیت خصوصی بروسائل تولید حکمفرما است عبارت از برابری ظاهر است که برینا برابری واقعی بنیان نبوده شده است.

۱ - لنین، مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) جلد ۳۴، ص ۱۹۰.

موقع حزب کمونیست پرتغال در مسئله مربوط به راههای تحکیم و مشاوره های انقلابی و پیشرفت موفقیت آمیز پروژه نوسازی اجتماعی با تفاهم و پشتیبانی احزاب برادری بربرگردیده است. مفسران کمونیستهای فرانسه که با علاقه و دقت حوادثی را که در کشور ما میگذرد را تعقیب میکنند در مصححات روزنامه خود "اومانیته" اینطور مینویسند: "دموکراسی بخاطر چی؟ برای چی؟ آیا این فقط تظاهر بدموکراسی خواهد بود که ساختارهای موجود گذشته را دست نخورده نگه میدارد و فقط در بساط سبزی برای حفظ سیستم اقتصادی خواهد بود که از سالها زیارت رسیده بود ارا را چنان غمگین است که همانند جستگناه (تراپهن) ازان برای بازگشت به عقب استفاده خواهد شد؟ یا اینکه دموکراسی واقعی خواهد بود که از اوضاعی چنین ترسناکمانشا و نترسیدنیگردد، دموکراسی که با کمیت و تشریح مسامحی کارگران و نیروهای خلق و با همکاری نزدیک با جنبش نیروهای مسلح پی ریزی شده و تحقق یافته است." (۱)

تداوم انقلابی که دولت به درنگ پس از ۱۱ مارس ۱۹۷۵ اتخاذ کرد این هدف را تعقیب میکند که فرصتی را برای اقتصاد و اجتماعی که پرتغال از گذشته به ارشیرده طایع ارتش را گرد و پاپیسه های مادی، فرهنگی و اجتماعی جامعه نوی ایجاد شود. این معنی طرد سرمایه داری و ساختار سیستم اجتماعی ترقی تروانسائی ترد است. در واقع به نهائی شورای انقلاب مورخ ۲۱ ژوئن سال جاری این وظیفه با وقت بیشتری فرمول بندی شده است: هدف انقلاب پرتغال ساختمان جامعه سوسیالیستی، جامعه بدون طبقات است که آنرا میتوان از طریق اجتماعی کردن وسائیل تولید و برانداختن استثمار انسان از انسان بنا کرد.

جمع دموکراتیک پرتغال بر این عقیده است که همانا راه پیشرفت سوسیالیستی برای پرتغال بگانه راهی است که امکان میدهد بر مشکلات اقتصادی غلبه کند و پیشرفت دموکراتیک و آزادی را که مردم طی ۵۰ سال آرزو محروم بودند تضمین نماید و سطح زندگی زحمتکشان را بالا ببرد.

در راه انجام این وظایف از آزادیهای متعددی باید با موفقیت بهره برد زیرا در هم شکستن انقلابی تمام سیستم طبقات سیاسی و اقتصادی و نمیتواند بدون رنج و زحمت باشد. جریحیت سیاسی کنونی هم در راه شویهای انجام این وظایف وحل این مشکلات است و در آن تعداد هر چه بیشتری از مردم که وابسته به احزاب سیاسی مختلف و طبقات و قشرهای اجتماعی گوناگون جامعه پرتغال اند و نیز با اهداف و عقاید متفاوتی دارند و بدو اساساً شرکت میکنند.

تجربهایخی گواه بر این است که نظام سوسیالیستی میتواند اشکال مختلفی بپذیرد و بسته با اوضاع و احوال هر کشور دارای خصوصیات گوناگونی باشد. شکلی که نظام سوسیالیستی در پرتغال بخود خواهد گرفت به سیستم اتحاد های پرولتاریا، تناسب نیروهای طبقاتی، درجه پیشرفت انقلاب ملی دموکراتیک، اوضاع بین المللی و بدان راه انقلابی وابسته خواهد بود که برگزید خواهد شد. بر این نظر گرفتن ترکیب طبقاتی جامعه پرتغال و ویژه سنگین پرولتاریا و صنعتی و کشاورزی تحقق انقلاب ملی دموکراتیک برای گذار مسالمت آمیز سوسیالیسم میتواند شرایط مطلوب را فراهم آورد. جامعه مورانما بنندگان تمام طبقات و قشرهای اجتماعی کشور دروش بدو رنج زحمتکشان بنسباً خواهند کرد. در این جامعه جایی برای نمایندگانی سرمایه انحصاری و استثمارگران نخواهد بود. برای تعیین شرایط لازم برای این شکل پیشرفت انقلاب ما، سیاست انقلابی درستی ضروری است که پاسخگوی نیازمندیهای مربوطه و های انبوه مردم باشد و وحل و فصل سریع معضلات اقتصادی

۱ - "اومانیته"، ۲۲، ژانویه ۱۹۷۵.

کشور به آنها روبرو است نیز ضرورت دارد . این نکات را رهبران کشور و جنبش نیروهای مسلح بخوبی درک میکنند . هرگاه مسئله را در زمینه سیاسی و با اقداماتی که بتواند بزرگوار است بعمل آید مطرح کنیم بنظر ما احتمال وقوع هرگونه جنبش ارتجاعی که بتواند پروسه انقلاب را به خطراندازد ضعیف است . آینده این جنبش اینک بهتر از هر چیز وابسته به وضع اقتصاد کشور است که در همین حال ضعیف ترین نقطه آن میباشد .

بدین مناسبت میخواهم درباره وفاق که مردم به پرتغال امروز انجام آنها مشغولند و درباره دورنماهایی که در برابر آنها گشوده میشود صحبت کنم و تا اندازه ممکن ضمنی را که فعالیت حزب ما در زمینه آن جریان دارد نشان دهم .

شدیدترین نقطه ضعف

مشکلات اقتصادی جدی که اینک کشور به آنها روبرو است نتیجه عوامل عینی و ذهنی گوناگون است . از آنجمله است : بیضرات و خاست باری که از دوران دیکتاتوری فاشیستی بجای مانده ، وضع ناساعد اقتصادی کنونی در جهان سرمایه داری ، خرابکاری که از طرف انحصارهای داخلی و خارجی بنظر متوقف ساختن روند دموکراتیک سازمان داد میشود . تضعیف ساختار سرمایه داری دولتی ، انحصار با ساختار سوسیالیستی همچو کار ساده و آسانی نبوده است . پرتغال هم از این قاعده مستثنی نیست .

اینک ۲۵ هزار تن بیکار در کشور وجود دارد ، و در حالیکه تعداد کلی افراد قادر بیکارگی بیشتر از سه میلیون نفر است . وضع متشنج کنونی درباره کار در صورتیکه دهها هزار تن مهاجران از اروپای غربی و صحنی از آنجا که به افریقا مهاجرت کرده اند بازگردند میتواند وضع مخاطره آمیزی پیدا کند . در همین حال در مرحله معینی نیز ترخیص بخشی از افراد ارتش ضرورت پیدا خواهد کرد .

سرمایه داران پرتغالی و خارجی ارزمان سرمایه گذار میگردند و خروج سرمایه از کشور افزایش می یابد . کسری موازنه پرداختها که بطور عده نتیجه افزایش سریع کسری موازنه بازرگانی است روز بروز بیشتر میشود . از سوالهای پولی گمانیکه در کشورهای خارجی کار میکنند کاسته نشده است ، ولی در عوض تعداد تورپیست ها در سال گذشته تقریباً ۲۰٪ کاهش یافته است . شاخص تورپیستین آمده ولی هنوز در همان سطح ۱۸٪ است (مارس ۱۹۷۲ - مارس ۱۹۷۵) .

در خارج از پرتغال و از کشورها که هر ساله میباید ولی مجموع پولی که در گردش است ۹٪ افزوده شده است میزان پرداختن ارزهای مردم در بانکهای پرتغال هم کم نشده است . خارج کشور بیشتر از داخل آنست و کسری موازنه بازرگانی تقریباً یک چهارم محصول ملی است . واردات از خارج بر حسب حساب قرضه های خارجی و با در نظر گرفتن واردات و کسری موازنه بازرگانی صادرات در برابر واردات نمیتواند پایان پذیرد . بنظر ما هرگاه واردات و افزایش تولید کالاها کمیستوان در خود کشور تولید کرد تصمیم گرفته شده است بین ۳ تا ۴ درصد به مائینهای گمرکی گسیلسله از کالا های وارداتی و خارجی افزوده شود .

در ضمن بسیاری از رشته های صنایع تولید کاهش میباید و این امر اغلب نتیجه خرابکاری اقتصادی است . اعتصابهایی که از طرف مرتجعین یا چپ رهاوارها انداخته میشود اغلب ممتدترین موسسات و از کار میاندازد و بدین مناسبت اعتصابهای تحریک آمیزی بخاطر مردم که در ششلی دوران حکومت وحدت خلق تشکیل میشد و هدف از آنها نیز ایجاد هرج و مرج اقتصادی در کشور بود . انحصارهای کشورهای غربی نیز " سهم " خود را در اینکند . آنها از تعداد معظلهای کار

در موسسات شعبه های خود میگردند و زمین سرمایه گذاری در پرتغال تجدید نظر میکنند . برخی از کمپانیها چند ملیتی با وجود تضمینی که از طرف دولت پرتغال و شورای انقلاب بد آنها داده شد از کار و فعالیت دست کشیدند . معلوم است که بانکهای بین المللی مانند بانک عمران و توسعه که در خدمت منافع امپریالیسم اند با متوقف ساختن پرداخت قرضه ها و بیشتر کشیدن شرایط و تقاضاهای غیر قابل قبول مشکلات گوناگونی برای ما فراهم میکنند .

مشکلات گوناگون امروز با آنها روبرو هستیم تا حد زیادی معمول ساختار اقتصادی قدیمی است که از فاشیسم و اجتماع پرچان مانده است (۱) . کشور بدون پیروی از سیاست غذا انحصاری و ضد لائیتونی و بدون جلب زحمتکشان به اداره اقتصاد کشور قادر به حل معضلات اقتصاد خود نیست و باید تجدید ساختار اقتصاد در جریان گذار سوسیالیسم امروز منزله حکم و خواست زمان است .

بنا ۲۵ آوریل دیگر

دولت موقت بسرنامه گسترده ملی کردن را بمصوب رساند و شروع به انجام آن کرد . بررسی از سکتورها انستراژیک اقتصاد بسود صالح ملی از حوضه کنترل سرمایه بزرگ بدتر آورده میشود . این یک ضرورت حیاتی است . بر طرف ساختن خطا های رژیم ارتجاعی ، ایجاد اقتصاد ملی مستقل و تحکیم دموکراسی بدون انحلال قدرت اقتصادی انحصار غیر ممکن است . میدانم که در گذشته همین مالکان بزرگ صنایع و سرمایه داران کلان لائیتونیست ها در داخل کشور تکیه گاه عده بد پیکار توری فاشیستی را تشکیل میدادند . سر رشته تومله ها و وسایع شورشیان ارتجاعی هم که هدفشان احیای رژیم فاشیستی در پرتغال است همین انحصارها متصل میشود . ۱۳ بانک خصوصی که از بزرگترین بانک های کشور بودند تقریباً ۹۰٪ سهام سپرده ها را در اختیار داشتند ملی شد فاند ، بدین ترتیب بانک ملی که از قدرت اقتصاد خود بمنزله جنگ افزای سیاسی استفاده میکرد حاکمیت خود را از دست داده است . مثلاً بطوریکه از اسناد برمیآید " بانک اسپیریته سانتی را کومرسال د لیسبون " خارج بسیاری از گروه های سیاسی محافظه کار و راستگوارا که نزول اسپینولا میکوشید تا یک پانسیا در دستهای پرتغالی گذر فتنه کرد تا کند تا همین میگرد است . بدوست نزدیک او او ژورنیو و دیرکل حزب دموکراتیک مسیحی این بانک در فرجه ارسال چکی مبلغ ۲۲۵ هزار اسکلور و پرداخت کرد . این یکی از بانکهای کنونی های نقدی متعدد در پرتغال است که از کودتای ۱۱ مارس بود .

ملی کردن بانکها به دولت امکان میدهند اعتبارها را لازم را به صاحبکاران کوچک و متوسط گده بهتر از ۹۰٪ تا صاحبان بازرگانی را تشکیل میدهند و اگر آنگردد . رهبری کشور در نظر ندارد تصمیم اقتصاد کشور را ملی کند و با بانکهای شخصی مخالفت ندارد (بهمین سبب است که کمپانیهای خارجی و کمپانیهای مشترک با خارجی ها) که در حقیقت مقام قابل توجهی در دستکوبهای وابسته دارند (شامل ملی شدن نگرند پندت) . اگر سیاست جدید اعتباری دولت مرحله اجسرا در آید بد رستی عملی گردد یعنی از مساعلی مدلل میشود که یکک آن میتوان اقدامات ارتجاع را گسه هد ف از آنها ایجاد نا رضایی در قشرهای متوسط شهر و روستا است خنثی کرد .

۱ - از شورشیان طبیعی کشورها برگزامل استفاده نمیشود و میلیون نفر از افراد زحمتکش کشور ناگزیرند در خارج از کشور برای خود کار پیدا کنند . هزارها هکتار زمین بدون استفاده مانده است و نیاز کشور به ذرت تا در موسم مقدار لازم از طریق وارد کردن آن برآورده میشود . در کشورهای محصول سرانه ملی آن در سال ۱۹۷۲ فقط ۸۸۰ دلا فیرد ۲۲ کارخانه مونتاژ وجود دارد که در همانند مختلف اسپینول بیرون میدهند . متاسفانه تعداد این کارخانهها نمیتوان باز داده داد .

تمام کمپانیهای بیمه نیز با استثنای آنهایی که سهم سرمایه خارجی در آنها زیاد است، چه آورده موسسه تولید و توزیع نیروی برق، کارخانههای تصفیه سبزه برداری از نفت و اکوموسات نفوذ نفت مواد استخراجی از آن و صنایع توتین، سیان و سلولوز هم به تصرف دولت درآمده است. راههای آهن، دو کمپانی بزرگ کشتیرانی و صنایع ذوب فلز و کمپانی هواپیمایی تاپ (TAP) نیز زیر نظر وزارت دولت قرار گرفته اند. این یک اقدام تاریخی است. تا پیش از این اهمیت آن در زندگی کشور از طرف مطلقاً برهنگام بدست میزنند. یک ۲۵ آوریل دیگر "ارزهای گریه" -

حزب کمونیست در همین پیشانی از برنامه گسترده ملی کردن هند ابرامد هدف: بهادر نظر گرفتن اوضاع و احوال دشوار که در نتیجه اقدامات انحصارها پیش آمده، نباید منتظر نتایج شگرف و همچنان انگیزش مدت زمان کوتاهی بود. بسیاری از موسساتی که ملی شده اند از طرف صاحبان قبلشان بحال و رشکستی افتاده اند در بسیاری از موارد قروضی بهر آورده اند که برای پرداخت آنها زمان لازم است.

حزب کمونیست همچنین تاکید میکند که ملی کردن بخودی خود معضلات اقتصادی را حل نمیکند و همه چیز وابسته بدین است که ملی کردن را کی چگونه انجام دهد. اگر ملی کردن با اشتراک فعال کارگران در رهبری موسسات ملی شده توأم نباشد، درگروهبان عمیق اقتصادی و اجتماعی را که اوضاع و احوال کشور بدانها نیازمند است تأمین نخواهند کرد.

حزب کمونیست در ارزهای ملی کردن با حکام ثوری مارکسیستی - لنینیستی و تجربه تاریخی متکی است. اهمیت سیاسی عینی ملی کردن در این است که اصل مالکیت خصوصی را متزلزل میسازد. به همین سبب حزب کمونیست ملی کردن را نه فقط همانند یک تدبیر مشخص شد انحصاری بلکه مانند گامی در راه مبارزه ضد سرمایه داری بطور کلی و بمنزله مرحله مقدماتی در مبارزه بخساطر سوسیالیسم ارزیابی میکند. لنین به این نکته (در شرایط تاریخی دیگری) توجه داشت که نوشتن: "تدبیری از قبیل ملی کردن بانکها و انحصارهای سرمایه داران و ایجاد اقل برقراری بعد رنگ نذارت کارگری بر آنان" بدون قید و شرط باید قابل دفاع و در حد امکان از طریق انقلابی تحقق پذیرد (۱).

با تغییر وضعیت آبفانی حکومت بیشتر دولتی صنایع به بخش سوسیالیستی "زیر آساده شده" برای دولت جدید بدست خواهد شد. کمونیست های بریتانل حسابهای موضوع راهبوس دارند. همچنانکه آنها درک میکنند که موسسات ملی شده در دست دولت ضد موارثیک نفوذ دستیار انحصار های خصوصی را باقی میکند و به تبدیل شدن دولت به "انحصارگرده سته جمعی" که از همان شیوه های استعمارگرفری نظیر سرمایه خصوصی استفاده میکند، کمک نماید (از این لحاظ تسلسل بورژوازی - رفیوسیستی ملی کردن در انگلستان قابل توجه است). از این رو است که حزب کارگری را به شرکت فعال نه فقط در کوششهایی که برای افزایش بهره دهی موسسات ملی شده بعمل می آید، بلکه برای برقراری چنان مناسباتی در تولید و عوت میکند که امکان ایجاد نقضی در روند گذار بسوسیالیسم را برای زحمتکشان تأمین کند.

ملی کردن در زحمتکشان بریتانل حقوق تازه ای میدهد اما در همین حال و با اتفاق جدیدی هم به آنها محول میکند. اگر زحمتکشان علاقه فراوانی در کار این موسسات از خود نشان ندهند، اگر درک نکنند که سخن بر سر این است که تولید در آن رشته های اقتصاد را که از تسلط سرمایه بدگرده شده تا بهنگام تعلق گیرند باید به سطح عالیتری ارتقا دهند آنوقت نتایج لازم رانه در افزایش

۱ - لنین، مجموعه کامل آثار (به زبان روسی)، جلد ۳۱، ص ۱۶۸.

طرح تولید و بهره برداری بط زندگی زحمتکشان نمیتوان بست آورد.
نیرددرواه تولید

در یکی از آخرین شماره های بولتن جنبش نیروهای مسلح گفته میشود: "بیدارند، باید دست بکار و قدمها را با یکدیگر پیاده کرد". برای وقت با فتنه فزاینده تولید در رشته های اصلی صنایع و کشاورزی باید بهتر کار کرد. "نیرددرواه تولید" دارای اهمیت حیاتی فراوانی است. عمیق است. این برده بنظر مستقیم با مسائل بنیادین بررسی مربوط است که آیا دولت قادر است دیگر کمپانیهای لازم در ساختار را بدون اخلال جدی در جریان تولید عملی کند یا خیر. شکست در این نیردمعنی شکست در نیرد اساسی در زمینه های اقتصادی و سیاسی است.

وظیفه انقلابی نوع اتحاد مهم جلب زحمتکشان به شرکت فعال در رهبری و اداره امور موسسات یعنی ملی شده با "نیرددرواه تولید" ارتباط دارد. این وظیفه کاملاً روشن است زیرا جنبش و تحریر یعنی کارگران را خود در پیادای وابسته به خناسیت تازه آنان بکار خود را و احوال جدید است.

مسئله شرکت در اداره امور ارتباط بسیار با مسئله حاکمیت دارد. سوسیالیسم با انتقاد ساده مالکیت بر وسائل تولید را مالکان خصوصی به دولت بخت نمی دهد. لنین نوشت: "بدون تصرف مالکها بدون لایق مالکیت خصوصی بر وسائل تولید به سرمایه داری نمیتوان غلبه کرد. اما بدون سازمان دادن اداره امور بر وسائل تولیدی که از بورژوازی گرفته شده به عیوه دموکراتیک و توسط تمام مردم و بدون جلب توجه های زحمتکشان و بیرولتا و نیمه بیرولتسرها و دهقانان خرده با به سازمان دادن حقوق عویس و نیروهای عویس و بدون شرکت آنها در دولت بطرز دموکراتیک این تدابیر انقلابی را نمیتوان عملی کرد" (۲).

حزب ما برای برقراری نظارت کارگران بر تولید بمنزله تدبیر مقدمه نیرددرواه جدید سازمان کامل تولید در جهت تولید سوسیالیستی اهمیت فراوانی قائل است. همانطور که لنین با رها تا که کرده است مبارزه در راه برقراری نظارت کارگران و تحقق آن بکارگران تجسیر به فعالیت اقتصادی میآموزده است کار رتوده های زحمتکشان را افزایش میدهد. با لافتن در "سایا آنها کمک میکند و توأم با دیگر اشکال و شیوه های مبارزه لیبقاتی آنان را به وظیفه بنیادین سو سازی انقلابی یعنی ساختمان سوسیالیسم نزدیک میکند.

مسرکرواحندندیکانی "انترسندیکال" و کمسیون های زحمتکشان نقش مهمی در انجام برنامه اقتصادی دولت ایفا میکنند. نظارت کارگران بر تولید و مصرف محصولات در موسسات همبازر برهمنظر کارگران اقتصادی همبازر در راه بالابردن با رضی کار و کمک در تجدید سازمان مناسب به برپا به ملی کردن آنها تنها برخی از اجزای فعالیت "انترسندیکال" است که ۲۲۷ اتحادیه کارگری در ۸۰۰۰۰ میلیون نفر را در صفوف خود متشکل کرده متحصص است.

در عرصه اصلاحات ارضی هم کامپانی نخستین برداشته شده است. طبق قانون درجسوب کشور ارضی مالکان بزرگ، بیعزان بیش از ۵۰ هکتار برای زمین های آب و بیس از ۵۰۰ هکتار برای زمین های دیبمی مسافره خواهند شد.

با پیرتیمب در حدود ۱۰ میلیون هکتار اراضی مسافره شده با اختیار تا و نه های روستایی و کارگران روستاها و همچنین با اختیار بعضی های کشاورزی دولتی گذاشته میشود. در همت مناقشه کمپور که در آنها مالکیت بزرگ را ارضی حاکم است "نوراهای و مناقه ای اصلاحات ارضی" برای

۱ - لنین، مجموعه کامل آثار (به زبان روسی)، جلد ۳۰، ص ۶۱.

رهبری روندنوسازی کما ووزی در نقاط مختلف ایجا دمیگر کرد. در ترکیب این عواریا نما پندگان
انحصارها بی خریدن مالکان و مالکان متوسط و خردی که کارگران کما ووزی هر منطقه و نما پندگان
جنین نیروهای مسلح ویرغی ازوزارتخانه ها ی کفورداخل میفونند.

درصالح کفوردکه اوضاع وشرایط آن باجنوب فری میگردنفلاندا بیبری که بتوان آنسرا
اصلاحات رضی نامیدانجام نخواهدافت. ولی دراینجا نیزسیستم اجاره بها وکمک بهحقانان
خرده یا متوسط بدون عك ازطرف حقانان باحسن استقبال فراوان روبروخواهندند.

نما بیبراعلام عده ازطرف دولت موقت دورنمای واقعی تجدیدساختن عمیق جا همه ما
باروح دموکراتیک را نما یا نمیکنند. و اسکوتوسا لوهی نیستوزیر درسخرانی را دیوشودوگفت:
"اقدامات دولت موقت وهورای انقلاب بروضی نشان میدهدکه ما میخواهیم انقلابمان را درجه
چهارمی پیشرفت دهیم. ما میخواهیم دموکراسی را دربرترقال آ. خوارازیم ویا پشت سرنهادن
مرحله گذاریموسبالیسم که ساختن آن هدف غایی ما است یعنی رومیم."

موضع حزب روشنی است ومانندهمیشه بااطلاعه همه زحمتکشان رسانده عده است. بلیقیه
کارگرای بدتوانی خودرا برای اداره کردن موسسات بزور باثبات رساندو تولیدسودآور کند.
بایدنزد کمترین مدت سطح کنونی تولیدرا با لایبرترتاد موسسات دولتی نه فقط ضرورت کندبلکه
نفعان آنقدر زیاد عده از آن بتوان برای سرمایه رها ذخایرهای تازه ویا لایبرتن سلج زندگسی
زحمتکشان استفاده کرده دربارها اراضی مسانویه عده ای هم که با اختیار وحقانان گذاشته عده
همین را میتوان گفت. کاری را که لایتیون دستها ازعهده آنها می برنهادند (تا همین سطح
لازم تولید کما ووزی) بحقانان یا پندانجام نهند.

مبارزه با آن نخلک هدیود

هوهو زندگی که طی اعصار و قرون بدید آمده بیضی چمان همگان درهم فرو میریزد. این
دگرگونی با مبارزه ای نشو وریودیدهمیراه است.

زحمتکشان اداره موسسات را بنسب خود میگیرند. زحمتکشان کارخانه تهیه فلز م. ا. ف
درصحرای لورکا و کارگران کارخانه عیشه سازی "کونیا" از نخستین افرادی بودند که بر تولید
فروهری فرآورده های کارخانه نظر ت برقرار کردند. کارگران کفتی سازی "لهرناوه"
(تزدیک به ۸ هزار نفر) رهبری اتحادیه خودمستقیم گرفتند ترا کتورها را برای انعقاد نمان
بظور رایگان و بیزار ساعات کار تعمیر میکنند. زحمتکشان چهار کارخانه تولید بسته بندیهای
فلزی گروه "ارمینی" مدبران سرمایه دار را که میگویند: کارخانه ها را هر لورده همه
و رشتیکه بکفا نند بیرون ریزند. خرا بی رهایی آنها کار را بجای می رانند که کسریود موسسه
به ۵۰ میلیون اسکودر رسید و تولیدات نصف میزان معمولی کاه یافت. حال اوضاع روم بیهودی
است. به تعداد فاکت های که گواهی میدهد زحمتکشان و در درجه اول بلیقه کارگزارانند
دگرگونیهای زرفا انقلابی را در اقتصاد دست خود انجام نهند. افزوده میگردد. ما در این جریان
جلوه انزوی انقلابی را می بینیم که توده های مردم طی زمان تزدیک به یکسال پیشرفت
دموکراتیک گرد آورده اند.

دولت سردم همدا رهنه عده مبارزه سهل و آسان نخواهد بود همگان با پدیداری برعسسی
صعوبت های بی ادماه با عتد. یا بدیهت و زیتر کارگزاران قدرت تولید را کنترال استفاده عود.
دولت در همین حال برای کاستن از بارها و رهایی از اقتصاد که بدون زحمتکشان است کارهسای
زیادی انجام میدهد و هدف این است که قبل از همه زحمتکشان متحمل این مغایر عودند.

اقل ششصد مردم زحمتکشان بلافاصله برای ۲۵ آوریل ۳۳۰۰ اسکودو تعیین گردید. این نسبتها
مبلغ مختصری است ولی برای بعضی از نسیمی از کارگران برترقال یعنی صد مرد تا فرای ندر آمد
درصاقیسه باستمنزنا چیز گفته بود. همین چندی بیی حد اقل ششصد تا ۴ هزار اسکودو بسا
سوده عده علاوه بر این مدت کار در هفت دراکتورما ردا ۴۵ ساعت تقلیل یافته مدت مرخصی
تا ۱۲ روز که حد اقل است. افزای نده عده است. با وجود مشکلات اقتصادی که کشور با آن رها
روبروست مبلغ مهمی برای ساختمان نسکن اهاالی اختصاص داده عده است. بمنظور ایجا نسیمت
رفاه اجتماعی که در گذشته عملا در کشور وجود نداشت اقداماتی صورت گرفته است.

فاجیست ها از شه نا گویای برای ما ایجا گذارند. ما فقیرترین کشور اروپا هستیم.
زحمتکشان کشور ما حق دارند بییها از آنچه دارند بخواهند و طبقه ای که در برابر ما است این است
که راهی برای برآوردن خواستهای عادلانه آنها بیاییم. لنین نوع نما یل هر فرد معمولی از
چرخه زحمتکشان وتوده های استعمار شوند. با اینکه همیسی تازه کنده قدر است نما بده چرمی زند
و آنچه را از نعم مادی که در دسترس است واستعمال کنندگان سرنگون عده بدون نمدا دند برآورده
قابل درک است. این نیز قاطعاً فهم است که تا فردی از افراد ما ای ندهن خود بیبند. نه فقط
مقتاعد در دلد کمس کنده که نمیخود بهیمن سادگی "برداخت" و جای بدو تصاحب کرده زیرا این
شیوه بدعتدی بر خرابی ونا بودی می انجامد. زما یعنی لازم است ۱۰۰۰ (۱) از این روستا که
حزب میگوید: تشدید منوهی شکل مبارزه و سعی در دادن زن به موج گسترده ای را اعتصاب
های که در اوضاع کنونی نه بر علیه اربابان منه برشدارتجا بلکه بر علیه تدا بیور ترنسی
خواهانه و بر ضد نیروهای دموکراتیک و بر علیه دولت موقت و جنین نیروهای مسلح است. نه بسوی
زحمتکشان ونه بسوی روسه دگرگونیهای اجتماعی خواهد بود. رفیق کونیا ل تریکی زسخرانهای
خود تا کهدر که "بختیجانی از خواستهای مربوط به افزای بی ستمزده اقتصاد نامیستوانند
فرآورده ساز و بیا تقاضای کاهن هفت کار را ۳۵ ساعت تمام اینها ممکن است بتواند بنسبت
آوردن آرا. بیشتر کمک کند ولی با توجه به وضع اقتصاد کشور با نفا عه عوا مقر بیی است و میتواند
به تا بودی ما انجامد" (۲).

کمونیست ها با اینکه اعتصاب را سلاح ضروری ویی نظیر زحمتکشان میدانند نمیتوانند استفاد
از آنرا در اوضاع کنونی جا بزینما رند مگر اینکه از تمام رسانان دیگر استفاده عده یا بدو اعتصاب
براستی بسوز زحمتکشان با عده آنرا از اینکه این مطلب را آشکارا بیان کنند بیی ندرند. اگر چه
میدانند که میتواند دموکراسی استفاده کمانی فرار بگیرد که بنام نیازهای زحمتکشان زندوبند
میکنند. عوارضی ظاهر فریب ولی از لحاظ ماهیت زمان بعضی بیی میکنند و با توجه به منافع
سیاسی امروزه و مصالح نهایی مردم و کشور را زهیت میکنند رند.

هنگام تشریح حوادثی که در کشور ما میگذرد در مطبوعات برترقال و کشورهای خارجی اغلب به
تجربه غیبی اتخا نمیکند. حزب کمونیست بر این عقیده است که انقلاب برترقال که در راه سلط
و ویژه ای جریان دارد باید در جستجوی راه حلها و ویژه ای باشد و چنین راه حلها را بیابند
ولی در همین حال باید تجربه دیگران را نیز در نظر داشت و از آنها درس گرفت. تجربه عسسی
برای ما کمونیست های برترقال در درجه اول همانند یادوری این نکته مهم است که بلیقیست
رویزوال و ناپلیا نه حاکمیت را بکسی واگذار نمیکنند و بگفته لنین "آنها" با انزوی به برابر

۱ - لنین مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) جلد ۳۶ ص ۲۰۱
۲ - روزنامه "لوموند" ۲۹ مه ۱۹۷۵

بمقتربا هنوز موسی سیمان و بیاتنفری که صدبار با فرا پی یافته برای بازگرداندن « بهت » از دست رفته می جنگند... (۱) • این تجربه از لحاظ دیگر نیز آموزنده است : از لحاظ اینکه طبقه کارگر و مردم اداره امور کشور را بنسبت میگردند تعالیه آنها در برهه اقتصاد دیرای موقت سیاست آنها اهمیت قاطع پیدا میکنند

خود بود یکی انقلاب ما برخلاف قبلی عبارت از این است که خود ارتش در آن نقش اصلی را ایفا میکند و جنبش انقلابی درون ارتش آنرا همراهی میکند. در تمام رفته های زندگی سیاسی کشور و جنبش و تحول روی میدهد. ماهیت این تحول درون جنبش نیروهای مسلح این است که هنگامیکه عناصر مرتجع و محافظه کار ارتش می دانند از دموکراتیزه کردن کشور جلوگیری کنند و با تسبیح اصلاحات اقتصادی و اجتماعی گردنده هنگامیکه این عناصر میاروند انقلابی مخالفت میورزیدند و میگویند بدیه جنبش انقلابی نیروهای مسلح و جنبش کارگری و حزب کمونیست ضربه وارد کنند افسران مترقی بر آنان چهره شدند. سرکوب این عناصر و جنبش کردن اقدامات ارتش باقی مان در ۲۸ سپتامبر ۱۹۲۶ و ۱۱ مارس سال جاری اسکا تا تازه ای برای جنبش نیروهای مسلح بوجود آوردند آن مکان نداشتند بهر حال تری اتحاد کنند.

یکی دیگر از ویژگیهای انقلاب برتقال هم این است که نظامیان مترقی نه تنها خود را از مردم جدا نمیدانند بلکه بقول نخست وزیر جنبش نیروهای مسلح را بمنزله « اتحاد نظامی» طبقه کارگر و قشرهای ضعیف و خدایان میفیندند ما « میداندند » جنبش نیروهای مسلح نیروی محرک و مان انقلاب ما است... یا بیای تحکیم اقتصاد و تولید ما انقلابیان را مستحکم میکنیم • بسا استحکام تمام نیروهای انقلابی متوقف ساختن بروسه انقلابی روز بروز برای ارتجاع دشوارتر میشود »

جنبش نیروهای مسلح یا را تا کنون کرده است که هدفش بهیچوجه دیکتاتور نیست و مضمون است یکمکه همه نیروهای مترقی بروسه انقلابی را تضمین نماید. کونوا او پس به روزنامه آمریکائی « تایم » گفت : « مین بستی ما دلیل رسیدن ما به حکومت است • ما میدانیم که اگر کمالیه سرپا زانند ما بازگردیم احزاب بخودی خود نخواهند توانست کشور را بسوی ترقی سوق دهند • ما امیدواریم که پس از ۲ تا ۵ سال اوضاع جنبش کند و در آنتهاگام مردم برتقال دیگر آنطور که حالا بمانها زمانند ما محتاجی بماننداشتند » (۲)

حزب کمونیست همواره اتحاد میان جنبش خلق و جنبش نیروهای مسلح را عامل ضروری و قاطع ایجاد رژیم دموکراتیک و مهمترین ضامن بهصرفت بروسه انقلابی بشمار آورده و بشمار میآورد • حزب در این اصل لدینی متکی است که بیروزی انقلاب خلق و تحکیم آن بدون ارتش که از جهت مکان طرفداری کند عیقا بل تصور است • حزب در همین حال تا کنون میگوید که هیچ چیزی بدون حرکت حزب کمونیست در بیرونی کشور ما به پیش نمیتواند تحقق یابد • کما اینکه میگویند حزب کمونیست را متفرد کنند با این نظر مواجه اند که عاقبت خود متفرد گردیده چنانکه رهبری را دستگاری از حزب سوسیالیست هم بجنبش وضعی نجا رفته است • قشرهای انبوه مردم برتقال به حزب کمونیست برتقال اطمینان دارند و در آنتهاگام که چه نقش مهمی در ساختمان برتقال نویسنده دارد • تمام راهی که حزب ما همواره بهیچوجه نشان میدهد که کمونیست ها بهترینترین و قاطع ترین مدافعان آزادی و دموکراسی اند •

۱ - لندن • مجموعه کامل آثار (بزبان روسی) • جلد ۲۷ • ص ۲۲۴ •
۲ - « تایم » ۵ مه ۱۹۲۶ • ص ۲ •

جنبش بودند که میکه کموز برچکمه های فاعیتها میآید • پس از سرنگونی دیکتاتوریه هم هروقت که ارتجاع کومیده است هرچ تا ریخ را بعقب برگرداند خواه ۲۸ سپتامبر یا ۱۱ مارس حزب کمونیست بهیچا همی نیروهای قرار داشت که بدفاع از دموکراسی و ستاوردن انقلاب بپا خاسته بودند •

حزب ما تضمین جدی قاطع نا در در راه سازندگی برتقال دموکراتیک و سوسیا لیستی کسه اصلاحات زرف اقتصاد و اجتماع را با گسترده ترین آزادیها بهم بهیچوجه و بطور سختگرنابند میارزه کند •



گرایش در جهت تغییر و تحول در فیلین

نرا تمسکو بالاکتاس

عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست
فیلیپین

در اکتبر سال ۱۹۷۲ یعنی دو سال و اندی پس از آنکه در فیلیپین حکومت نظامی برقرار
 شد و جنبش‌های جمعی و توده‌ای که حزب کمونیست رهبری می‌کردند غن‌گردید و رهبران آنها
 با زداخت‌شدن و رژیم دیکتاتور ناچار شدند سیاست خود را نسبت به کمونیست‌ها تغییر دهند.
 رهبران جنبش مخفی کمونیستی در پاسخ به بیانیه پوزیدنت ماکروس که برای تجهیز نیرو
 های کشور و مردم بخاطر حل مشکلات اجتماعی - اقتصادی و سیاسی همه را بوجدت ملی دعوت
 میکرد در این دولت ملاقات کردند. در نتیجه این ملاقات دربار و یک سلسله از مسائل مهم
 توافق حاصل گردید. عضو عمومی بدون قید و شرط اعلام گردید و زندانیان سیاسی آزاد
 اندوختنی‌های توده‌ای ملی شده است. حزب کمونیست فیلیپین که از هنگام تأسیس خود
 (در سال ۱۹۳۰) کمتر از ۸ سال فعالیت عینی داشته و کار مخفی‌ها با آن دو عملی‌شد (۱).
 در نتیجه ۵۰ هزار نفری روستانیان که کمونیست‌ها تشکیل دادند رهبران حزب کمونیست
 فیلیپین و دبیرکل کمیته مرکزی فلی‌پی هم‌ما کا یا گان سخنران‌های کردند. پوزیدنت ماکروس
 هم خطاب به شرکت کنندگان در نتیجه تظیف ایران کرد و اعلام داشت که دستور داده است
 و انجام اصلاحات ارضی که اقدام سیاسی مهمی در شرایط فیلیپین است تسریع کنند (۲).
 رژیم در سال‌های اخیر در راه به‌شرف همکاری مفید با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای
 سوسیالیستی گام‌هایی برداشته است. تماس‌های فیلیپین با کشورهای غیرمتهم آسیا و
 اروپا هم منظم تر می‌شود. این تغییرات در نتیجه چیست؟ کمونیست‌ها با ارزیابی این
 اوضاع می‌گویند زمانه کردن مسائل ففاتی و نهضی واحسانت بهی از اندازه بر میزند.
 آنان با پیروی از یک تاکتیک قابل انعطاف، آمادگی خود را برای استفاده از امکان‌هایی که موقع
 تازه بوجود آمده نشان می‌دهند و ولی معاطرات موجود در راه فراموش نمی‌کنند.
 هنگام ارزیابی اوضاع کنونی حزب کمونیست در مواضع اصولی خود باقی است و بر عوارض
 لبقاتی را که امکان‌پذیر می‌شود به اهمیت تغییرات کنونی بی‌بیر در آنها می‌اندیشد.
 این تغییرات تحت تأثیر یک سلسله عوامل داخلی و خارجی که حثت تحول دیکتاتوری را
 تمهین می‌کنند بوجود آمده است.

با به احتیاطی رژیم که در درجه اول از طبقات استثنای رگرت تشکیل می‌گردد مانند گفته
 بسا ربا استوار است. اگرچه سرمایه داران محلی از رژیم پشتیبانی می‌کنند اما همگان در
 این پشتیبانی بهیچوجه ثابت قدم نیستند و ترجیح می‌دهند که در انتظار وقایع آینده بمانند.
 دولت اینک حتی تمایل و علاقه آنفخته از بورژوازی را که تا همین چندین ماه پیش با عوروشوق آنرا
 مستودند زینت می‌دهند. آنها بویژه از تصمیم ماکروس برای انجام اصلاحات ارضی را در یکسال
 با بر تغییرات و تحولات و افزای هم‌کاری با کشورهای سوسیالیستی نگران‌اند.

مزدگروه هفت‌حاکمه نیز یکسخت و یکبارجه نیست. جناح چپ آنرا بورژوازی اصلاح
 طلبی که با سرمایه انحصاری خارجی وابستگی ندارد تشکیل می‌دهد و جناح راست را فاسیل
 هوا دارانصا رها که در این دسته بندی فعلی اکثریت دارند. گروه میانه (مرکز) هم که
 نمایندگان بی‌با با بی‌زنی کلان‌ها را جری ارتباطی ندارد و با افزایش مشارکت آنان ناراضی‌اند
 به نعل و به میخ می‌زنند. این گروه مرکز بین جناح‌های چپ و راست بورژوازی و میان طبقه حاکمه
 بنلورگلی و توده‌های زحمتکشی مناسبت در میان است. ولی گروه مرکز در تمام مسائل مربوط به
 مناسبات میان کار و سرمایه و هنگامیکه جنبش کارگری و جناح چپ بورژوازی ضعیف است و
 گرایش برای است دارد. مشکل اساسی اتحاد میان طرفداران دگرگونی‌های عمیق شرقی و نیروهای
 مرکز برای غنشی کردن مرتجعین نیز در همین است.
 وجود این سه‌گروه چشمگیری خارج از دستگاه حاکمه هم از "چپ" و هم از راست وضع رژیم
 را نشوایر نمی‌کنند.

الیکارهی مالکان که میر از سال ۱۹۷۲ از حاکمیت عقب‌رانده شده است نسبت به دیکتاتوری
 توری جنب‌تعرض آمیخته‌تری دارد. مخفی‌سختی آن یعنی دستگاه هیاراضی کاتولیک‌ها هم از مارکو
 پشتیبانی نمی‌کند. روحانیون و اصلاحات ارضی و تهدید دولت با اینکه از مدار رس‌خصوصی کاتولیک
 ها با الهات خواهد گرفت بویژه هراسان‌ساخت.
 بخش عمیقی از بورژوازی محلی بدین نظر می‌نگردد که با حاکمیت "ست نیرومند" ساخته
 است. ولی عملاً اینها قیل خود را برای وارد ساختن ضربه متقابل بدولت فعلی آماده می‌کنند.
 با تئوسیت‌های فیلیپین که موفق بدیولت‌اند اعلام حکومت نظامی شده اند و بنظر تصور
 می‌کنند که در اوضاع واحوال جدید نیر آنها برای مبارزه مسلحانه افزای خواهد داشت. مسی
 کوهن‌جیبه مخالفان رژیم را بوجود آوردند (۱). آنان آماده اند با ارتجاعی‌ترین نیروهای
 فئودالی و امپریالیستی متحد گردند. ما تئوسیت‌ها همچنین سعی دارند میان سازمان‌های کاتولیک
 ها مسلطان و بغیره بسودمی خود یعنی سرگون ساختن رژیم از طریق مبارزه مسلحانه به تبلیغ
 و فعالیت بپردازند.

کمیجان دروچا لیون جوان فیلیپین که قرض‌بهرن کلیسیا کاتولیک را تشکیل می‌دهند در
 مواضع خندولتی قرار دارند. بسیاری از آنها به خانواده‌های زحمتکشان تعلق دارند و خواهات
 ها و آرزوها هم‌هم را درک می‌کنند. در همین حال بی‌تجربگی و گرایش به اقدامات ماجراجویانه
 از خصوصیات جوانان کاتولیک است. با آنکه با رژیم مخالفتم‌پوزند. بی‌اعتنای روحانیون

۱ - رجوع کنید به ف. بالاکتاس و ما تئوسیت‌ها در فیلیپین، مجله "مسائل فلسطین و
 سوسیالیسم" شماره ۶ سال ۱۹۷۳.

۱. ارتجاعی که خود بر علیه آنها مبارزه میکنند در یک صف قرار گرفته اند.

بسی ثباتی در دولتی بیوزروازی و اقدامات مغالغان و از جمله عواصم بازگشت به نظام پارلمانی نظام بیوزرواشی و محدودیت با به اجتماع می رژیم پارلمانی دولت را و ادبیرا چه بر سر می کند. دولت در مقابل بقیه ثباتی در نظامی است که در تمام و با رانگا بیگا (۱) و متعده اند و میگویند تا از حمایت کارگران یعنی اتحادی مرکز خود اتحاد بدینها بیگارگری که سندیگهای رشته های مختلف را متحد میکند و بیست و نولت آنها در گذشته برخوردار بود. رژیم پارلمانی از این سیاست قدر نیست بیضا هند؛ توده های و زمینکن یعنی حزب کمونیست را که به اکثریت رسید کمترین وجهی برارده آنها را متمسک میکند بیضا و در. اینک به کمونیست ها اجازه داده شده است در زمانهایی که تحت نظارت دولت است فعالیت کنند اگرچه بعلمت وجود کمونیست نظامی این فعالیت با محدودیت هائی توأم است.

رژیم مجبور است برخوردار قبلی بود را نسبت به یک سلسله از بدتر مسائل حاصلات داخلی و در درجه اول نسبت به معضل اقلیت مسلمان جنوب که عواصم را خود مختاری است تغییر دهد. دولت پراکز کوششی را تا فرجامی بر میسرکوب قبضی مسلطان با نیروی مسلحه اینک از مضمی حل و فصل سیاسی این مسئله پیروی میکند و بر عین ارضای مسلمانان را بر آورده کرده است (۲). مسلمانان فیلیپین حل در ندرت به ستم های آزار دهنده اوست بر افتخار عویش بیاند زهری نه استیصال رگران آنها ثباتی نه امریکائی ونه ژاپنی موفق نشدند آنها را برانور بر آورده دولت در مقابل خود نایب است خواهشهای مردم مسلمان و اختلاف آنها را به بیطرف آزار و دستگیری فرهنگ ویژه عویش بیضا آورده در ضمن برنامه های ویژه ای برای مبارزه با عقب ماندگی مرحله اجرا نرا آورده آنها در انصورت است که مناسبات دوستی و همکاری میان فیلیپینیهای و مسلمانان با برادران کاتولیکان برقرار میشود. با این هدف بر پایه وحدت ملی دموکراتیک میتوا رسیده و جدیتی نه بر اساس زور بلکه بر پایه اعتقاد به ضرورت وحدت ملی اتحاد مسلمانان و مسیحیان در چهارچوب یک کشور واحد وجود چنین وحدتی میتواست عامل مهمی بمنظور غلبه بر گرایشها و نظریات تجزیه طلبانه ای باشد که در میان افراد دوعنا مرا فراطلی جنبی مسلمانان وجود دارد.

عوامل خارجی در تشکیل مضمی سیاسی رژیم مارکوس تا امروز با دینی معده. بحران جهانی است اقتصاد نسرا به داری که برزرفای آن افزوده میشود درس عبرت آموخته داده است. مدت ها قبل فیلیپین مدتی معزول بود اما زمانی که رسواییها در میان برادران فراری حکومت کلمه فیلیپین معجزه اقتصاد بود و بوقوع می پیوندد و چنین معجزه ای در صورت استوار ارتباط نظامی با آمریکا معجزه اقتصاد بود و بوقوع می پیوندد و چنین معجزه ای در صورت استوار ارتباط بسیار نزدیک رژیم با سرمایه انحصاری خارجی امکان پذیر میگرد. گروهی از فرمان رژیم در ژوئن ۱۹۷۴ آمریکا بر سر و صفا دربارها و نایب برارز روسی. خصوص سرانه ملی و سرعت رشد

۱ - بارانگای - جلسه اهالی در نقاط مسکونی که با بتکار دولت در نواحی مختلف شهرها و روستاها ایجاد کرده شده است. هنگام انجام همه بررسی و دیگر اقدامات جمعی از طرف دولت برای تجهیز مردم مورد استفاده قرار میگیرد.

۲ - در آوریل سال ۱۹۷۰ میان برز پدنت مارکوس و رهبران گروهی اعیان کننده جزایر سولو و مهندانا و ملاقاتی انجام گرفت که طی آن تصمیم گرفته شد تا بنندگان اقلیت مسلمان در پست های حاکمات محلی منصوب شوند و مسلمانان را هم به صفوف نیروهای مسلح فیلیپین داخل کنند و برای بیطرفت جزیره مهندانا تا او بونده اختصاصی دهند.

در آمد ملی سرانه و افزایش صادرات تا حدی که امکان داد برای نخستین بار تجارت خارجی ملی ده سال اخیر به ثبات مثبتی را نشان داده است.

ولی تشدید بحران جهانی اقتصاد نسرا به داری و بی ثباتیهای سیاسی و اجتماعی در کشورها سرمایه داری نشان داد که ارتقا به سرمایه انحصاری بین المللی تا به اندازه قابل اطمینان است. در زمان سال ۱۹۷۴ فیلیپین از سرعت و شتاب بی حدت داشته عدو این رشد با مقایسه با ۱۲ سال ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۴ به ۳۳ رسید. یک سلسله از رشته های اقتصاد دکتورا اینک در حال رکود و منزلت است. تورم افزایش یافته و قیمت ها به شدت بالا رفته است. حتی مسائل رسمی نیز مجبورند به وخامت وضع اقتصاد دکتور بعلمت بحران انرژی اعتراف کنند. همه اینها گواه بر بی ثباتی نسبی کوششهای است که برای از میان بردن معضلات حاصل اجتماعی و اقتصاد از طریق اتحاد با انصار های امریکائی و در درجه اول انصارهای امریکائی و ژاپنی بعمل می آید. این نکته گویائی است که برز پدنت مارکوس در سخنرانی خود در بنامیت دومین سال برقراری حکومت نظامی (سپتامبر سال ۱۹۷۴) حتی یک کلمه هم از "معجزه اقتصادی" که چند ماه پیش از آن در باره او نقل شد سر و صفا راه انداخته بودند بر زبان نیاورد. بعکس این سخنرانی گواه آنست که رژیم ناچار شده است واقع بینانه تر به حل نوارهای موجود برخوردار کند و اینک میگوید بیضا زهرچیز به نیروها و منابع داخلی توجه کند.

موقعیت های کشورهای جامعه کشورهای اسیا لیستی در مقابل سرمایه بحران و بی ثباتیهای سیستم سرمایه داری و نایب نیر خواص می بخند. همکاری با کشورهای در حال رفعا ل مسائل گسترش می یابد و این امر بنویس خود دیکتورهای اخیر امکان میدهد استقلال ملی عویش را استحکام بخشد و از مضمی بیطرفت مستقلی پیروی کنند. البته ایست که حاصل خاکمه و طرفداران دیکتاتوری و از جمله قدرت دکتورکراتها تمام این نکات را در مدنظر دارند.

سیاست ضد امپریالیستی کشورهای در حال رفعا که ما لکیت خود را بر مبنای بیعی کهور احیا میکنند و برای تضمین وابستگی سیاسی و اقتصاد ای از سرمایه داری و شرکتهای چندملتی در عرصه بین المللی نسبت با اقدامات جمعی نیز نند در مقابل خاکمه تا شهر می معده. سیاست خارجی فعال این کشورها به استوار ای انبیرها فیلیپین کمک میکند که از مسگیری مستقل دفاع میکنند. در این جرگه هم اصلاح طلبان بیوزرواشی وهم دموکرتها ی انقلابی دیده میشود.

بالاخره بیوزرواشی چندی بهیض مردم ویتنام و همچنین برستان کامبوچ نیز در شمار رویدادهائی است که اهمیت فراوان دارند. این بیوزرواشی بوسیله تحول عظیمی در منطقه کامبوچ و نیروهای آزادی ملی و ترهی وصلح بود. کشورهای عضو جمع کشورهای آسیا و جنوب شرقی که فیلیپین هم جزو آنان است در ماه آوریل سال ۱۹۷۴ تصمیم گرفتند دولت کامبوچ آزاد را برسمیت بشناسند. در زمینه رویدادهای هندوچین اطلاع داده شد که مارکوس با مشاوران خود مسئله تجدید نظر در قراردادها را با ایالات متحده امریکائی مورد مذاکره قرار داد و حتی مسئله الهای آنها را نیز بررسی کرده است. دولت فیلیپین از ایالات متحده امریکائی میخواهد در باره آن بنده این قراردادها و از جمله دربارها و نایب برارز روسی. خصوص سرانه ملی و سرعت رشد بپردازد.

بدین ترتیب جریان عینی بر سه های درون کشور عرصه بین المللی دیکتاتوری مبرو طبقه نیم بند در صورت های بیوزرواشی را که در خدمت آنها و در مکنند اینک نسبت با گذشته از بیطرفت مستقل تری طرفدار ای کنند و در عین حفظ ستمگری سرمایه داری از سیاست ارتقا به نیروها و منابع عویش دم زنند. اگرچه ای بیعی هنوز بعمتی گسستن فیلیپین از انحصارهای چندملتی نیست

امتناع و دوری چنین ازیست لرنرداری کورکورانه از امریکا که تا جنسالی بعضی از آن بیسروی
میگذشتی میگذشت

کمیونست های فلهلیپین با گسترش فعالیت خود میان توده ها به بنرینجا میباشند که از شیبده
ارواغ جدید است تجربه دارند و محدودیت های موجود را بحساب میآورند. تصمیم ط داکتر بیسرو
صرف نظر کردن از مبارزه مسلحانه بسود مبارزه سیاسی دارای خصلت اصولی میباشی است. غمخس
کنگره حزب کمیونست فلهلیپین (فوریه سال ۱۹۷۲) که در امرای کار مخفی تشکیل گردید کمیونست
ها را دعوت به مبارزه در راه علقی عدن حزب کرد و می بیسروی ازیست اتحاد الحقیقتی را که تحکیم
و وحدت لبقه ارگه اتحاد انان با تحفظ انان و محافظت و مومکرات و همه میهن بر تان از آن مستفاد
میکردند بزرگید. این پیشی بر علیه استعمار و بیوز وازی و مملکان و ستم انحصارهای خارجی است.

حزب که بر علیه سیاست ضد ملی و منطقه ای سلطه امپریالیسم و سیاست ثابت نگذاشتن
سنتها و محدود ساختن فعالیت اتحادیه های کارگری و دیگر اقدامات ضد مومکراتیک مبارزه می
کند بیلور قاطع ازیست و به عرا تادیه غیر اصولی وفا قد بر تانامه مثبت ویا توتنه بر علیه
عضویت های مختلف و نظیر بلوک مخالفان مارکوس که راستگرایان و چپ روهای و افراطی در آن گرد
آمده اند بر هم میزند. کمیونست هان نقطه اقدامات ماجراجویانه و سنگتراشتی و شوخی طلبی
توتنه جیتی و انقلابگری ماجراجویانه ترورستی را افشا میکنند بلکه آشتی پذیر یونوا
با نسل بلقیاتی آگرا رایان کرده و تسلیم طلبی و میانی سازگار نیست به بلقیات استعمارگر
را محکوم میکنند. در بر تانامه حزب کمیونست فلهلیپین که در ششمین کنگره آن بتصویب رسیده گفته
میشود که اعضای حزب باید همیشه بر اوقا بله یا مساعی که بقصد اوادختن مردم به انحراف از طریق
تحول و دیگر سازی انقلابی مسالمت آمیز جامعه مابعمل میاید آماده باشند. این وظیفه امروزه
که حزب کمیونست اروضع غیر علنی را چ کرده بده بقوت خود باقی است.

پسها هند لبقه کارگری فلهلیپین بیلور بیگیا رفتا میبری که با سدگویی منافع توده ها اسب
بقتیانی میکند. اصلاحات ارضی و اقداماتی که بمنظور ایجاد منتقل بعمل میاید روض مستقل فر
در عرصه بین المللی و در درجه اول گسترش روابط و همکار و هموند برای طرفین با کفوحوسای
سوسیالیستی و غیر متعهد ارجله این ندا میراست. اینک وظیفه بخصوص بیسروی در وقت بل کمیونست
ها قرار گرفته است. آنها باید مبارت و تمام و کمال از امکاناتی که برای تحکیم روابط خود
با زحمکگان دارند استفاده کنند و مبارزه در راه بر آورده عدن نیازمندیهای خود توده هسارا
تجدید نمایند. در عین حال دا ناما باید متوجه خواستها و تقاضاهای بی باه و اساسی مرک از طرفین
افراطیون متوازن میبودا عدند.

کمیونست ها در امرای بل کنونی مهمترین هدف خویش را توام ساختن کوششی خود با مساعی
دیگر نیروهای چپ و توموکراتیک و میهن پرست و ارجله عناصر مره و میانه رو در دنا هان گردانندگان
رژیم میاندند تا بدین ترتیب به منفرد ساختن مخالفان افراطی راست و انصارهای خارجی
گدا تانرا مورحمایت خود قرار داده اند موفق گردند.

تحقق سیاست اتحاد ملی و طبقاتی در هر دو روشا خصوصیات ویژه ای داراست. اصلاح طلبان
پروژوا نشور و روشتا ها تا حدود میهنی را مسامحت ارضی نینظیم اند و در مبارزه خود بر عین مالکان بیوزند
که در صفت نین ارضی رژیم قرار گرفته اند خواهانند که میاید از پشتیبانی مخالفان از پشتیبانی
با از ملیت های مستقل آنان برخوردار گردند. حزب میثوا ندویا بنا از این جریان بسود میاری
مفترک استفاده کند.

در امرای کمونیستی میبره که قهری ملی بیوز وازی اصلاح طلب ارتباط نزدیک با سرمایه ها را می

دارند نیز همان دشواری کار ما افزوده میگردد. کمیونست ها با وفا داری به هدفهای بیسرو و بیسروی
و در دفاع از حقوق زحمکگان در آینه بنده نیز خواستار برابری با یست کار روزندگی بیسروی آنا میباشند
بودتا بدین ترتیب به تشدید مبارزات مردم بر علیه انصارهای امپریالیستی و عسکری کوچکتر
فلهلیپین تا آن ملک کشند. کمیونست ها در عین حال از اینکسکه را نیز کاملا در نظر دارند کسکه
اعتلای چنین مردم میثوا منطقه ای کامه را که از بیگانگان داختن تمام قدرت سزگاها ای دولتی
بر علیه کارگران محافظه نخواهند کرده بمانند سازند.

بدین ترتیب مبارزه در راه وحدت جمیع نیروهای میهن پرست بهیوجه کار آن و سادای
نیست. بویژه اگر در نظر گرفته شود که این وحدت در امرای بلی در حاله میباشی است که حکومت نظامی
هنوز برقرار است و نفوذ شدید امپریالیسم امریکا که میثوا تندیبا تصمیم موضوع خود را کورسرا زاگر
کرده بقوت خود باقی است و چنین چپ در فلهلیپین هنوز هدف ناسرا انفا بر گرانامه مائونیت هاست.
گفته از این پیشی از تغییر واهی چپ و تصور کاتیک و میهن پرست هنوز با ارزیابی که حوز
کمیونست فلهلیپین از اوضاع کنونی نیست داده موافق نیستند. این حال هنگام تعیین مناسبت
خود نسبت بدولت ارتباط متقابل دنیا کنیکتی رویدا دنا را نمی بینند و توجه خود را بیشتر به گذشته
سیاسی نیروها نیکه با برقراری حکومت نظامی در سال ۱۹۷۲ روی کار آمده اند مملوف میکنند نه
به تغییراتی که بر وجود داده است.

البته گفته و انمیثوان نادیده گرفت. هرا نقلابی آگاهی باید متوجه این موضوع باشد
که با وجود دور ساختن ارتجاعی ترین فقر لبقات ثروت مند یعنی الیگا ری مالکان از حاکمیت و راین
فقر هنوز نوزادان اوان دارند و میگردانند با همگونی گروهائی که در حکومت شرکت دارند بسود خود
استفاده کنند تا با عناصر راستی که در روز آنهاست حاضر و ارتباط برقرار کند. در عین حال کاملا
اعتیاد بودا از نیست به گرا بیرونی که در حال حاضر درون رژیم عمل میکنند و همچنین نسبت به
آلترناتیوهای تاریخی که رژیم در بران آنها قرار گرفته بی اعتنا بوده و آنها را در نظر نگیریم.
حزب کمیونست فلهلیپین با ارزیابی آینده بیشتر اوضاع کنونی، بویژه عامل جهانیکاری میان
سوسالیسم و امپریالیسم را که در جریان آن تناسب نیروها هر چه بیشتر بسوسالیسم در تغییر
است در نظر میگرد.

آلترناتیو عده با انتصاب راهی که کنونی خواهد گردا ارتباط دارد. در مرحله کنسوسی
یعنی در امرای بل نیروهای طبقاتی متوازن خود را معض کرده اند و در زمانی بیشتر مستقر ملی در بر
فلهلیپین کونده میگردند. بیشتر متفکران بر خا راه امروز سرما به داری که هنوز هدف معنده
بعضی بزرگ و وطنی مخالف کامه است و سمت خدا نحصاری دارد و میثوا در مرحله گذار به راه غیر
سرما به داری باشد. مهمترین شرط بیشتر متفکران ایجاد سیستم مؤثر تر تا به ریزی و بعضی اقتصاد
دولتی استواری است که در خدمت مصالح ملی باشد.

بجزوی ارضی بیشتر متفکران نقطه هنگامی تحقق پیدا میکنند که سرما به معین عینی و نهایی
وجود داشته باشد. یکی از این شرایط عبارتست از: تغییر تناسب نیروها بسود مسامحت مومکرات
و میهن پرست ارجله در راه دوگانه میثوا کامه کور. اگرچه در حال حاضر چنین شرایطی فراهم
نیست و مبارزه در راه تحقق این معنی هم از میثوا ندملا هدف سیاسی واقعی باشد. نیروهای
عترتی که سعی در تحقق این هدف دارند تا این کنگره را در نظر میگردند که اینک خود رئیس جمهوری
فلهلیپینی ها را در تحریف ملی دعوت با تگا به نیروی خودنا میکنند.

در اوضاع کنونی تصدیدا لبت « ازیانین » میان توده ها و مخالفانانی که در ازاگای

روشنائی و تعاونها متحد گردیده اند و همتراز این تعدید فعالیت کارگران در اتحادیه های کارگری که بر نظارت دولت است بویژه ضرورت دارد. ما باید بدون درنگ دست بکار بیهیم زیرا انصاری ها را چه موافقین نعلی آنها از قبیل ملاکان و بورژوازی برای تبدیل این سازمانها به سلاح تسلط اقتصادی سیاسی عویس نقاب میکنند. حزب در عین افشای سانس، سنجیدن راست با بدبیا اقدامات چه گرا بان که خود را در عین نقاب با اصطلاح علاقه به رفاه و آسایش مردم بنیان میکنند و میگویند توده ها را با خواستهای عملی تشددی منحرف سازند نیز بقا پلوسه بر خیزد. چنین اقداماتی فقط آب با سیاه شدن ما را میریزد و میتوان ندیدی آنها را جامه آمیزی برای طبقه کارگر، جنبی شرقی و تمام زحمتکشان دانسته باشد.

کمونیست های نپلمپین خیال ندارند وقت خود را برای آزمونها و تجربه های تبلیسی تلف کنند و آنها هم در عین بطی که انصار کارگران خارجی هنوز نفوذ بیشتری در دستگاه دولت دارند آنچه امروز مهم است تمرکز و هدف توجه به کارها و سازمانی و استحکام صفوف طبقه کارگر و برقرار کردن آنها با نقاشان و نیروهای چه دموکراتیک و میهن پرست کشور و از جمله گروه های چه و مرکز (میانده روهان) در داخل رژیم است. حزب کمونیست با کوفت در راه تعدید تا تیسر فعالیت های توده ای انقلابی عویس با بدبیا زحمتکشان که در سازمانهای توده ای که زیر نظارت دولت اند در ارتباط دائم با غده کمونیست ها با پیروی از این مبنی استقلال سازمانی سیاسی خود را در چه گسترده ملی، دموکراتیک ضد امپریالیستی و ضد فئودالی حفظ خواهند کرد.

موفقیت های کاهش تشنج

و مانور های مخالفان آن

بان پراژسکی

یکی از دست آوردهای جامعه بشری در آستانه سیمین سالگرد پایان جنگ جهانی دوم و پیشتر تغییرات جنبی در مصلحت مناسبات میان کشورهای است. چرخشی که در سالهای اخیر در پرتو ابتکار و کوششهای خستگی ناپذیر کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی و پیشینیان آنها پیروهای صلح دوست و موکراتیک از "جنگ سرد" به کاهش تشنج و از درگیریهای نظامی به تحکیم امنیت کشورهای همکار و مسالمت آمیز حاصل شده است تغییر و تبدیلی در مناسبات بین المللی منجر گردید. از اولادگی محیط سیاسی جهان بطور بارزی کاسته شد. اعتقاد به امکان و ضرورت همزیستی مسالمت آمیز کشورهای با نظام های اجتماع گوناگون در اندیشه توده ها و اینگونه مردم و هیئت های احاکه از یک کشورها هر چه بیشتر تثبیت میشود. اصول همزیستی مسالمت آمیز به بشر جدایی ناپذیر حقوق بین المللی مبدل میگردد. این اصول در بسیاری از اسناد رسمی دو جانبه و چند جانبه تثبیت شده اند. بی آمدنیک و تشریح تمام این ها با ملیونها و میلیونها انسان استوار در زندگی روزانه خویش احساس میکنند. عادی شدن مناسبات بین المللی بر پایه اصول همزیستی مسالمت آمیز بطور قابل لمس بویژه در اروپا پیشرفته است. تشکیل مجمع ۳۵ کشور اروپائی برای تهیه پایه های سیستم امنیت جمعی و همکاری مسالمت آمیز که در نوع خود بی سابقه است مرحله تاریخی در راه صلح استوار در این بخش از جهان شده است. همان بخشی از جهان که در چهارمیشا، جنگها و جهانی گردید.

هنگامیکه کشورهای سوسیالیستی برای نخستین بار ریزیکو کنفرانس تمام کشورهای اروپا گردیدند انجام این وظایف بنظر بسیاری از مردم چه مسئله دشوارتر و پنهان با بر آوری میآمد. در همان دوره کارکنان چند پارسیاغل از بجای این کوشش را امری غیر قابل تحقق ظن داشتند و سعی برای هم آهنگ کردن نظریات در هبا کشور مختلف را تقریباً سیاستی در کوشش بنام سر میآوردند. ولی اراده مردم اروپا بحفظ صلح از آنها ای که نفعنا تخم بد بینی می برانگندند بلکه از آنها ای هم که میکوشیدند مانع از موفقیت کنفرانس گردند، نیرومند نبود. در نتیجه کارهایی که انجام گرفته زیربنای سیاسی مناسبات نوین بین المللی در این قاره بن ریزی شده است. هرگاه این زمینها بتدا پیروی برای کاهش تشنجات نظامی نیز تکمیل و مستحکم شود در تاریخ این بخش از جهان میتواند صفحه تازه ای گشود گردد.

بناسبت پیروزیهای سیاست کاهش تشنج این مسئله که چه شرایطی این سیاست را عینی و تحقق پذیر گرداند اهمیت اصولی و عملی فراوان پیدا میکند. تبلیغات بورژوازی این تعبیر و تفسیر را بطور گسترده اشاعه میدهد که کاهش تشنج در اثر فشار عوامی نظیر "قدرت روز افزون ناتو" استحکام وحدت فریب، "برتری نظامی ایالات متحده آمریکا" و نظایر اینها امکان پذیر شده. از اینجا چنین نتیجه گرفته میشود که سر نوشت کاهش تشنج در آینده نیز گویا به افزایش قدرت نظامی کشورهای سرمایه داری واحد پایه ها و آنها وابسته است. در حقیقت بنوده های مردم نوحسی

نظریه "کاهش تشنج تحت فشار زور" مانع تازه تئوری های ورشکست شده سابق "سیاسی" توسل بزور "مرخصی گردد .

ولس این نظریه ، میتوان گفت ، تحت فشارین پناهی خود از هم پاشیده میشود . حتی از نقطه نظرتوجه بقوامیت نیز مغفرتن این نظریه در چارین بست میگردد . زیرا برهانگن روشن است که سالهای اخیر در واقع امر بحران عمیق ناتویته با تقویت این بلوک نظامی ، از اسالیب پیش نمایان میگردد . در سراسر غرب سرمایه داری نگاهش بگفتگوشد بد فراوان مناقشات و رقابت های میان امپریالیست ها پیشهم خورد . محافل امپریالیست ایالات متحده امریکا با ناکامی نظامی و سیاسی جدی در آسیا و جنوب شرقی مواجه شدند .

آنها نیز "کاهش تشنج تحت فشار زور" با این فاکت های بی چون وچرا هیچ توافق دارد ؟ اگر کار واقعاً وابسته بآن عواملی بود که تبلیغات بورژوازی بدان استناد میکند امروز سیاست کاهش تشنج بین المللی در وضع اسف آوری بود و گاهی بجلو نمیداشت . از کسی پنهان نیست که ناتو هیچ وقت قصد کاهش تشنج نبوده است . بعکس قدرت نظامی این بلوک همواره تقویت ستگاه موجد تشنج و ایجاد درگیری و اختلاف را عمده داشته است . براسی چگونه میتوانست فیروا باشد ؟ در محیط تشنج و "جنگ سرد" آسانتر میتوان از "وحدت غرب" کدائی ، یعنی وحدتی که عملاً مهارت ارتباط ساختن مصالح اکثریت کشورهای عضو متحد قبلی استراتژیک تجار و کارترین محاسف بلوک آتلانتیک شمالی است ، پشتیبانی کرد .

فرمول "کاهش تشنج تحت فشار زور" از بدگاه عقل سلیم بکارگیری بوج بی معنی است . اتکا بظنوری اسلحه بد رستی با کاهش تشنج ناسازگار است . بطوریکه تجربه گذشتنشان میدهد حصول کاهش تشنج واقعی و دراز مدت بر این پایه هیچگاه عسر نشده است ، ابتدائی ترین اعتماد متقابل میان کشورهای با نظام اجتماعی مختلف هم بر این پایه بدست نیامده است . نمونه مناسبات شوروی و امریکا از این نقطه نظر جا لب توجه است . تا زمانیکه رهبران امریکا میکوشیدند با اتحاد شوروی از موضع توسل بزور ، مذاکره کنند هیچ گفتگویی سر نمیگرفت و مناسبات میان دو کشور از نقطه اتحاد جلوگیری نمیرفت . ولس همینقدر کافی بود که واشنگتن گامی بسوی واقتی بیتی بردارد و برابری طرفین را مسا برابری حقوقشان در امنیت بپذیرد ، آنوقت چنان توافق هایی میسر میگردد پد که در گذشته خیلی ها خواستار آنها نمودار میشوند ببینند .

خیر ، بظنر میسرند کاهش تشنج مشروط به علل دیگری غیر از بلی است که "سیاست فشار ناس" مرتجعی که گذشته از هر چیز میکوشند ضرورت جنگ افزای نوع جدیدی را مدلل سازند ، بد آنهاست استناد میکنند . آراش محیط بین المللی بدان سبب امکان پذیر شد که تالیب نیروهای جدیدی در عرصه جهانی برقرار گردید . طبیعتاً است که کمونیست ها هنگام گفتگو و مذاکره ، تنها نیروی نظامی را در نظر ندارند ، بلکه مجموعه عوامل اقتصاد ، علمی ، فنی ، فرهنگی و غیره را هم مگردد کشورهای معا صید آنها بستگی دارد بحساب میآورند . آنها با نقشه سیاسی جدید جهان راهم که در نتیجه پیروزیهای سوسیالیسم و موفقیت های جنبشترکگری آزاد و پیش پد آمده در نظر میگیرند ، حال حاضر را در نظر میگیرند . برژنف در برنگ کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در سخنرانی خود در برابر انتخاب کنندگان ۱۳ ژوئن در مسکو اشاره کرد "رهبران جهان بورژوازی قادر نیستند با وجودی که با این فکر باشند که جدال تاریخی میان سرمایه داری و سوسیالیسم را با نیروی اسلحه حل کنند . نامعقولی و غمناک شدن بد تشنج ساختن محیط در حالیکه هر دو طرف جنگ افزارهای با

قدرت خود برسی عظیم در اختیار دارند هر چه بیشتر آشکار میگردد " (۱) .

مبارزه اصولی و پیگیر کشورهای سوسیالیستی برای خلع سلاح نیز بارک همین خطر ارتباط دارد . در برترتو کاهش تشنج همین حال امکان حاصل شده که در این رافتنایج معینی حاصل شود و در برخی از جهات مسا بقفصلیحاتی معدود گردد . با اینهمه مسا بقفصلیحاتی هنوز متوقف نشده است و ذخایر اسلحه بد و نوقفه با جنگ افزارهای تازه تکمیل میشود و میلیاردها دلار در اختیار بصورت میتوانست در راه هدفهای سازنده بصرف برسد ، برای تولید آنها خرج میشود . فقط کشورهای ناتو و آنهم فقط طی سال گذشته ۱۳۲ میلیارد دلار صرف تسلیحات کرده اند .

از ادمسا بقفصلیحاتی با روح کاهش تشنج در تضاد است ، اعتماد بین المللی را متزلزل میکند و آتش زبر خاکستر "جنگ سرد" را در امان میزند ، وجود ذخایر عظیم انواع اسلحه در جهان علاوه بر آنجگهت شده ، خود منبع دائمی ایجاد وسوسه در آن محافل امپریالیستی است که میخواهند این اسلحه را بمتزله "دلیل برهان" در شاجره های بین المللی بکار باندازند . اینکه در سلسله ضرب المثل قدیمی گفته میشود وقتی توپ بقصد ان پیش از اندازه انبار میشود گویا "توپ ها خود شان شروع بپنهان داری میکنند" حرف صحت میجوید ای نیست . حال تصور کنید در عصر ما یعنی در دوران که سخنرانی برژنف نبوده بلکه از سبب های ذاتی و لیدر ژنی سخن میروید چنین امکانی تاجه انند ازه نگرانی آواراست . انجاز شدیدی که "اخطار" ستانگن بکشورهای همس استخراج کننده نفست و تشدید بی آن در امپریکالیزوم سلاح هسته ای بر علیه جمهوری توده ای در موزکاتیک کره برانگیخت تصادفی نیست .

بدین سبب است که مردم جهان بملت ابتکار د او کشورهای سوسیالیستی در مبارزه با خاطر خلع سلاح و کاهش هزینه های نظامی تا این حد نسبت بد آنها سها مگذازند و مسا بق تزلزل ناپذیر بر آنان را در این راه تا این اندازه ارجح می بینند . این پیشنها د تازه اتحاد شوروی که در سخنرانی ۱۳ ژوئن سال جاری ل . برژنف آمده نیز استقبال فراوان شده است . این پیشنها د حسابی از آنست که تا کشورهای و در درجه اول کشورهای بزرگ قرارداد در درباره عقدن ساختن انواع جدید جنگ افزار کشتار بد ستجمعی "که جنگ افزارهای د هشت راتری از سلاح هسته ای میتوانست باشد" با مضام رسانند .

اخبار و اطلاعاتی که از آنژوئرا تکون در مضامیهات جهان انتشار یافته نشان میدهد که خطر بیدایش چنین جنگ افزار جدیدی بملت ترقی سریع علم و تکنیک (اگر چه بکاربردن کلمه "ترقی" در این مورد چندان مطلوب نیست) کاملاً وجود دارد . تا بد ر نشده باید مانع لازم را بر سر راه بیدایش چنین جنگ افزای ایجاد کرد . نوع برخورد به ابتکار جدید اتحاد جماهیر شوروی خود آزمون برای نیات و دلتهای بورژوازی سیاسی خواهد بود . تصور میکنم آنها که صمیمانه در راه کاهش تشنج ، صلح و امنیت کاهرمیدارند هر چه زود تر باین دعوت در برنگ کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی پاسخ مثبت خواهند داد تا هر چه سریعتر قرارداد لازم میان کشورها منعقد گردد .

با خرسانیدن مذاکرات بین دربارها کاهش نیروهای مسلح و تسلیحات در اروپا ی مرکزی و مذاکرات شوروی و امپریکالیزوم برای اعضای قرارداد ی برپا متوافق و لادی و ستوک بقصد ورود بد ساختن سلاح استراتژیک نیز کاملاً ضروری است . این امر با حسنگلا انجام شدن بشرطیکه کشورهای ناتو ساز برخورد بقذاکرات در بارمخلع سلاح بمتزله وسیله ای برای بدست آوردن برتری نظامی بکجانبه برای خود بدست بردارند .

مردم در تمام کشورهای جهان بر پایه نمونه‌های متعدد در سالهای اخیر به تأثیرات و تشویش‌های سیاسی استعماری کشورهای سوسیالیستی یقین حاصل می‌کنند. سهم قاطع در کاهش تشنج استواری صلح و امنیت جهانی بدین سیاست‌مصلحت‌داران، یکی از خدمات بزرگ مارکسیسم - لنینیسم است که گفتمان بین المللی معاصر را ابتداء در شوروی و سپس در عمل یادگترین همزیستی مسالمت آمیز کشورهای باساختار اجتماعی مختلف فراهم کرد. بدین ترتیب برای آنکه در دوران همزیستی مسالمت تضییع و اختیارات در تاریخ جامعه بشری از برخورد های نظامی ناپدید کننده میان کشورهای دو سیستم متضاد اجتماعی اجتناب شود، راههای واقعی گشوده شد. اصل همزیستی مسالمت آمیز که برای نخستین بار از جانب لنین عنوان گردید با ایمان ژرف به امکان‌ات سازنده سوسیالیسم و اعتماد در صلح بدین واقعیت گفته شده است که در اقتصاد، علوم و فرهنگ هیچ نقطه غالی پیشرفت وجود ندارد که سوسیالیسم در شرایط ساختار صلح آمیز جامعه و سابقه مسالمت آمیز و سیستم نتواند بد آنها دست یابد.

سیاست خارجی سوسیالیسم صلح دوستی ساد نیست، بلکه سیاست طبقاتی است که از سرایت جامعه نواشی میشود. خصومت طبقاتی آن در این امر جلوه می‌کند که این سیاست تا مبین شرایط مسالمت آمیز صلح را برای پیشرفت آنی و شکوفایی سیستم سوسیالیستی که همه تسریع دست آورد طبقاتی را که بین المللی است نخستین وظیفه خود بشمارد. این سیاست در همین دفاع از صلح و در مسامحه با از مصالح و منافع برادران طبقاتی خود در پانگاهای سرمایه داری نیز دفاع میکند و مبارزه آنان را در راه بدست آوردن حقوق و نیازهای اقتصادی و سیاسی شان تسهیل مینماید. بالاخره این سیاست در برخورد به جنین آزادی بخش ملی در مسامحه با از منافع طبقاتی پیگیری پیروی میکند و کمک به این جنبش‌ها را وظیفه بین المللی خود بشمارد.

این موضوع مانع آن نشود که سیاست خارجی اتحاد شوروی و پیروان سوسیالیستی مورد قبول و پشتیبانی گسترده نماندگان طبقه و قشرهای گوناگون و از جمله قشرهای غیر پرولتری قرار گیرد. این موضوع را چگونه میتوان تشریح کرد؟ با این واقعیت که منافع سیاست خارجی طبقه کارگر و هدف های اجزای کمونیستی آن در اصل هم‌وزن و منافع توده های انبوه مردم تطبیق میکند. خلفا در همه جا از جنگ به تنگ آمده اند میدان‌نایز ندارند، میخواهند در شرایط صلح و همکاری سرسبزند وارد و صلح خود را نتوانند از سیاستی موقف با این خواستها پیروی کنند.

ولی البته ساده لوحی میبود اگر تصور شود که کاهش تشنج مخالفان بانفوذی ندارد و که مانده های "جنگ سرد" و آثار ضرر آرد آن در رفتار و اندیشه مردم کاملاً از بین رفته و کمیتوان آنها زکشت و خدات در اوضاع بین المللی بهبودی حاصل شود و راه نداد. متأسفانه زندگی نشان میدهد که هرچه بیشتر موقعیت طرفین در آن "توسل برور" متزلزل میگردد، مخالفت آنان با کاهش تشنج بین المللی شدید تر میشود و شکایات آنان از کمبود صلح سیاست کاهش تشنج بیشتر گوش میرسد.

برای نشان دادن نمونه‌های نایز نیست که براه دوری برویم. ژنرال دیسون فرمانده نیروهای آمریکا در اروپا در آستانه بازگشته شدن خود در تابستان اسان کنگره را از این کار برحذر داشت که ما در "کاهش تشنج" جلوی چشمش را بگیرد. سناتور مشهور وگد و اتره که گوی سخنان ژنرال را تکرار میکند صداهای ژنرال میدهد، کاهش تشنج را "آرزوی پنهانی باطلی" مینماید. روزنامه "نیویورک تایمز" حتی بر آن دلگه در ساعت خود مضموم "کاهش تشنج" به پیروی بیرونی در زمان شناس میبرد از. به آویز که معلوم است معنی لغوی کلمه فرانسوی "Défente" که در بسیاری از کشورها و از جمله در ایالات متحده آمریکا از آن برای بیان

کاهش تشنج استفاده میکنند، ملا برکدن و همات است. ولی روزنامه آمریکایی با ضمانت و زهر خند یادآور میشود که این کلمه در لغت نامه‌ها "دستگاه پرتاب (ماشه)" (در تانچه، تفنگ و غیره) نیز معنی میشود، و از این جهت است که تشنج سوسیالیسم ژرف اندیشه‌ای ای بدید میگذرد: "کاهش تشنج به صلح منتهی نمیشود و با اینکه بالاخره محروک درگیری‌های تازه میشود - این است آن مسئله عمده‌ای که بر آرزوی وینتنام و در بربرتام جهان قرار گرفته است."

آیا لازم باضات است که در حقیقت امر چنین مسئله‌ای به هیچوجه وجود ندارد؟ سیاست حفظ تشنج نشاء در گریه‌ها است و نه کاهش تشنج.

اظهارات در این برخی از مخالفان که گویا کاهش تشنج سود بکجانبه برای اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی دارد در همین حال بکشورهای سرمایه داری فقط زبان و تاملات آن عاید میگردد و نیز دستکی از آن جگفته شد ندارد. حتی بسیاری از سیاستمداران برجسته پرولتری نیز این نظریه را قاطعانه رد میکنند. با وجود این مائولینست ها که در مبارزه بر علیه استحکام صلح نقش تفتیش و در صحنه‌ها آشکارا مبعید نگرفته اند با اشتیاق باین نظریه پیوسته اند و آنرا تبلیغ میکنند. ولی آنها فکرای راه نمیتوانند بکنند که چقدر برای مردم شگفت و بیگانه است وقتی میشود که کسی در این باره بحث میکند که کاهش تشنج سودمند است با زبان آبرویا بحیثیت دیگر زندگی کردن در شرایط استوار سازنده صلح و کاهش خطر جنگ سودمند با زبان بخش است.

در ضمن منافعی که کاهش تشنج تاکنون در بر داشته و رآینده نیز خواهد داشت چنان روشن و آشکار است که انگار آنها تنها موجب رسوائی مخالفان آن میگردد. بخصوص که آنها در واقع پشتیبان دیگری غیر از زکشت بدوران "جنگ سرد" و تشدید ناسا مانعهای اقتصادی و حیاسی خطرهای جنگ جدید جهانی نگارند.

معلوم است که از سیاست کاهش تشنج نباید انتظار مجزیه داشت. این عسای جادوگری نیست که بکلمات بخوان جمیع تضاد های جهان کنونی را حل کرد. گمانیکه می‌گویند کاهش تشنج گویا باید با "قراری" متارکه جنگ" در معرض احتمالی و تضعیف مبارزه طبقاتی و حتی بر طرف شدن تضاد میان سوسیالیسم و سرمایه داری همراه باشد یا خودشان و یاد یکران را گول میزنند. کمونیست ها هیچوقت پنهان نمی‌کردند که همزیستی مسالمت آمیز نه بیشتر در دوران زندگی آرام و مساعد تند بلکه بخانه مبارزه از طریق مسالمت آمیز در تمام رشته هاد را می‌کند. اما در جهان تقسیم شده مافیر از همزیستی چاره دیگری نیست. زیرا بر این پایه است که میتوان خطر بک درگیری جهانی را مرتفع ساخت و زندگی در شرایط صلح و همکاری بین المللی برای مردم تأمین کرد.

جامعه بشری مرحله پرسئولیتی را می‌گذراند، چون در این مرحله است که وظیفه تحقق اصول همزیستی مسالمت آمیز و همکاری سودمند برای هر دو طرف در کارهای زندگی روزمره به پیش کشیده میشود. گمانی که سرسوزت کشورهای و خلقها بد آنها سپرده شده باید نشان دهند حرف و طبلشان با هم تضاد ندارد و توافق آنها با این اصول نه مانع و عقب نشینی موقتی در برابر افکار مضموم بلکه پذیرش شرافتندانه و واقعیت دوران ماست.

پس از پایان گرفتن کار مخفی

مأموریت دیگری هم منتشر میشود. کمیونست‌ها در ایجاد جمعیت‌های متشکل از نیروهای چپ و دموکرات بنام "بلوک" چپ‌های متحد شرکت جستند و رنخستین انتخابات پسر اسفوط خونتای موفقیت‌هایی بدست آوردند، نمایندگان خود و از جمله فلورا کیم، دهراول کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان و فلورا کیم عضو هیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب و سرپرست "پیتروسیاستیس" گند یکاگس دهراول اول سازمان جوانان کمیونست یونان را به پارلمان فرستادند.

حزب توانست محلی برای کمیته مرکزی و کمیته شهراتین بدست آورده و آنرا سرورسورت داده و مجهز سازد و برای کمیته‌های حزبی در دیگر شهرها و در روستاها هم محلی را اختصاص دهد.

"خانه‌های حزب" در زمین‌های هم ستاد هم گلوب حزبی اند. در این نقاط همواره جمعیت زیادی را میتوان شاهد مکرر آنها با پرست‌ها، پیشنهادها و اخبار و اطلاعات خود به کمیته‌های حزب مراجعه میکنند و از آنجا با قبول و یا بی‌قبول و یا بی‌قبول انجام کارها سفارشی خارج میشوند. در اوقات حزب و راهروها اغلب بحث‌ها و غیرمنتظره‌ای در میان اعضای کمیته‌های حزبی، فعالان حزبی و روزنامه نگاران کمیونست در جنب‌و‌جانبی با جد پیور و حبه عالی کار و فعالیت میکنند. آنها آشکارا میدانند و اینکه خود را پنهان کنند و یا بشو و گروها یا سمد و هد ف، جریان تهیه کارهای حزبی و تانکتیک و استراتژی آنرا مخفی نگیند در فعالیت میکنند. بنظر میرسد که همین حزب کارهای انتقال از حزب بشرایط نوین مبارزه کمک فراوانی کرده است. در ضمن این واقعیت‌هم که شیب فقط به فعالان ساید حزب که بار سالها کار مخفی و زندان را بدوش آوردند تکمیل کرده بلکه با اجسرات و جسارت جوانان را نیز بکار جلب کرده، در این جریان نقش بزرگی ایفا کرده است.

بسیاری از جوانان که در مبارزه با حزب آنها آید بدیده شده اند و اینکه فعالان از کار و در شرایط کار حزبی تجربه‌ای اند و زندگی به سازمانهای حزبی جلب شده و کارهای حزبی را رهبری میکنند.

البته گاهی کار پرکارهای ماد شوامشود. گذشتن از برخی از انواع پسیکولوژیک شکل‌بندی بطور مثال عادت کردن باینکه نه فقط مردم عادی بلکه اغلب کارمندان وزارتخانه‌ها و نمایندگان ارگانهای دولتی بکمیته مرکزی حزب و روزنامه‌ها و سازمانهای پنهان‌ترینها پرست‌ها و تقاضاها می‌خورند.

مراجعه میکنند یکی از این قبیل مشکلات است. در شرایط کار حزبی کمیونست‌ها عادت بکار با "هوام" کرده اند ولی حالا لازم است با "خواص" نیز شصت صرخاست کنند و اشکال مبارزه پارلمانی بدگر انواع مبارزه آشکار سیاسی راهم فراگیرند. گاهی کارهای چیزهای عجیب و غریب میشود:

مثلا حزب سازمان غیر کمیونستی یکی از حرفای که تدفین کردند و از او خواهرش کردند باینکه کس تا برای خود اسامی نامی ای تهیه کنند. ما اسامی نامی خودمان را در شمارا سر اسامی نامی ای همین سبب باینکه کم کردیم.

معلوم است که اوضاع سیاسی یونان هنوز بسیار پرنج است و وجود پیت دموکراسی هم مورد تهدید قرار دارد. آحاد رنجین بشرایطی برای برخی از حرفای شما افکار دلسرد کننده ای، مثلا دهر پرایتک ارزش دارد نیروی خود را صرف گسترش کامل کار حزبی ننماید، بهترین آید؟

البته وضع یونان پرنج است. کارا نامی رنجین دلسودنده‌ها ای خود و فاکتور و فاکتور و است. این وعده‌ها عبارت بود از حل مسئله قبرس، خروج یونان از ناتو، برجیدن پایگاه‌های ایالات متحده آمریکا از یونان و غیره. میان نیروهای دموکراسی آن نیروهای هوادار اینها هم که می‌خواهند سلطه کامل سرمایه را بر یونان حفظ کنند فقط اوضاع و احوال سابق در و ران دیکتاتوری را اندکی ملایم تر خواهند قائله‌ها ایجا د میکرد. مثلا چندین بهتر حزب حاکم با استفاده از ماشین

رای پارلمان و بورژوازی قانون اساسی جدید کشور را که شامل مواد ضد دموکراسی آشکارا است

یکی از مشخصات دوران ماضی و تحول سریع و اغلب غیرمنتظره شرایط مبارزه احزاب بسیار در کشورهای سرمایه داری و در حال رشد است. این امر کمیونست‌ها را با این ضرورت روبرو میکند که برای مقابله با تغییرات شناختگانی حوادث آماده باشند. یکسال پیش رژیم فاشیستی در یونان واژگون شد و حزب کمیونست یونان امکان یافت فعالیت خود را طینی کند. چگونه حزب از صدها این کار برآمد؟ بطور مشخص کمیونست‌ها بچه اقداماتی دست زدند که نقطه انتقال مبارزه و کار در شرایط نوین را بطور متشکل تا بن کنند، بلکه به نخستین موفقیت‌های جدی در جریان فعالیت طینی هم دست یافتند؟

هیئت تحریریه مجله از واسیلیس و نیکانور پولیس عضو کمیته مرکزی حزب کمیونست یونان خواهدش کرد باین پرست‌ها جواب بدهد.

حزب کمیونست یونان ۲۲ سال در شرایط مخفی مبارزه کرد ولی ما این راه همیشه در نظر داشتیم که روزی خواهد رسید که باید بکار غیر طینی پایان دهیم و خود را برای چنین روزی آماده می‌کردیم. همین‌کنگره حزب کمیونست یونان که پیش از اسفوط خونتای تشکیل یافت هیرنا سه واساسنامه جدید حزب را بتصویب رساند تمام کارهای حزبی و تمام کمیونست‌ها را با آنچه در صورت تغییر اوضاع کشور باید بداند آشنا کرد. کنگره برای این حزب این وظیفه را تعیین کرد که سرورسورت و کارها را در حزب بر جمعیت را در جلب پشتیبانی گسترده توده‌ها فراگیرد. نتایج نخستین کار درستی این دستورها به ثبوت رسانید.

بلاناصله پسر از سرنگونی رژیم خونتای اعضای حزب و هواداران فعال آن با انرژی کامل و از خود گذشتگی شروع بکار کردند. آنها بدون آنکه در انتظار طینی شدن رسمی حزب بمانند شروع انتشار روزنامه "نه آلا را" کردند. نخستین شماره با عنوان "سپارزادی" بفرش رفت. مردم تشنه حرف حق بودند. در زمین حال کمیونست‌های که از زندان و تبعید می‌آمدند در کمیته‌های غیر طینی

کمیونست‌ها در آرتین و پیره و دیگر شهرها و مراکز صنعتی وجود داشت گرد آمده مشغول فعالیت میشدند آنها در تظاهرات و میتینگ‌ها شرکت میکردند و خواستهای مردم حزب را برای مردم روشن میکردند، این خواستهای عبارت بود از: از میان بردن میراث خونتاد زندگی سیاسی و اقتصادی و بردن کشور

بطور بی‌شکسبوس دموکراسی، دفاع از استقلال ملی یونان، حل عادلانه مسئله قبرس و در زمین حال بر آوردن نیازهای مردم اقتصاد و سیاسی زحمتکشان.

گسترش سریع ارتباط با توده‌های پشتیبانی توده‌ها با عوامل مهمی تبدیل شده که بطنی شدن رسمی حزب کمک کردند و این امر نیز نتیجه خود به کمیونست‌ها امکان داد با آنکه به قانون مجبوسه ای از تدها بر سازمانی اصلی سازمانند. ما موفق به اجبا و گسترش شبکه سازمانهای حزبی و کمیته‌ها شدیم

و حوزه‌های جوانان کمیونست را تشکیل داده‌ایم. اینک سازمانهای طینی حزبی در تمام شهرهای بزرگ، در ایالات، مراکز صنعتی و در روستاها مشغول فعالیت‌اند. انتشار طینی روزنامه "رسترو سهاستیس" که ارگان کمیته مرکزی حزب است آغاز کردید و روزنامه سازمان جوانان "اوی گیمتس" و

برخی اطلاعات درباره احزاب کمونیست و کارگری

(بقیه از شماره های پیشین)

حزب کمونیست سودان

۱۸ اوت سال ۱۹۴۶ جمله فرطنی اعضای محفل های مارکسیستی در خرطوم تشکیل شد . در این جلسه قرار ایجاد سازمان " جنبش آزادی ملی سودان " تصویب رسید . سازمان کمونیست هامدنی تحت این عنوان فعالیت میکرد . از هنگامیکه سومین کنگره (در سال ۱۹۵۶) قطعنامه تغییر نام سازمان را تصویب رسانید این سازمان حزب کمونیست سودان نامیده شد . حزب کمونیست سودان از نخستین سالهای پیدایش خود بطور استوار وابسته به جنبش کارگری است و فعالانه در راه آزادی ملی کشور مبارزه کرده است . کمونیست ها بطور فعال در ایجاد سازمانهای توده ای در موکراتیک در سودان مانند اتحادیه های کارگری ، اتحادیه جوانان و زنان و دیگر جمعیت ها و اتحادیه ها شرکت میکنند .

حوزه های حزبی برپایه ماک منطقه ای و تولیدی (در محفل سکونت اعضای آن و موسسات و کارخانه ها) تشکیل میگردد و مجموعه آنها سازمانهای شهرستانها را بوجود میآورد .

حزب تاکنون چهار کنگره بترتیب در سالهای ۱۹۵۰ ، ۱۹۵۱ ، ۱۹۵۶ و ۱۹۶۷ تشکیل داده است . علاوه بر این در باره هم کنگرانس های فوق العاده تشکیل یافته است . یکی در سال ۱۹۴۹ که در آن حزب برجریان اتوریترنیستی کمیکوئشید در شرایط اعتدالی مبارزه ضد امپریالیستی استقلال سیاسی و سازمانی آنرا تضمین کند پیروز شد . در کنگرانس فوق العاده سال ۱۹۷۰ (ماه اوت) مسائل مربوط به فعالیت حزب در شرایط رژیم مترقی ضد امپریالیستی که پس از انقلاب ۲۵ مه ۱۹۶۹ در سودان برقرار گردید مورد بررسی قرار گرفت .

نخستین برنامه حزب کمونیست سودان در کنگره سوم حزب در سال ۱۹۵۶ تصویب رسید . در برنامه ضمن تعیین شی کلی حزب کمونیست سودان وظیفه تحقق انقلاب ملی - در موکراتیک و رکنشور و متاع از راه رشد سرمایه داری نیز پیش بینی گردیده است . برنامه حزب را با ایجاد جنبه در موکراتیک ملی مبارزه در راه حکومت میندی در موکراتیک و پیشرفت در رهجی سوسیالیسم میخواند . برنامه جدید حزب در چهارمین کنگره حزب کمونیست سودان (اکتبر سال ۱۹۶۷) تصویب شد . احکام و وظایف مبارزه اول بانوجه تغییراتی که در عرصه جهان در رکنشور روی داده در این برنامه تکمیل گردیده است .

حزب کمونیست سودان نشر برجسته ای در مبارزه بر علیه رژیم دیکتاتوری نظامی در سودان (سالهای ۱۹۶۴ - ۱۹۵۸) ایجاد کرد .

پس از سقوط رژیم دیکتاتوری نظامی در اکتبر ۱۹۶۴ و در فاصله زمانی از ۲۵ مه ۱۹۶۶ تا ۱۹ ژوئیه ۱۹۷۱ کمونیستها در دولت شرکت داشتند . محافل حاکیه سودان در ژوئیه ۱۹۷۱ حزب کمونیست سودان را بشرکت در کوشش افسران چپ گرا برای سرنگون ساختن دولت ژنرال نمیری بوسله کودتا متهم کردند . حزب کمونیست سودان مورد تعقیب و فشار قرار گرفت و چند تن

بکری نشان داد . ممکن است کسانی هم باشند که در چنین شرایطی شک و تردید بخود راه دهند . از این روی کارهای ایضاحی را تشدید میکنیم و روی این نکته تأکید میکنیم که مبارزه شدیدی برای تجدید نظر در قوانین اساسی ضد موکراتیک و جلوگیری از خطر موجود انحراف از راه موکراتیک ، در انتظار ماست . حزب مادر گذشته طبرعم تا قبل خود مجبور بکار در شرایط منفی شد . رژیم ارتجاعی کشور آنرا غرض کرد . اما یکی از خصوصیات حزب ماکه در جریان مبارزه بسیار شدیدی موفق شد بکار طنی بپردازد ، خوشبختی است . همانطور که در همین پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان اعلام داشت : " حزب ماکه حالا دیگر بکار در شرایط طنی پرداخته ، با اعتماد کامل بمنبروی مردم زحمتکش و پیش از همه بمنبروی طبقه کارگر سازمانهای خود را با جدیت بیشتری ایجاد کرده و گسترش خواهد داد تا آنها به پایه اصلی ادامه چنان جنبه پر امانه توده ای در موکراتیک مبدل شوند که بتوانند اراده خود را برای ایجاد تغییرات و تحولات در موکراتیک و استقلال تحمیل کنند و راه را برای در موکراسی نویسن اصلی و سوسیالیسم هموار سازد " (۱) .

پژوهش از خوانندگان

متأسفانه برخی از زیر نویس های شماره ۳ (۷۵) چاپ نشده است که باید بنوسیله پژوهش میطلبیم و متن آنها را برای اطلاع خوانندگان در ردیف چاپ میکنیم :

صفحه ۴۴

1- Wermuth Stieber. Die Kommunisten-Verschörungen des neunzehnten Jahrhunderts. Berlin, 1853, 1 Teil, S. 3.

صفحه ۵۰

1- "protokoll des Hamburger Parteitages der DKP", 1973. S. 33.

صفحه ۴۷

Hans Adamo. Das Piasko der bürgerlichen "DDR-Forschung". - "Marxistische Blätter" Nr. 5, 1974. S. 56.

صفحه ۴۸

2- Ebenda, S. 57.

" Protokoll des Hamburger Parteitages der DKP", S. 41

از رجال رهبری آن از جمله ر. محبوب و بهر اول کسب مرکز حزب بقتل رسیدند. از آن هنگام حزب کمونیست سودان از نومجربور فعالیت غیرطبیعی گردید.

مطبوعات حزبی: روزنامه غیرطبیعی حزب کمونیست "الموا لا حمر" (پرچم سرخ) از سال ۱۹۵۰ انتشار یافت. از اوایل سال ۱۹۵۱ مدت ۱۰ ماه روزنامه بطور طبیعی منتشر میشد. حزب کمونیست سودان در فاصله سالهای ۱۹۵۸-۱۹۵۷ روزنامه "الموان" را به منزله ارگان جنبه فد امپریالیستی انتشار داد. پس از برقراری رژیم دیکتاتوری نظامی در سودان در سال ۱۹۵۸ نیروی روزنامه متوقف گردید. این روزنامه بشابه ارگان حزب کمونیست سودان از اکتبر ۱۹۶۴ مجدداً انتشار یافت و نشر آن تا فتن شدن فعالیت حزب در دسامبر ۱۹۶۵ ادامه داشت. حزب بین سالهای ۱۹۷۱-۱۹۶۶ روزنامه طبعی بنام "اخبار الا سبوعه" (غیرهای هفته) منتشر کرد. حزب در حال حاضر روزنامه "العیدان" را بطور غیرطبیعی انتشار میدهد. علاوه بر این روزنامه "اد ونس" (حلقه) نیز بزبان انگلیسی برای اهالی سودان جنوبی منتشر میگردد (نشر آن غیرنظام است).

کمیته مرکزی حزب کمونیست سودان از سال ۱۹۶۷ جلیه شورویک "الشیوی" (کمونیست) را چاپ و منتشر میکند. تا امروز ۱۳۸ شماره این مجله انتشار یافته است. سازمانهای منطقه ای حزب هم دارای نشریات ویژه خود هستند.

حزب سوسیالیست نیکاراگوئه

حزب کمونیست نیکاراگوئه از روز تاسیس خود در سال ۱۹۳۹ تا به امروز در شرایط غیرطبیعی فعالیت میکند.

در اسناد حزب کمونیست نیکاراگوئه تاکید شده است که "استقلال کنونی نیکاراگوئه مطلقاً ظاهری است و این استقلال حجابی است که در زیر آن رژیم فئودالی و نیمه مستعمره که با جسم روح خود وابسته به امپریالیسم است بر کشور حکومت میکند". در روزنامه حزب کمونیست نیکاراگوئه که از طرف د همین کشور آن در اکتبر ۱۹۷۳ بنصوب رسیده وضع اجتماعی - اقتصاد و سیاسی کنونی کشور تجزیه و تحلیل شده و بویافته آزادی نیکاراگوئه از سلطه ایالات متحده آمریکا و الیگارشی محلی و فئودالی آن به کنسروی و اقامت مستقل هدف نزدیک حزب تعیین گردیده است. برای رسیدن به این هدف حزب انقلاب ضد امپریالیستی توده ای دموکراتیک توام با اصلاحات ارضی را که در جهت ایجاد یک حکومت توده ای میهن پرست باشد ضروری میدانند. این انقلاب باید منجر به دگرگونیهای عمیق ضد فئودالی و دموکراتیک گردد و براه را برای گذار سوسیالیسم بگشاید. در روزنامه حزب کمونیست نیکاراگوئه ضرورت توام ساختن اشکال سالمت امپریالیسم و سوسیالیسم نیز توده ای ذکر شده است.

حزب کمونیست نیکاراگوئه با آمورشود که العالی رژیم دیکتاتوری موجود د نیکاراگوئه به برقراری نظام دموکراتیک و آزادی ملی کشور بدین مبارزه مسلحانه غیرمکن است. حزب در همین حال بر آنست که هدف و شرایط لازم برای انجام چنین مبارزه ای آماده نشده است. حزب کمونیست نیکاراگوئه در حال حاضر بویافته خود را برقراری ارتباط همه جانبه با توده های مردم، تشکیل نفوذ خود در محافل مترقی و دموکراتیک و تشدید فعالیت بنسب ورودت تما چنینزوهای میهن پرست درجهبسه دموکراتیک اپوزیسیون بشمار میآورد. این حزب از انجام اصلاحات ارضی دموکراتیک طرفداری می کند.

حزب کمونیست نیکاراگوئه طی سالهای اخیر نفوذ خود را میان توده های بیوزه کارگران، دانش

جوان و در سندهای کارگری گسترش داده است. کفدراسیون همگانی کار (مستقل است) که اکثر سازمانهای سند یگانی را در بر میگیرد، تحت رهبری حزب کمونیست فعالیت میکند. در سال ۱۹۶۷ با بنکار حزب کمونیست نیکاراگوئه کفدراسیون کشاورزان و کارگران کشاورزی نیکاراگوئه ایجاد شده است.

حزب کمونیست نیکاراگوئه از تما چنینزوهای اپوزیسیون دعوت میکند تا در رابطه با حدی برطیسه رژیم موجود در دیکتاتوری نظامی آشکارا است همبازره برخیزند. حزب کمونیست نیکاراگوئه میکوشد تا جنبش دموکراتیک طبعی سوموزا دانه گسترش تری پیدا کند و با برنامه حداقلی که قابل درک محافل گسترده سیاسی واجتماعی که با این بیان شکل برسد دیکتاتوری مبارزه میکند مجهز گردد.

حزب کمونیست نیکاراگوئه از مارکسیسم - لنینیسم بطور پیگیر و استوار دفاع میکند و طرفدار تحکیم وحدت صفوف جنبش بین المللی کمونیستی است.

حزب کمونیست نیکاراگوئه چند نشریه چاپ و منتشر میکند.

حزب واحد کمونیستهای هائیتی

در سال ۱۹۶۸ در نتیجه وحدت حزب واحد خلقی هائیتی (تاسیس در سال ۱۹۵۹) و حزب خلق برای آزادی ملی (تاسیس در سال ۱۹۵۴) بوجود آمد. در شرایط پنهانکاری عمیق فعالیت میکند. مدافع و یانگرمنافع طبقات کارگر، کشاورزان و روشنفکران مترقی است. در اعلامیه وحدت سازمانی دوحزب گفته شده است: "حزب واحد کمونیست های هائیتی دسته پیشرو آگاه و متشکل طبقه کارگراست که بر پرچم ایدئولوژی مارکسیستی - لنینیستی مبارزه میکند. حزب واحد کمونیست های هائیتی با اتکا به اصول سازمانی لنینی مبارزه طبقه پرولتاریا در راه انجام انقلاب هائیتی وحدت گرفتن حاکمیت و ساختمان سوسیالیسم رهبری خواهد کرد."

حزب واحد کمونیست های هائیتی اعلام داشت که با تمام احزاب کمونیست روابط برادرانه برقرار خواهد کرد و در امر وحدت صفوف جنبش کمونیستی جهانی بر پایه احترام به استقلال هر حزب و وفاداری به مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری مبارزه خواهد کرد.

دولت هائیتی در ماههای مه و ژوئن ۱۹۶۹ این حزب را مورد تضييق و فشار شدیدی قرار داد. صد ها کمونیست را کشتند و با بزدان افکندند. محافل ارتجاعی ایالات متحده آمریکا از سیاست ضد خلقی دولت هائیتی پشتیبانی میکنند و به دوایله دیکتاتور هائیتی بطناس گسترده ای کمک میرسانند.

حزب واحد کمونیست های هائیتی بر پایه مرکزیت دموکراتیک بوجود آمده است. کنگره هائیتی در ارگان حزب است و کمیته مرکزی که بیروی سیاسی در رأس آن قرار دارد در فاصله بین دو کنگره اسبوز حزبی را رهبری میکند.

مطبوعات حزبی: روزنامه "پوکان" (پشتافتش) که ارگان مرکزی حزب واحد کمونیست های هائیتی است در شرایط غیرطبیعی چاپ میگردد. این حزب در کانادا، مکزیک و فرانسه نیز دارای ارگانهای مختلفی است.